مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

نگاهی عرفانی اخلاقی به مناسک حج

معصومه عبدالحسینی

بسم الله الرحمن الرحیم

نگاهی عرفانی- اخلاقی به مناسک حج

نویسنده:

معصومه عبدالحسینی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نگاهی عرفانی– اخلاقی به مناسک حج

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : نگاهی عرفانی– اخلاقی به مناسک حج/ معصومه عبدالحسینی

مشخصات نشر : قم: مرکز پژوهش های اسلامی صداو سیما، ۱۳۸۶ش.

مشخصات ظاهری : ۱۱۴ص.

فروست : مرکزپژوهش های اسلامی صدا وسیما؛ ۱۱۹۴

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۸۸۷۹۳

ص:۱

اشاره

نگاهی عرفانی اخلاقی به مناسک حج

کد: ۱۱۹۴

نویسنده: معصومه عبدالحسینی

ویراستار:ابوذر هدایتی

ناشر و تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

چاپ : زلال کوثر

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۶

شمارگان: ۱۸۰۰

بهاء: ۱۰۰۰۰ ریال

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: IRC@IRIB.COM

تلفن: ۲۹۳۵۸۰۳ و ۲۹۱۰۶۰۲ نمابر: ۲۹۳۳۸۹۲

شابک: ۸-۸۲-۷۸۰۸-۸-۸۲-۷۸۰۸-۹۶۴ :ISBN۹۶۴

ص:۲

پیش گفتار

آن گاه که دعوتش را لبیک می گوییم و به خانه اش مهمان می شویم، لباس عصیان و سرکشی را از تن درمی آوریم و لباس پرهیزکاری و عفاف و بندگی را می پوشیم و چشم دل را مُحرم می کنیم تا مَحرم شویم و به جای گردش دور خود، گرد معبود می چرخیم. طواف عشق را آغاز و سه روز در مشعر و منا بیتوته می کنیم و نفس خود را به قربانگاه می بریم و قربانی می کنیم و به صفای روح و جان می پردازیم. دل را صیقل می دهیم و ابراهیم وار زمزمه می کنیم و شیطان نفس را با جمره انابه، سه بار از خود دور می سازیم؛ یک بار به نیت قرب الی الله، بار دوم به نیت ـفرارـ الی الله و آخرین بار، به نیت ـفنا ـالی الله.

گناهان خود را با زمزم اشک و نیایش می شوییم و برای رسیدن به خدا از منیت فاصله می گیریم و نفس می کوشیم و درس بندگی را می آموزیم و برای رسیدن به بالاترین مرتبه بندگی که عَرَفَ رَبه است، تلاش می کنیم.

حج، دریایی است که هر کس قطره ای از آن بنوشد، به اندازه یک اقیانوس تشنه خواهد شد. کتابی است که الفبای آن تعبد و تسلیم است. حج، درختی است که ریشه آن، تزکیه و پرهیزکاری و شاخه های آن متصل به شاخه طوبا است که هر حاجی، از سایه آمرزش آن برخوردار می شود. حج، اقیانوس مّواجی است که در عمق آن، صدف عرفان و مروارید اجابت و

ص:۳

مغفرت آشکار است. حج، پرواز پرندگان سفیدپوش عاشق پیشه به سوی ملکوت است. حج، شکفتن غنچه های گل های ابراهیمی است. حاجی، تشنه است؛ تشنه اجابت و مغفرت، تشنه گذشت و انابت، تشنه عشق و محبت و دلدادگی و سرسپردگی.

افزون بر معرفی ابعاد حج، این اثر، متونی توصیفی و بامحتوا درباره مناسک و اماکن حج است که اگر با توجه به شرایط زمانی و مکانی از آن بهره برداری شود، تأثیر آن دوچندان می شود و برای مخاطبان ضروری می نماید. بنابراین، انتظار می رود مجریان، گزارشگران و نویسندگان و سردبیران رسانه ملی از این دست مایه مناسب، نهایت استفاده را ببرند.

فصل اول:ابعاد مختلف حج

اشاره

دین اسلام دارای جنبه های فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. حج نیز به عنوان یکی از مسائل اساسی و پایه ای دین اسلام، ابعاد مهم زندگی فرد را تشکیل می دهد. در نگاه اول، حج، مجموعه ای از مراسم عبادی است که در نگاه نخست، فردی به نظر می رسد، ولی با اندکی اندیشه ورزی، متوجه می شویم جنبه های دیگری نیز دارد. در حقیقت، حج، تمرین برای آماده شدن و پیکار در صحنه های مختلف زندگی و بزرگ ترین مانور عبادی، سیاسی و اجتماعی است. «کنگره عظیم و جهانی حج... در تقویت ساختارهای معنوی جامعه و محکم تر شدن هر چه بیشتر شالوده های اجتماعی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و علمی جوامع اسلامی اثر فراوانی دارد».

قوام و تقویت دین بر پایه حج استوار است. اگر حج تقویت شود، دین نیز تقویت خواهد شد. امیرمؤمنان علی علیه السلام در این باره فرمود: «وَ

فَرَضَ... الحَجَّ تَقْوِيَهً لِلدِّینِ؛ خداوند حج را برای تقویت دین واجب کرده است».(۱)

۱. جنبه اجتماعی حج

اشاره

هر سال در این کنگره عظیم جهانی، مسلمانان بی شماری از کشورهای گوناگون، در روزهای مشخص دور هم جمع می شوند. اگر به درستی به اهداف حج عمل شود، تحولات ویژه ای در جامعه مسلمانان رخ می دهد و بسیاری از مشکلات مسلمانان جهان حل می شود و منافع بی شماری خواهد داشت: «لِیَشْهَدُوا مَنَافِعِ لَهُمْ.» (حج: ۲۸) حج در عین آنکه خودسازی است، وسیله ای برای جامعه سازی هم به شمار می رود.(۲) افزون بر رشد اخلاقی، سبب رشد اجتماعی هم می شود. «حج یک کنگره اجتماعی و جهانی، کنگره ای نه در یک تالار در بسته که در یک تنگه کوهستانی باز، نه در زیر یک سقف کوتاه که در زیر آسمان بلند بی در، بی دیوار، بی قید، بی بند، بی تشریفات. کنگره ای نه از رؤسای کشورها، نه از نمایندگان رسمی، نه از دیپلمات های حرفه ای، نه از رهبران سیاسی، نه از دبیر کل های حزبی، نه از اساتید دانشگاه ها، نه از علمای روحانی، نه از روشن فکران برجسته و نه... کنگره ای از خود مردم.»(۳) این اجتماع باشکوه، نه تنها می تواند مسائل و مشکلات مسلمانان را حل کند، بلکه برای مستضعفان جهان هم می تواند راه گشا باشد.

۱- [۱] . بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۱۰.

۲- [۲] . تحلیلی از مناسک حج، ص ۱۸۸.

۳- [۳] . همان، ص ۱۸۸.

الف) شناخت حجّاج کشورهای دیگر؛ مقدمه ارتباطات بعدی

در اجتماع سالانه حج، زائران به دور از هرگونه اختلاف طبقاتی، نژادی و تعصب مذهبی گرد هم می آیند و به هدف مقدس و مشخصی توجه می کنند. این امتیازی است که منافع بسیاری دارد: از جمله بهترین منافع اجتماعی حج، آشنایی زائران با یکدیگر است که زمینه را برای رفع مسائل و مشکلات زائران فراهم می کند و آنان بهتر می توانند در کنار یکدیگر پیوند برقرار کنند و به تقویت پیوند اجتماعی شان بپردازند.

ب) تبادل افکار و انتقال اطلاعات

امام صادق علیه السلام یکی از فلسفه های حج را چنین بیان می کند:

خداوند این بندگان را آفرید... و دستورهایی را در طریق مصلحت دین و دنیا به آنها داد و از آن جمله اجتماع مردم شرق و غرب را در آیین حج مقرر داشت تا مسلمانان یکدیگر را به خوبی بشناسند و از حال هم آگاه شوند.(۱)

همچنین امام خمینی رحمه الله در این باره گفته است:

حج، بهترین میعادگاه معارف ملت های اسلامی است که مسلمانان با برادران و خواهران دینی و اسلامی خود از سراسر جهان آشنا می شوند و در آن خانه ای که متعلق به تمامی جوامع اسلامی و پیروان ابراهیم حنیف است، گرد هم می آیند و با کنار گذاردن تشخص ها و رنگ ها و ملیت ها و نژادها به سرزمین و خانه اولین خود رجعت می کنند و با مراعات اخلاق کریمه اسلامی، اجتناب از مجادلات و تجملات، صفای اخوت اسلامی و دورنمایی از تشکیل امت محمد صلی الله علیه و آله را در سراسر جهان به نمایش می گذارند.(۲)

۱- [۱] . علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۰۶، ح ۷.

۲- [۲] . امام خمینی رحمه الله ، صحیفه نور، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۱، ج ۲۰، ص ۱۳.

ج) حل مشکلات جهان اسلام و تقویت روابط اجتماعی

این پیونـد نزدیـک سبب تفـاهم و تقویت روابـط اجتمـاعی و ارتبـاط بهتر و بیشتر، همراه با مهربانی می شود و بهتر می توانند درباره مسائل گوناگون سـخن بگویند. بدین ترتیب، زمینه مناسبی برای حقایق و معارف دین اسـلام فراهم می شود و هر کدام از آنان به عنوان نماینـدگان کشورهایشان می توانند مسائل خود را به گوش دیگر مسـلمانان و هم وطنان در دیگر نقاط جهان برسانند و پس از بازگشت از این سفر الهی، بهتر بتوانند به جامعه خویش کمک کنند.

در حقیقت، این آموزه ها و آشنایی معنوی، سرآغازی برای چاره اندیشی و چاره جویی خواهد بود. در این اجتماع عمومی که مسـلمانان فرقه هـای گونـاگون دور یکـدیگر حلقه زده انـد، راحت تر می تواننـد دربـاره آینـده اسـلام و مـدینه فاضـله دنیوی مشورت و برای رشد و تکامل جامعه مسلمانان چاره اندیشی کنند؛ درباره منابع و دست آوردهای علمی ـ فرهنگی کشورشان نظر دهنـد و شـرایط را برای ترقی و پیشـرفت یکدیگر فراهم آورند و با بیان کاستی های یکدیگر، برای حل آن بکوشـند؛ زیرا سرنوشت همه آنها یکی است.

در دنیای امروز که مسـلمانان جهان مشکلات بسیاری دارند، این اجتماع باشکوه به آنان فرصت می دهد تا از مشکلات کشور خود و کشورهای مسـلمان دیگر، آگاه شوند و علت مشکلات و گرفتاری های خود را دریابند. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

... خواسته های مردم اطراف و بلاد مختلف بر اثر گردهم آیی در جاهایی که

ص:۸

وسیله تجمع فراهم می گردد، بررسی و حل و فصل می شود.(۱)

مسلمانان در موسم حج می تواننـد کمبودها و نواقص خود را بیان و دست نیاز به سوی مسلمانان دراز کننـد و از آنان یاری بطلبنـد. همچنین به کمک دیگر مسلمانان می تواننـد مشکلات خود را رفع کننـد و برای مسائل دیگر جامعه بزرگ اسلامی تصمیم بهتر و جدی تر بگیرنـد. امام صادق علیه السلام در جای دیگر فرموده است: «هرگاه مسلمانی صبح کنـد و به فکر اصلاح مسلمانان نباشد، مسلمان نیست».(۲)

«این همایش بزرگ سالانه، مظهر اقتدار مسلمانان جهان و همچنین زمینه ای است تا آنان اختلاف های فرعی خود را کنار زده و به خود آینـد و یک هـدف مشترک را که همانا اعتلای کلمه الله است، وجهه همت خود سازند و هویت اسلامی خویش را بازیابند و به مصالح جهان اسلام بیندیشند تا عظمت اسلامی را آن گونه که شایسته امت محمد صلی الله علیه و آلهاست، به ارمغان آورند».(۳)

د) ایجاد هم بستگی میان مسلمانان

یکی از مهم ترین مسائل در کشورهای اسلامی، اتحاد و هم دلی مسلمانان است. ازاین رو، هدف بسیاری از اعمال در مراسم حج، هدایت مسلمانان در مسیر اتحاد و هم دلی است. «فلسفه بزرگ حج، رمز وحدت مردم و مرکزی

۱- [۱] . وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۷، ح ۱۵.
۲- [۲] . اصول کافی، ج ۲، ص ۶۳.
۳- [۳] . ابعاد سیاسی و اجتماعی حج، ص ۱۷۸.

برای اجتماع دل ها و استحکام همیشگی و هم فکری پیوندهای گوناگون جوامع و ملل اسلامی است».(۱)

انجام یک سلسله اعمال عبادی سبب شکل گیری اتحاد و وحدت و هم دلی می شود و به حل مسائل کمک می کند و آثار فرخنده بسیاری دارد: «لِیَشْهدُوا مَنافِعَ لَهُم.» (حج: ۲۸) حج، اتحاد، دوستی، تفاهم و هم فکری را در بین مسلمانان نهادینه می کند و سوءتفاهم ها را از بین می برد و سبب می شود با استحکام پیوند آنان، اختلاف های کوچک از یاد برود و در نتیجه، دین اسلام در سراسر جهان گسترش یابد.

«به هم پیوستن مسلمانان و نزدیک شدن آنان به یکدیگر و برقرار ساختن ارتباط همه جانبه، برای ایجاد وحدت و هم بستگی، همکاری و هم گرایی و هم دلی و هم فکری بین امت های اسلامی است. آگاه شدن نسبت به احوال همدیگر و آشنایی از استعدادهای گوناگون نهفته در تک تک جوامع اسلامی، از برکات این اجتماع مهم است».(۲)

ه_) حل اختلاف مسلمانان

مسلمانانی که در مراسم باشکوه حج شرکت می کنند، با وجود پیروی از مذاهب گوناگون، نباید به اختلاف های جزیی بپردازند؛ زیرا سبب جدایی و پراکندگی آنان می شود.

مراسم حج، زمینه را برای آشنایی مسلمانان با یکدیگر و حل مشکلات

۱- [۱] . آثار تربیتی و معنوی حج، ص ۵۴.

۲- [۲] . همان.

فراهم می سازد، عظمت آنان را نشان می دهد و سبب تقویت اعتماد به نفس بیشتر مسلمانان می شود و احساس ضعف و حقارت را در بین آنان از بین می برد. در واقع، حج یک مانور سیاسی است. وحدت و هم دلی مسلمانان، سبب تحکیم امنیت و برادری در بین مسلمانان می شود و محیطی صمیمی را پدید می آورد.

امت واحد اسلامی، همانند دانه های زنجیر هم فکر و هم عقیده اند. آنان یک پروردگار، پیامبر، قبله، کتاب و هدف مشترک دارند. ازاین رو، همه مسلمانان باید به ریسمان الهی چنگ بزنند و مراقب باشند پراکنده نشود: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعًا وَ لا تَفَرَّقُوا.» (آل عمران: ۱۰۳)

«اینجا که رمز وحدت و پایگاه و زادگاه و جایگاه توحید است، واجب است برای حفظ وحدت اسلامی همه اقلیت ها، مسلمانان خود را در این امواج اکثریت مسلمین ادغام کنند و حساب خود را جدا نگیرند».(۱)

این نمایش بی نظیر، عظمت و عزت و شکوه مسلمانان را نشان می دهد و شرایط را برای تشکیل دولت بزرگ اسلامی مهیا می سازد. برای تقویت هم دلی و وحدت و استحکام، باید در همه مراسم عبادی شرکت کرد و با حضور در اجتماع های دینی گوناگون و هماهنگی با مسلمانان، خود را نیرومند ساخت و نیز برای انسجام و تقویت فرهنگ برابری و برادری از تک روی پرهیز کرد.

۱- [۱] . محمد صادقی تهرانی، درس هایی از فقه سیاسی اسلام اسرار، مناسک و ادله حج، نشر صوت اسلام، ص ۴۳۵.

۲. جنبه های فرهنگی حج

اشاره

یکی دیگر از جنبه هـای مهم این گردهم آیی باشـکوه، جنبه فرهنگی آن است که اسـاس و پایه دین اسـلام و مهم ترین عامل رشـد و بیداری فکری مسـلمانان به شـمار می آید. جنبه فرهنگی حج، مقدمه ای برای گسترش فرهنگ اصـیل و پویای اسـلام است. حـج، نشـان دهنـده ارزش و فرهنـگ اصـیل اسـلام است. برای نمونه، تماشـای آثـار تاریخی در سـرزمین وحی و مـدینه الرسول، گنجینه غنی و مهمی برای مسلمانان است.

حـج، بهترین و منـاسب ترین پایگـاه نشـر دین و مبـادله فکری و فرهنگی است. «حـج، فرصتی منـاسب برای نشـر مرام و مکتب اولیای الهی است تا جهان اسـلام هر چه بهتر با این فرهنگ حیات بخش آشـنا شوند و فروغ و جلوه دین را در سـیمای خاندان عصمت بنگرند.»(۱) دوام و قـوام این مراسم باشـکوه، مسـتلزم تقـویت این جنبه از جنبه هـای گونـاگون حـج است که ضـامن سلامت دین است و آن را از جنبه های گوناگون می توان بررسی کرد.

الف) تبادل فرهنگ و افکار

در این مجمع سالانه، از هر کشوری، شـماری به عنوان نمایندگان جامعه خود حضور می یابند. شرکت این افراد، برای آشنایی بـا انـدیشه و افکار و انتقال اطلاعات با یکـدیگر است و این تبادل افکار و انـدیشه می توانـد در زمینه های گوناگون عقیـدتی، اجتماعی و سیاسی اثرگذار باشد.یکی از

۱- [۱] . جواد محدثی، چهل حدیث، قم، نشر مشعر، ۱۳۷۵، ص ۴۹.

مهم ترین عوامل فرهنگی، تبادل فرهنگ ها و اطلاعات در جهان اسلام است. این اجتماع سالانه سبب می شود که اخبار و اطلاعات مربوط به پیامبر و خاندان رسالت بهتر و بیشتر منتقل شود و مسلمانان روش و منش نبوی را گسترش دهند. ازاین رو، حج، مهم ترین پایگاه پیام رسانی است.

امام صادق علیه السلام در این باره چنین می فرماید:

اگر کسی بگوید چرا به حج فرمان داده شده است، در پاسخ گفته می شود به علت اینکه دین شناسی و نقل سخنان و اخبار ائمه اهل بیت علیهم السلام به هر منطقه و ناحیه است.(۱)

امام صادق علیه السلام در جایی دیگر، درباره فلسفه حج فرموده است:

تا آثار و اخبار رسول خدا شناخته شود و از آن نام برند و فراموش نشوند.(۲)

همچنین ایشان می فرماید:

اگر هر ملتی تنها در سرزمین خود گفت وگو می کرد و درباره آنچه در آنجاست فکر می کرد، به هلاکت می رسید و بلاد خراب می شد و منافع و سودها از میان می رفت و اخبار پایان می یافت و به این حقایق واقف نمی گردید، این است فلسفه حج.(۳)

اجتماع کنندگان در این گردهم آیی سالانه، با وجود تفاوت در رنگ و نژاد و قومیت، دور هم جمع می شوند و چون دارای ریشه فرهنگی و عقیده مشترک و اسلامی هستند، راحت تر و بهتر می توانند به تبادل افکار بپردازند.

انتقال فرهنگ ها سبب می شود هنگامی که به وطن خویش بازگشتند،

۱- [۱] . محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، مکتب الاعلام الاسلام، ۱۳۶۷، چ ۲، ج ۲، ص ۲۶۶.
۲- [۲] . علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۰۶، ح ۷.
۳- [۳] . همان، ج ۲، ص ۴۵، ح ۶.

آموزه های اسـلامی را گسترش دهند و چهره واقعی اسلام را آشکار سازند و بکوشند مسلمانان به قدرتی بزرگ تبدیل شوند. مقام معظم رهبری در این باره به مسلمانان سفارش می کند:

در حـج، شـما برادران و خواهران که از نقاط مختلف جهان در محشـر عظیم حج گرد آمده و در هجرت از من قومی ـ نژادی حرفه ای به مای اسـلامی و قرآنی پیوسـته اید، مناسب است مسائلی را مد نظر داشـته باشید و درباره آن با دیگر مسلمین تبادل اندیشه کنید و پس از سفر حج به آن عمل کنید.(۱)

شناخت آموزه های اسـلامی و گذشته پرافتخار اسلام و آشنا شدن بهتر و بیشتر مسلمانان با فرهنگ پویای اسلام و انتقال آن به نسل های آینده، سبب حفظ هویت اسلامی می شود.

ب) آشنایی با وضعیت اجتماعی فرهنگی سرزمین وحی

مکه، سـرزمین وحی، پایگـاه و پایتخت مسـلمانان، دارای شـرافت و عظمت ویژه ای در میان شـهرهای اسـلامی است و ویژگی های منحصر به فردی دارد که برگزاری مراسم باشکوه حج، بر اهمیت این شهر افزوده است.

مراسم حج سـبب شده است این شـهر مقدس، مطرح و از نظر فرهنگی و تاریخی، جهان اسلام تقویت شود. دین بزرگ اسلام، از این سرزمین مبارک، به سراسر جهان منتشر شد، ولی متأسفانه از این سرزمین نور و رحمت نتوانسته اند به شکل مناسبی سود جویند و اسلام را در جهان تشنه آموزه های آسمانی، گسترش دهند.

در حال حاضر، بخشی از ساکنان مکه، از مهاجران کشورهای هند،

۱- [۱] . پیام مقام معظم رهبری، ۲۶ خرداد ۱۳۷۰.

پاکستان و افغانستان و.. هستند و سرگرم فعالیت های اقتصادی اند. ازاین رو، بیشتر فضای اقتصادی و بازرگانی بر شهر مکه حاکم است. تنها هنگام برگزاری مراسم حج و عمره، معنویت در مکه به چشم می آید و دیگر شهری قدیمی نیست.

در مراسم حج باید برای زدودن فرهنگ استعماری بسیار کوشید، ولی متأسفانه جلوه های بیگانگان که به شکل کالاهای رنگارنگ است، وارد این سرزمین مقدس شده است. بازارهای مکه و مدینه، پر از کالاهای بیگانگان است و روح وابستگی به چشم می آید.

از نظر سیاسی نیز سیاست وابستگی به غرب و غرب زدگی آشکار است و این نشان دهنده سیاست کشور عربستان است. حکومت عربستان، مردمی و مستقل نیست و حکومتی موروثی است. فرهنگ غرب، در عربستان به شکلی گسترده گسترش یافته است. برای نمونه، لوح های فشرده مبتذل و مواد مخدر در این سرزمین پخش می شود. سران کشور عربستان، به غرب وابسته اند و گرایش ویژه ای به قدرت های استکباری دارند. آنان برای تکیه زدن بر تخت قدرت، در پی آن هستند که زائران با روح حج بیگانه باشند. آنان خوب می دانند که شکوه و تشریفات ظاهری این مراسم، نه تنها برای آنان زیانی ندارد، بلکه حجی که از معنویت بی بهره باشد، نمی تواند اثر ارزشمندی نیز داشته باشد. ازاین رو، حجی که به رسالت آسمانی خود نپردازد و هیاهوی ظاهری بسیاری داشته باشد، سود بی شماری برای دشمنان دارد.

بیشتر اهالی این سرزمین، اهل تسنن هستند و ورود غیرمسلمانان، به عربستان ممنوع است. با وجود این، حاکمان عربستان، برای از بین بردن

شعایر اسلامی، مکان های تاریخی و اسلامی را ویران می کنند تا آثار اسلامی را از چهره عربستان بزدایند. آنان به میراث اسلامی بی توجه هستند و این بی مهری یکی از راه های پیکار وهابیت و استعمارگران با اسلام ناب محمدی است.

این عوامل نشان می دهد که دشمنان اسلام از هر وسیله ای، برای از بین بردن اسلام بهره می برند. مهم نیست این وسیله، فرهنگی باشد یا سیاسی. تنها مهم این است که دین مبین اسلام آسیب ببیند.

ج) دفاع معقول و منطقی از مبانی تشیع

یک پارچگی و هم بستگی همواره رمز پیروزی مسلمانان بوده است. «به همین دلیل، دشمنان اسلام و مسلمانان، برای از بین بردن هم بستگی، از راه های گوناگونی وارد می شوند تا به هدف های شوم و پلیدشان دست یابند. دشمنان در چند دهه اخیر، با ایجاد تفرقه و پاشیدن تخم نفاق، می کوشند مسلمانان را از یکدیگر دور کنند. در این راستا، آنان تلاش می کنند مذهب شیعه، در جهان منزوی شود؛ زیرا استراتژی شیعه در طول تاریخ، تکیه بر مکتب اهل بیت علیهم السلام، همکاری نکردن با ستم و فساد و تجاوز بوده و دست بیعت به ظالمان و غاصبان نداده و غرامت این آزادگی و ستم ستیزی را در زندان های مخوف و بر چوبه های دار و با شهادت و اسارت پرداخته است».(۱)

متأسفانه، پیروان برخی از فرقه های اسلامی از روی نادانی یا غرض ورزی

ص:۱۶

۱- [۱] . محمد تقی رهبر، اخلاق و آداب در حج و زیارت، قم، مشعر، ۱۳۸۳، ص ۱۲۲.

و در جهت دشمنی با شیعه، با بیان و ترویج عقاید خود و نفی و انکار عقاید شیعه به شبهه پراکنی می پردازند. حج، فرصتی بسیار مغتنم است تا با منطق و استدلال و به دور از هرگونه تشنج آفرینی در سمینارها و گفت وگوهای دوطرفه، عقاید اصیل شیعه به دیگران، منتقل و به شبهه های موجود در زمینه های گوناگون از جمله شفاعت، توسل، سجده بر خاک، مهدویت، غدیر و... ، پاسخ داده شود.

۳. جنبه های سیاسی حج

اشاره

یکی از جنبه های مهم و اساسی حج، جنبه سیاسی است که از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و یکی از مصداق های جدایی ناپذیری دین و سیاست است.

«اصلاً حج بی سیاست، حج نیست و کسانی که بدون در نظر گرفتن جنبه های سیاسی، مراسم حج انجام می دهند و تنها به ظواهر عبادی حج قناعت می کنند، قطعا از محتوای حج خارج شده اند.»(۱) حضرت امام خمینی رحمه الله در این باره چنین فرموده است:

حج از آن روزی که تولد پیدا کرده است، اهمیت بُعد سیاسی اش کمتر از عبادی اش نیست و بُعد سیاسی علاوه بر سیاستش، خودش عبادت است... و شاید جنبه های سیاسی و اجتماعی آن بر جنبه های دیگرش غلبه دارد.(۲)

در این کنگره سیاسی ـ عبادی، مسلمانان کشورهای مختلف، از مسائل

۱- [۱] . میقات حج، ش ۴، ص ۴۶.

۲- [۲] . صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۳.

گوناگون آگاه می شوند و خطرها و توطئه های دشمنان را به یکدیگر گوشزد می کنند. این جنبه حج را از زاویه های گوناگون می توان بررسی کرد:

الف) انتقال فرهنگ مبارزه سیاسی به مسلمانان دیگر کشورها

مسلمانان شرکت کننده در این مراسم در کنار خانه امن الهی که مرکز جهان اسلام است، می توانند بسیاری از گرفتاری ها و نابسامانی خود و دیگران را حل کنند. هدف اصلی دشمنان مسلمانان، ایجاد اختلاف میان فرقه های اسلامی است. آنها با پاشیدن بذر نفاق می خواهند به هدف هایشان دست یابند و راحت تر بر مسلمانان حکومت کنند. در این مراسم، مسلمانان به سرنوشت یکدیگر توجه دارند و در پی آن هستند تا دشمن واقعی خود را بشناسند و از توطئه ها و نقشه هایش آگاه شوند و نقاب از چهره او بردارند و در برابرش بایستند و با او مبارزه کنند.

ب) دشمن شناسی

مسلمانان در حج یاد می گیرند که دشمنان خود را دست کم نگیرند و شعار «تفرقه بینداز و حکومت کن» آنان را همیشه به خاطر می سپارند. مسلمانان در حج درمی یابند که هدف دشمنان اسلام، غارت منابع مسلمانان و استثمار و استعمار است. ازاین رو، به دشمنان اجازه نمی دهند بر آنان تسلط یابند.

این کنگره عظیم، بهترین فرصت برای برنامه ریزی برای رویارویی با دشمن است؛ زیرا دشمن همیشه در کمین است. مسلمانان با برگزاری باشکوه مراسم حج، به دشمنان می فهمانند که حج تنها مراسمی عبادی نیست.

ج) خنثی سازی توطئه های تبلیغی استکبار جهانی

ص:۱۸

مهم ترین جنبه سیاسی مراسم حج، خنثی کردن توطئه های دشمنان است. مسلمانان باید همواره هشیار باشند و تک تک توطئه های دشمنان را بشناسند و با قاطعیت با توطئه ها برخورد کنند. «امروز استکبار جهانی، حتی پیش از خود مسلمانان به این حقیقت پی برده است که لایزال الدین قائما ما قامت الکعبه و دانسته است که حج با بار سیاسی و محتوای بیدار کننده و ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی چه حرکتی را در سطح ملل مسلمانان جهان می خواهد بیافریند و هر سال تحول بنیادین را در روابط داخلی و نیز در صحنه جهانی می تواند به وجود آورد».(۱)

به همین دلیل، دشمنان همواره می کوشند این حرکت سیاسی را تنها حرکتی عبادی معرفی کنند که محتوای سیاسی ندارد. آنان به خوبی می دانند که اگر این مناسک با تشریفات ظاهری برگزار شود، برای آنان هیچ خطری ندارد و می توانند در بسیاری از موارد، منافع خود را نیز تأمین کنند و آرام آرام درباره چگونگی برگزاری مراسم حج، نظر بدهند. در حقیقت، حج، قدرت، وحدت، یگانگی و هم بستگی مسلمانان را نشان می دهد تا دشمن به این قدرت و وحدت بی نظیر پی ببرد. «حج، باشکوه ترین تجلی قدرت جهانی اسلام برای همه عصرها و نسل هاست».(۲)

در روایت آمده است: امام صادق علیه السلام فرمود: «اَلْحَجُّ جِهادُ کُلِّ ضَعفٍ؛ حج، جهاد ناتوانان است.»(۳) در این جهاد، ناتوانان با استکبار جهانی مبارزه و

ص:۱۹

۱- [۱] . عباس علی عمید زنجانی، در راه برپایی حج ابراهیمی، قم، مشعر، ۱۳۷۵، ص ۱۱۴.

۲- [۲] . ابعاد سیاسی و اجتماعی حج، ص ۲۴.

۳- [۳] . وسائل الشیعه، ج ۸، ح ۱۴، ص ۷.

توطئه های آنان را خنثی می کنند و چهره شرک و نفاق و توطئه گران را آشکار می سازند.

د) برائت از مشرکان

یکی از نمودهای عینی بعد سیاسی حج، برگزاری مراسم برائت از مشرکان است برائت و بیزاری جستن از مشرکان و کافران، از فروع دین است. خداوند یکتا در این باره چنین فرموده است:

وَ أَذانٌ مِّنَ اللّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَی النّاسِ یَوْمَ الْحَجِّ الْأَکْبَرِ أَنَّ اللّهَ بَرِیءٌ مِنَ الْمُشْرِکینَ. (توبه: ۳)

و این آیات اعلامی است از جانب خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر که خدا و پیامبرش در برابر مشرکان تعمدی ندارند (و از آنان بیزارند).

امام خمینی رحمه الله نیز درباره مراسم برائت از مشرکان چنین گفته است: «حج بی برائت، حج نیست».(۱)

دوری جستن از شیطان و دشمنان خدا در دیگر اعمال حج نیز دیده می شود، مانند رمی جمرات که نماد شیطان زدایی است. در مراسم برائت از مشرکان نیز شیطان های کوچک و بزرگ را سرکوب و رسوا می کنیم.

«اعلان برائت در حج تجدید میثاق و مبارزه و تمرین تشکل مجاهدان برای ادامه نبرد با کفر و شرک و بت پرستی هاست که سرآغاز علنی ساختن منشور مبارزه و سازمان دهی جنود ابلیس و ابلیس صفتان است».(۲)

۱- [۱] . پیام امام خمینی رحمه الله به حجّاج بیت الله الحرام، خرداد ۱۳۶۶.
۲- [۲] . همان.

دشـمنان بـا دیـدن چنین اجتماع عظیمی، وحشت در دلشان رخنه می کنـد و از قـدرت بی نظیر مسـلمانان می هراسـند. «فلسـفه برائـت از مشـرکان در جهـان امروز مبـارزه بـا سـلطه جـویی قـدرت هـای طـاغوتی، اسـتقلال، عزت و اقتـدار مسـلمانان جهـان است.»(۱) مراسم برائت از مشـرکان، نشـانه قـدرت مسـلمانان و عزم آنـان برای نـابودی دشـمن و مبـارزه با تبلیغات پوچ و بی اسـاس آنـان است و این اعتمـاد به نفس مسـلمانان، راه را برای رهـایی محرومـان و مستضـعفان، هموار می کنـد و جلو تجـاوز دشمن را به مسلمانان می گیرد.

مراسم حـج، بهترین فرصت برای بیزاری جسـتن از دشـمنان خـداست، ولی تنهـا زمـان و مکـان نیست، بلکه در همه زمان ها و مکان ها وظیفه مسلمانان این است که بیزاری و برائت خود را به گوش جهانیان برسانند.

ه_) مسئله جهانی سازی حج

از مهم ترین مسائل اساسی در عصر مـا، مسئله جهـانی سـازی حـج است. جهـانی سازی به معنای نهادینه کردن یک الگوی رفتـاری برای جهـان است. موضوع جهـانی سازی حـج نیز از جمله مسائلی است که می توان آن را در سـطح بین المللی مطرح کرد. در همه دین هـا، مکـان هـای مقدسـی وجود دارد که افراد به آنجـا می رونـد و به عبـادت می پردازنـد. برای نمونه، بیت المقـدس، مکانی مقدس برای همه دین هاست. مکه نیز سـرزمین مقدسـی است که قداست ویژه ای برای مسـلمانان دارد. دین های دیگر نیز قرن هاست که به آن

۱- [۱] . محمـد محمدی ری شـهری، حج و عمره در قرآن و حدیث، با همکاری عبدالهادی مسـعودی، ترجمه: جواد محدثی، نشر دارالحدیث، چ ۱، ص ۴۳۰.

توجه دارند و نمی توانند عظمت آن را انکار کنند.

کعبه، نخستین خانه ای است که خداوند برای هدایت و رحمت جهانیان بنا کرد. پروردگار یکتا در قرآن می فرماید:

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذی بِبَكَّهَ مُبارَكًا وَ هُدًى لِلْعالَمینَ. (آل عمران: ۹۶)

نخستین خانه ای که برای مردم بنا شده، همان است که در مکه است؛ خانه ای که برای جهانیان سبب برکت و هدایت است.

یادآوری این نکته ضروری است که خداونـد همه را در این آیه، با عنوان «ناس» یاد می کنـد. مکه، محلی برای قیام و حرکت همه مردم، قیـام برای آزادی و رد همه محـدودیت هـا و رفع ناامیـدی است. همه مردم با هم دلی، دور هم جمع می شونـد و با یکدیگر سخن می گویند و با هم آشنا می شوند. این آشنایی، آثار و برکت های فراوانی دارد. مکه، مکانی برای بیان دردها و مشـکلات و کاستی ها و نشان دهنده چهره واقعی دشمنان است. در این سرای مقدس، دل های مشتاق و خسته، یکدیگر را می جویند و برای هم دل می سوزانند و در پی چاره خواهند بود.

«اگر به مناسک و اعمال حج به دقت بنگریم، همه اعمال و مناسک را می توان به عنوان یک دسـتورالعمل برای عموم جهانیان قابـل اجرا دانست؛ زیرا حـج به عنوان یـک عبادت جهان شـمول با مناسک و احکام ویژه حرکات نمادینش، نموداری است از یک جامعه امن اسلامی و تمرینی برای تأمین صلح و ثبات امنیت عمومی در طول حیات اجتماعی انسان در همه جا و هر

زمان است».(۱)

و) قابل تعمیم بودن

مناسک و مراسم حج، چون مانند نوع دوستی و عدالت است، قابل اجراست. مسئله دیگر جهانی سازی، جنبه اقتصادی است. جهان خواران که هدفشان برتری جویی و تسلط بر مردم مستضعف و کشورگشایی است، می خواهند آنها را به خود وابسته کنند. مراسم حج، مردمان جهان را آگاه می کند و آنان را از وابستگی و به ویژه اقتصاد تک محصولی می رهاند. پوششی که خداوند برای زائران در نظر گرفته است، ساده و بی آلایش و به دور از تجمل است و این نشان دهنده ساده زیستی و دوری از مصرف گرایی است. در حقیقت، حج، فرصتی برای فقرزدایی است. به این ترتیب، می توان نقشه های استعمارگران را نقش بر آب کرد و بر قدرت مسلمانان جهان افزود.

ملت های جهان می توانند به راحتی در کنار یکدیگر با آرامش و بدون ترس و جنگ و خون ریزی و خشونت، فرهنگ و ارزش های دینی شان را منتقل کنند و صلح و امنیت جهانی را برقرار سازند. با برگزاری کنگره جهانی و سالانه حج می توان این ارزش ها و هدف را مطرح کرد.

اگر همگان به این فرمان اخلاقی که در این همایش بی نظیر آمده است، عمل کنند، صلح و صفای کامل برقرار می شود. حج در واقع، یک منشور اخلاقی عمومی است. یکی از موردهای این منشور اخلاقی، رعایت عدالت و برابری و یکسان نگری است. هر کسی، از هر طبقه اجتماعی، در برابر

۱- [۱] . ابعاد سیاسی و اجتماعی حج، ص ۱۸۰.

پروردگار بی همتا یکسان است و تهی دست و توانگر معنا ندارد و ارزش هر کسی، به کردار و پندار و رفتار او بستگی دارد. حتی تبعیض و چشم و هم چشمی هم جایی ندارد. همه گرایش های قومی، قبیله ای و زبانی باطل است و همگان در برابر قانون الهی برابرند. این گونه است که دیوارهای تبعیض فرو می ریزد.

از دیگر موردهای مهم منشور اخلاقی، ساده گرایی و ساده پوشی و دوری از تجمل است که رمز موفقیت و پیشرفت است. کسی بر کسی فخر نمی فروشد و تکبر نمی ورزد و همه به یک هدف واحد می اندیشند و به سوی یک مقصد می تازند. ازاین رو، نظم اجتماعی، ویژگی اصلی به شمار می آید.

با کم رنگ شدن خودخواهی و خودپرستی و پر رنگ شدن فرهنگ تجاوز نکردن به حقوق دیگران، آزار نرساندن به دیگران، توجه به نظم اجتماعی و زیستن در کنار یکدیگر بدون جنگ و خون ریزی، می توان با شتاب سوی دهکده جهانی نبوی حرکت کرد.

«طواف، یادآور این نکته است که باید برای کارهای خود حد و حدود قایل شد و از حریم خود تجاوز نکرد و در عین حال پیوسته و با اتحاد و یک دلی به سوی هدف رفت. کنگره سالانه حج، عالی ترین نمونه هم بستگی و تجمع ویژه مساوات و برابری و برجسته و گویاترین نمونه و شعار مبارزه با اختلافات طبقاتی است».(۱)

ص:۲۴

۱- [۱] . حسین انصاریان، در بارگاه نور، نشر مشعر، ۱۳۸۲، چ ۲، ص ۹۹.

«حج، کنگره ملل متحد است. از جنبه جهان شمولی، حج، بزرگ ترین واقعه میان فرهنگی است که به طور مداوم از زمان ظهور اسلام تا امروز در سطح جهانی صورت می گیرد. حج تنها جریان ارتباطی میان فردی و میان فرهنگی امت است که به واسطه های سازمانی، رسانه ای، ابزاری و تکنولوژی تکیه ندارد و اساس آن بر سه موضوع خلقت وحدت و امت متکی است. حج تنها بسیج جهانی و مردمی است که بر صلح و امنیت برپا می شود و در تمام همایش و کنگره های جهانی نام افراد با نام، شغل، تابعیت، ملیت، نژاد، لباس، ثروت و قدرت شناخته می شود. در حالی که در جهان شمولی اسلام که تنها یکی از فرایض مختلف اسلام است، این شناخت هویت به دور ریخته شده است».(۱)

۴. جنبه های اقتصادی حج

اشاره

یکی از جنبه های مهم حج، جنبه اقتصادی آن است. اسلام، دینی کامل و جامع است که هم به دنیا و هم آخرت نظر دارد. پیامبر خدا درباره جنبه های اقتصادی حج فرمود:

کسی که خواهان دنیا و آخرت است، باید آهنگ حج کند. خداوند، حج را واجب فرمود تا مردم در پرتو آن از داد و ستد از شهری به شهر دیگر سود ببرند و کرایه دهندگان و شترداران (عاملان حمل و نقل) از این آمد و شد بهره مند شوند.(۲)

۱- [۱] . حمید مولانا، مقاله «اتحادیه امت اسلام طرحی در پی آمد و ساختار جهان شمولی اسلام»، فصل نامه اندیشه تقریب، سال اول، زمستان ۱۳۸۲، ج ۱، صص ۴۳ و ۴۴.

۲- [۲] . میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۶۶.

«این فکر که ما در سفر حج، درآمدی داشته باشیم، به خلوص و اصالت سفر حج آسیب می زند، برای کسی است که پول و درآمدش، آهنگ خدایی نداشته باشد؛ وگرنه کسی که پول درآوردنش آهنگ خدایی دارد، چه منافاتی با خدا دارد».(۱)

روزی معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام پرسید: کسی که به قصد تجارت ره سپار مکه می شود، یا شتران خود را کرایه می دهد، آیا حج او ناقص است یا تمام؟ حضرت پاسخ داد: «مانعی ندارد، حج او تمام است».(۲)

اکنون به برخی ابعاد اقتصادی حج به صورت فشرده اشاره می کنیم.

الف) ازدیاد روزی و رفع فقر

حج، رزق و روزی را افزایش می دهد و سبب خودکفایی افراد می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «حُجُّوا تَسْتَغْنُوا؛ حج را به جا آورید تا بی نیاز گردید».(۳)

امام علی علیه السلام نیز فرموده است:

ان اَفْضَلَ ما تَوَسَّلَ به المتوسلین... و حَجُّ الْبَیْتِ وَاعْتِمَارُهُ فَاِنَّهُما یَنْفِیَانِ الْفَقْرَ وَ یَرْحَضَانِ الذَّنْبَ.(۴)

از بهترین وسایلی که می توان با آن توسل جست... حج، خانه خدا و به جا آوردن عمره است که فقر را از بین می برد و گناهان را پاک می گرداند.

ص:۲۶

۱- [۱] . محمد حسین بهشتی، حج در قرآن، چاپ و نشر دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴، چ ۴، ص ۳۹.

۲- [۲] . وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۰.

۳- [۳] . من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۶۵.

۴- [۴] . نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰، ص ۱۰۷.

همچنین امام کاظم علیه السلام می فرماید: «لا یَمْلِقُ حاج اَبدا؛ حج گزار هرگز فقیر و تهی دست نمی شود».

همچنین امام سجاد علیه السلام در این باره می فرماید:

حُجُّوا وَاعْتَمِرُوا تَصِحَّ اَبْدانُکُمْ وَ تَتَّسِعَ اَرْزاقُکُمْ.(۱)

به حج و عمره بروید تا تن درست باشید و رزق شما توسعه یابد.

فضل بن شاذان از حضرت رضا علیه السلام چنین نقل کرده است: «منافع اقتصادی نیز از ناحیه آن [حج] بر همه عالم می رسد».(۲)

ب) سودرسانی به مسلمانان

با برگزاری مراسم حج، تاجران و فروشندگان کالاهای گوناگون نیز سود سرشاری به دست می آورند. همچنین کاسبان و فروشندگان دوره گرد که در اطراف حرم هستند، می توانند نیاز سالانه خود را در چند روز تأمین کنند. «مسلمانان می توانند بعد از مراسم، محصولات و کالاهای خود را در معرض فروش بگذارند و بازرگانی خود را رونق دهند و کالاهای تجاری خود را از شهری به شهر دیگر منتقل کنند.»(۳) امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید:

یکی از علل وجوب حج، منافعی است که از آن برای همه خلق می رسد و منافعی است برای کسانی که در شرق و غرب یا خشکی و دریا هستند؛ چه آنهایی که حج می گزارند یا آنان که حج نمی آورند، اعم از تاجر و وارد کننده کالا، فروشنده یا خریدار، کاسب یا مستمند و نیز تأمین کننده نیازهای ساکنان اطراف و امکنه ای است که می توانند در موسم اجتماع کنند تا بدین

۱- [۱] . وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵.

۲- [۲] . همان، ص ۱۵، ح ۱۵.

۳- [۳] . علل الشرایع، ج ۷، ص ۴۶، ح ۷.

وسیله شاهد منافع خود باشند.(۱)

گروهی دیگر که از این مراسم سود می برند، کسانی هستند که با این مراسم فاصله دارند و در انتظار بازگشت زائران هستند. آنان از زائران هدیه و سوغات می گیرند؛ زیرا سوغات حج، رسمی دینی است و اسلام به آن تأکید کرده است.

مسئله مهم و قابل توجه دیگر این است که فرد پیش از سفر حج می کوشد بدهی هایش را بپردازد و برای انجام این مراسم، پس اندازی داشته باشد. این جنبه اقتصادی حج، زمینه را برای شکوفایی اقتصاد کشور فراهم می آورد. مسئله قربانی نیز از جمله مناسک حج است که افزون بر جنبه های معنوی آنکه دوری از دل بستگی های دنیوی است، به مسائل اقتصادی نیز نظر دارد. دست گیری از فقیران و نیازمندان جزو کارهای پسندیده است که پروردگار به آن توجه ویژه ای دارد. «فَکُلُوا مِنْها وَ أَطْعِمُوا الْبائِسَ الْفَقیرَ؛ از گوشت قربانی بخورید و بینوایان فقیر را نیز اطعام کنید.» (حج: ۲۸) همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آلهدرباره فلسفه قربانی می فرماید:

اِنَّما جَعَلَ اللّه هذَا اَلْاَضْحی لِتَشْبَعَ مَساکِینُکمُ من الْلَحْمِ فَاطْعَمُوهُمْ.(۲)

خداوند قربانی را تشریع کرد تا تهی دستان و مستمندان شما از گوشت آنها بهره مند شوند. پس آنها را اطعام کنید و گوشت قربانی بخورانید.

ص:۲۸

۱- [۱] . ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، تحقیق: شیخ حسین اعلمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا، چ ۱، ج ۲، ص ۸۰.
۲- [۲] . علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۳۷.

در حقیقت، یکی از دلایل قربانی در این مراسم باشکوه، زدودن فقر و تهی دستی است. با قربانی کردن، نیاز نیازمندان برطرف می شود و فروشندگان قربانی نیز در این معامله به سود فراوانی دست می یابند.

ج) تقویت اقتصاد خارجی

همان گونه که انجام مراسم حج، سبب رونق اقتصادی می شود، ترک آن پی آمدهای بسیاری دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه الغدیر چنین فرمود:

مَعاشِرَ النّاسِ حُجُّوا الْبَیْتَ فَما وَرَدَهُ اَهْلُ بَیْتٍ اِلاَّ اسْتَغْنُوْا وَ لا تَخَلَّفُوا عَنْهُ اِلاّ افْتَقَرُوا.(۱)

ای مردم! برای حج ره سپار بیت شوید؛ زیرا هیچ خاندانی بر آن وارد نشده مگر آنکه بی نیاز گشتند و تخلف نکردند، مگر آنکه فقیر و تهی دست شدند.

رونق اقتصادی حج، بر سیاست داخلی و خارجی اثر می گذارد. دادوستدهای کشورهای مسلمان با یکدیگر سبب آشنایی اتباع کشورها با موقعیت اقتصادی یکدیگر می شود و می توانند اقتصاد کشورشان را توسعه دهند و روابط تجاری تازه ای را پدید آوردند. بدین گونه خودباوری اقتصادی شکل می گیرد و دست بیگانگان کوتاه می شود و مسلمانان به استقلال اقتصادی می رسند. استقلال اقتصادی، شرایط را برای رسیدن به استقلال سیاسی مهیا می کند و این گونه مسلمانان می توانند اسلام را در جهان گسترش دهند.

۱- [۱] . مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۳.

«فلسفه عمومی اقتصاد حج، مبارزه با فقر و تهی دستی و بی کاری و تقویت بنیه مسلمانان و قطع وابستگی و توسعه و رشد کشورهای اسلامی از رهگذر حج است. بنابراین، موسم حج نباید فرصتی باشد برای ثروت اندوزان و استثمارگران که از این موقعیت حساس بر حجم اندوخته های خود بیافزایند و شکاف طبقاتی فقر و غنا را افزون سازند یا کمپانی های خارجی و شرکت های چند ملیتی غیراسلامی، بازار اقتصاد حج را در قبضه بگیرند».(۱)

۱- [۱] . ابعاد سیاسی و اجتماعی حج، ص ۲۲۷.

فصل دوم:حج و تزکیه نفس

۱. هدف از آفرینش انسان (قرب الی الله)

هر مخترعی، برای هـدف ویژه ای دست به کاری می زنـد. هـدف او از این کار، رفع کاستی و تکامل است. در مقابل، هـدف خدای بزرگ چنین نیست. او بی نیاز مطلق است. در قرآن می خوانیم:

یا أَیُّهَا النّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَراءُ إِلَی اللّهِ وَ اللّهُ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمیدُ . (فاطر: ۱۵)

مهم ترین پرسشـی که در ذهن آدمی شـکل می گیرد، این است که چرا به دنیا آمـده است و به کجا بازخواهد گشت و هدف از زندگی چیست؟

از کجا آمده ام، آمدنم بهر چه بود؟

به کجا می روم، آخر ننمایی وطنم؟(۱)

۱- [۱] . مولوی.

آیا مقصود از آفرینش، بهره گیری از مادیات است که چند صباحی از آن بهره مند می شویم؟ اگر هدف، تنها ارضای نیازها و خواسته های مادی و نفسانی است، پس فرق انسان و حیوان چیست؟ بی گمان، چنین نیست. خداوند پاسخ این پرسش را این گونه می دهد:

وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلاّ لِيَعْبُدُونِ. (ذاریات: ۵۶)

هدف از آفرینش انسان و جن، عبادت خداوند است.

۲. اسباب دست یابی به هدف آفرینش

در میان همه پدیده های جهان آفرینش، انسان، بهترین آفریده است: «فَتَبارَكَ اللهُ أَحْسَنُ الْخالِقِينَ.» (مؤمنون: ۱۴) خداوند روح خود را در کالبد انسان دمیده است تا بتواند به مقام های عالی الهی برسد. بنابراین، برای رسیدن به این مقصود باید نیازهای واقعی و روحی انسان را شناخت. مهم ترین نیاز روحی انسان که او را سیراب می کند و به سر منزل مقصود می رساند، رسیدن به ذات اقدس احدیت است. انسان با سر فروآوردن و تسلیم محض بودن و به رضای او دل بستن، به خدا نزدیک می شود. انسانی که هر گام او برای خاطر خدا باشد، بی گمان، به مقام های عالی خواهد رسید.

انسان برای رسیدن به این مقام الهی باید بندگی را بیاموزد و خود را به اوج برساند. باید سر تسلیم فرود آورد و چشم روی هواها و هوس ها ببندد. نخستین راه برای رسیدن به بندگی، شناخت پروردگار است. آدمی در گام نخست باید خدا را بشناسد تا بتواند به مقام دوستی او برسد و تنها در این صورت می تواند خود را تسلیم معشوق کند و روحش را صیقل دهد و

بنده ای نمونه باشد.

۳. بعد عبادی انسان

میل به کمال و پرستش خدا و نیایش با خدا، از گرایش های فطری و طبیعی آدمی است. انسان برای اینکه بتواند به نیاز درونی و روحی اش که رسیدن به پروردگار است، پاسخ دهد، باید به قدرتی نامحدود تکیه کند؛ قدرتی که فراتر از قدرت بشر است. ازاین رو، در برابر پروردگار یکتا، سر تسلیم فرو می آورد و با اظهار ناتوانی، به ندای درونش پاسخ می دهد. ممکن است انسان در این مسیر به بی راهه برود، ولی می کوشد برای ارضای نیازهای درونی اش گام بردارد. ازاین رو، نیایش، عالی ترین نوع تکریم است.

چه زیبا و تماشایی است کرنش و تعظیم در برابر پروردگار و چه لذت بخش است لحظه ورود به آستانش، به دور از هیاهوهای نفسانی و چه دل نشین است اعتراف به جلال و جبروتش و چه نیکوست او را دیدن و دیگر هیچ ندیدن. همین سرسپردگی آفریده در برابر آفریدگار خویش است که او را از دیگر آفریده ها متمایز می کند. ازاین رو، شایسته نیست آدمی غافل باشد.

۴. حج، عبادتی فراتر از دیگر عبادت ها

از میان همه عبادت ها، حج از جایگاه ویژه ای برخوردار است. حج یکی از ارکان دین اسلام و باشکوه ترین جلوه حقیقی و نماد اسلام است. در

روایت آمده است: «اَلْحَجُّ، تَسْکِینُ القلوب؛ حج، سبب آرامش دل هاست.»(۱) همچنین در روایت دیگری آمده است: «لا تَتْرُکُوا حَجَّ بَیْتِ رَبِّکُمْ فَتُهْلِکوا؛ حج خانه خدا را ترک نکنید؛ زیرا هلاک می شوید.»(۲) حج در عین حال که عبادتی فردی است، باید به شکل گروهی برگزار شود. برخی عبادت ها را به صورت فردی و گروهی می توان انجام داد، ولی حج، عبادتی است که به شکل گروهی معنا پیدا می کند و جز این معنا ندارد. از امتیازهای حج نسبت به بقیه عبادت ها این است که مسلمانان روزهای ماه رمضان از خداوند می خواهند تا هر سال به مکه بروند: «اَللّهُمَّ ارْزُقْنی حَجَّ بَیْتِکَ الْحَرام فی عامی هَذا وَ فِی کُلِّ عامٍ...».(۳)

همان طور که روزه دار، مهمان خداوند است، وقتی حاجی وارد خانه خدا می شود، مهمان اوست و خداوند، او را ناامید نمی کند و سایه لطف و رحمتش را بر سر او می گستراند. حج تنها عبادتی است که در قرآن یک سوره به آن اختصاص داده شده است، در حالی که به عبادت های دیگر تنها در برخی آیه ها پرداخته شده است. از جمله امتیازهای دیگر حج این است که تنها در شهر مکه و در زمان مشخصی برگزار می شود. در دیگر عبادت ها، انسان هر جا که باشد، می تواند آن عبادت را انجام دهد.

حج، نشانه یک پارچگی و هم بستگی مسلمانان و نمایش قدرت است. در مراسم حج، همه مسلمانان به دور از اندیشه های قومی و قبیله ای، دور هم

۱- [۱] . محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ج ۷۵، ص ۱۸۳.

۲- [۲] . همان، ص ۱۳.

۳- [۳] . مفاتیح الجنان، دعای ماه مبارک رمضان در هر روز.

جمع می شوند و این نشانه قدرت است. حج، باشکوه ترین مانور سیاسی ــ تبلیغی اسلام است و این گونه دشمنان اسلام و قرآن می توانند از قدرت واقعی مسلمانان آگاه شوند. در حج، آدمی همه خواسته ها و زنجیرهای وابستگی را پاره و از خودپسندی کوچ می کند و رها می شود و طوق بندگی را بر گردن می نهد.

ص:۳۵

فصل سوم: جنبه تربیتی حج

اشاره

همه عبادت هایی که خداوند برای انسان برگزیده، برای رسیدن به کمال است. برای نمونه، نماز مایه آرامش، تطهیر روح و جان و دوری از گناه است. روزه، تمرین بردباری، پرهیزکاری، خودسازی و دوری از خواهش های دنیوی و زکات و خمس، گذشتن از مال و دل بستگی های دنیوی است. ازاین رو، حج نیز به عنوان یکی از بزرگ ترین عبادت ها، مانند دیگر عبادت ها، جنبه های گوناگونی دارد.

حج، میدانی برای خودسازی و بهترین راه توجه به خدا و نمایش عظمت و قدرت است و آثار و فایده های دیگر عبادت ها در آن نهفته است. البته حج را زمانی می توان عبادتی جامع و کامل به شمار آورد که انسان بتواند خود را به مرحله خودسازی و خودشناسی برساند و روحش را در ورای ظاهر اعمال و مناسک خشک بپروراند. باطن این عبادت، به پیوند قلبی، مراقبت از نفس، بندگی محض و زدودن غبار نظر دارد. حج، بزرگ ترین و پرسودترین بازار

بنـدگی و پرهیزکاری است که چشم انسان را به روی راز و رمز آخرت می گشایـد. انسان را از خودبینی دور می سازد و روح انسان را می پروراند. حج، عبادتی اجتماعی است، ولی باید نخست به عبادت فردی آن توجه کرد؛ زیرا با اصـلاح خود، جامعه اصـلاح خواهـد شـد و اگر تک تک افراد اصـلاح شونـد، جامعه رشـد خواهـد کرد. حج سـبب تقویت روح دینی و باورهای اعتقادی و مذهبی و استحکام پایه های عبادی می شود.

«حج، کلاس تعلیم و تربیت است و زمینه ای برای تحصیل علم و حسن معاشرت و تحکیم مبانی اخلاق اسلامی در عمل است. حـج، درس جهـاد و فـداکاری با مال و جان و دوری از خودخواهی ها و جـدایی از خواسـته ها و جاذبه های زنـدگی عادی و روی آوردن به عالم معنا و حرکت به سوی خداست».(۱)

۱. تربیت پذیری انسان ها

اشاره

تربیت یکی از مهم ترین و زیربنـایی ترین مسـائلی است که آدمی بـا آن روبه روست. همه مسائـل اخلاـقی و اجتمـاعی بـا این مسـئله مهم پیونـد دارد. البته اگر تربیت درست باشـد، انسان به اوج کمال و معنویت می رسـد، ولی اگر نادرست باشـد، سـبب سقوط و تباهی می شود. ـامام خمینی ـرحمه الله در این باره گفته است:

باید توجه داشت که تربیت کامل و مفید در پرتو ایمان به خدا و تعالیم انبیا صورت می گیرد.(۲)

ص:۳۷

۱- [۱] . علی حبیب اللهی، اعمال و آداب مکه مکرمه، نشر مشعر، ۱۳۸۳، ص ۱۲.

۲- [۲] . صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۷۰.

به طور کلی، می توان گفت «تربیت؛ یعنی رشـد اسـتعداد و قوه و مواهب الهی انسان، تهـذیب وجدان، ایجاد عادت خوب و به ثمر رساندن عواطف لطیف و سرانجام به معنی نایل ساختن انسان به کمالات، در جنبه های مادی و معنوی است».(۱)

الف) راه های تربیت نفس

انسان، پیچیده ترین آفریده خدا است که شایسـتگی مقام جانشـینی او را دارد و این شایستگی جز در سایه تربیت میسر نیست و محور اصـلی در این تربیت، تربیت نفس است. فطرت خـداجو، از جمله عطیه هـای پروردگـار به انسـان است که در وجود وی نهـاده شـده است، ولی بر اثر هجوم اهریمن و چیرگی نفس اماره، آدمی به بی راهه می رود و انسان آلوده می شود. با مراقبت از نفس می توان با اهریمن جنگید. مراقبت نفس از راه های گوناگونی صورت می گیرد که آنها را برمی شماریم:

۱. تقویت روح دینی و باورهای مذهبی؛

۲. شناخت باورهای درونی و دور نگه داشتن نفس از رذایل اخلاقی؛

۳. فراگیری دانش و کسب آگاهی.

کسـی که دنبـال علم و آگـاهی دینی می رود، پی آمـدهای گناه را می شـناسد و راحت و زودتر از گناه دوری می کنـد. مهم ترین راه رسیدن به خدا، تزکیه

۱- [۱] . سید محمدباقر حجتی، اسلام و تعلیم و تربیت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸، چ ۸، ص ۱۸.

نفس است. «تزکیه، نردبان مـدارج عالی و کمالات انسانی است.»(۱) برای پیمودن این مرحله ها و رسـیدن به بالاترین جایگاه باید مراقب نفس بود و راه گناه و عصـیان گری را بست و از آن مراقبت کرد؛ زیرا برای رسـیدن به رستگاری باید راه تزکیه را پیمود. خداوند در این باره می فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَکّاها؛ رستگار شد هر کس که نفس خود را پاک گردانید.» (شمس: ۹)

ب) اثرپذیری روح انسان از عبادت

همـان گونه که اشـاره شـد، راه هـای گونـاگونی برای رسـیدن به کمـال حقیقی وجود دارد که عبادت یکی از این راه هاست. عبادت، گفت وگوی عاشقانه و خالصانه با خداوند است. _استاد مرتضی مطهری _در این باره بر این باور است:

عبادت برای رسانـدن انسان به معنویات، رنگ خدایی گرفتن کارها، گسسـته شدن از تعلقات مادی است. پس می توان گفت عبـادت نوعی رابطه خاضـعانه، سـتایش گرایـانه و سـپاس گزارانه است که انسان با خـدای خود از روی معرفت و احساس و با اراده و اخلاص برقرار می کند.(۲)

بر اسـاس این فلسـفه، همه عبـادت هـا، ذکر خـدا و برای پی بردن به فلسـفه آفرینش است. بـا پیونـدی که میان مخلوق و خالق است، می توان غبار جان ودل را زدود و به تمرین بندگی و خودسازی پرداخت و در سایه پرستش او،

۱- [۱] . محمدحسـین رحیمیان، محمد تقی رهبر، آیین تزکیه، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بوستان کتاب، ۱۳۸۰، چ ۱، ص ۸۶.

۲- [۲] . مرتضی مطهری، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴، چ ۴، ج ۲، ص ۹۴.

با سبک بالی به سوی حق پرواز کرد.

رمز کمال معنوی انسان در گرو عبادت و تزکیه نفس است و صفات اخلاقی و انسانی خدا در عبادت ها ظهور می کند. «عبادت، مکتب عالی تربیت است. اندیشه انسان را بیدار و فکر او را متوجه بی نهایت می سازد. گرد و غبار غفلت را از دل و جان می شوید و صفات عالی را در وجود او پرورش می دهد و روح ایمان را تقویت [می کند] و آگاهی و مسئولیت را به انسان می بخشد».(۱)

نیایش افزون بر اینکه بر اخلاق و روحیات فرد اثر می گذارد، در اصلاح انسان و توجه به ارزش های اسلامی نیز اثرگذار است. ازاین رو، اگر فرد دگرگون شود، بی گمان، اجتماع نیز دگرگون خواهد شد. با اصلاح تک تک افراد، ارزش های اجتماعی آشکار می شود. توجه به عبادت سبب می شود افراد جامعه به اصول اخلاقی پای بند و مسئولیت پذیر باشند.

ج) حج، نمایشی جامع از سیر روحی انسان

به طور کلی، حقیقت همه عبادت ها، پرواز روح به سوی خداوند است. منظور از عبادت، تنها صورت ظاهری آن نیست، بلکه روح عبادت است. در مناسک و اعمال حج نیز این روح اعمال است که انسان را می پروراند. حج، حرکت روح به سوی بندگی مطلق است. در هر یک از اعمال حج، راز و رمزی نهفته است. در حج، آن گاه که خود را در برابر خدا می بینیم و پروانه وار بر گرد حریمش می چرخیم، گویا او را یافته و خدا را در آغوش

۱- [۱] . عباس عزیزی، سلامت روح و نماز و عبادت در تفسیر نمونه، انتشارات نبوغ، ۱۳۷۶، چ ۲، ص ۵۹.

گرفته ایم. ازاین رو، عاشقانه نجوا می کنیم و هیچ پرده ای را میان خود و خدا نمی بینیم و می کوشیم بندگی مان را ثابت کنیم. با سر دادن «لبیک اللهم لبیک» به ندای درونی خود پاسخ می دهیم و فرصت را غنیمت می شماریم و به غنای روح می پردازیم تا با جنبه های عرفانی و معنوی حج آشنا شویم.

در این فرصت استثنایی، با گوشه ای از دنیای اسلام آشنا می شویم و مکان های مقدس تاریخی را می بینیم و با خاطرات مسلمانان صدر اسلام آشنا می شویم. خود را نیز در سرزمین وحی، همراه پیامبر و امامان و یارانشان می بینیم و پیمان خویش را با خدای خود و امامان معصوم محکم می کنیم و خویشتن را برای زندگی پاک و بی آلایش آماده می سازیم. برنامه حج، نمایش کامل و آزمایش است. به همین دلیل، به مناسک حج، به عنوان بهترین وسیله برای تهذیب و تزکیه نفس و ریاضت شرعی برای تحصیل کمالات و آلایش رذایل نگریسته اند».(۱)

حج، بزرگ ترین پناه گاه معنوی برای انسان بی پناه است. انسان با زمزمه های عارفانه که از عمق جان و روح سر می دهد، با معبودش عاشقانه راز و نیاز می کند. پس از هر چه غیر او دل می شوید و دروازه دلش را بر بیگانه می بندد و به یاری توکل و ریاضت، برای فراگیری کمالات می کوشد.

۲. مراحل سازندگی انسان قبل از حج

اشاره

حج، سفری معنوی است که با دیگر سفرها فرق دارد؛ سفر از یک منطقه به منطقه ای دیگر نیست، بلکه سفر از یک دنیا به دنیای دیگر است. سفر از

ص:۴۱

۱- [۱] . اکبر ترابی شهرفنایی، قطره ای از زمزم معرفت، قم، مؤسسه انتشارات دارالعلم، ۱۳۷۱، چ ۱، ص ۱۴.

پلیدی و زشتی به سوی پاکی و روشنی، سفر از عالم سفلا به عالم علیا، سفر از تنگناهای مادی و خودپرستی به سوی معنویات و خداپرستی.

دل دادگان کوی الله برای ورود به حریم کبریایی اش باید نخست خود را آماده کنند و زنگار دل را بشویند و خود را برای پذیرش نور آماده سازند و روح و جان خود را با فضیلت های اخلاقی آراسته سازند و آلودگی ها را از خود بزدایند. باید از خواسته ها و دل بستگی های مادی و دنیوی دوری جویند و توشه ای برای جهان آخرت فراهم آورند.

همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس

که دراز است ره مقصد و من نو سفرم(۱)

برای آمادگی هرچه بیشتر در این سفر، باید مراحلی را پیمود که عبارتند از:

الف) تطهیر

اشاره

تطهیر؛ یعنی شست وشوی روح و روان، و جان و مال که در سه مرحله انجام می شود:

یک _ تطهیر جان

باید از آلودگی های اخلاقی چون حسد، نفاق، کینه، دروغ، تهمت و مانند آن دوری جست و روح را صیقل داد. باید کدورت ها را نادیده گرفت و از بخل و حسد و نفاق بیزار بود و با کوله باری سبک به سوی خدا پرواز کرد و با مالی پاک به سوی محبوب شتافت.

۱- [۱] . حافظ.

بنـابراین، در این سـفر معنوی و ضـیافت الهی، بایـد صـفات نیـک را در دل پرورش داد و با صـفات ناپسـند مبارزه کرد. تا نور معرفت الهی در حان انسان بتابـد و ریشه های صـفات زشت اخلاقی و ناپسـند را سوزانـد و به جای آن، درخت فضـیلت را در اعماق وجود خود کاشت تا نور معرفت الهی در جان انسان بتابد؛ زیرا قلبی که در آن، کینه و کدورت لانه کند، در حرم الهی جایی ندارد.

دو _ تطهیر مال

افزون بر تطهیر روح و روان بایـد به تزکیه مـال نیز پرداخت؛ زیرا روح و روان انسـان زمـانی پـاک می شود که مال او نیز پاک باشـد. بی گمان، کسـی که مال او آمیخته به حرام باشد، هیچ گاه روحش پاک نمی شود. پیامبر اسـلام درباره مال حلال، در سفر حج فرمود:

کسی که با مال حرام به حج رود، موقع لبیک گفتن به او جواب رد داده می شود.(۱)

اگر از راه نامشـروع و درآمد حرام، انسان به حج برود، آن حج باطل است. «فقهای بزرگوار فتوا داده اند که اگر کسـی خمس نداده و لباس طواف تهیه کند و یا قیمت آن را با عین پول خمس نداده بپردازد، طواف و نماز در آن لباس باطل است».(۲)

پس انسان باید پیش از مراسم حج، حق خدا یا حق مردم را بپردازد.

۱- [۱] . وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۶۵ .

۲- [۲] . ابوالحسن حسین ادیانی، حج مقبول، نشر مشعر، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، ۱۳۷۶، چ ۱، ص ۶۵ .

پیامبر اسلام در این باره فرموده است:

اگر کسی مالی غیرحلال به دست آورد، سپس حج بگذارد و لبیک گوید، ندا می رسد: لا لبیک و لا سعدیک.(۱)

سه _ تطهیر گناهان

مهم ترین مرحله تطهیر، توبه کردن است؛ زیرا پیش از وارد شدن به حریمش باید توبه و برای رسیدن به پیشگاه الهی، گناهان پیشین را ترک کند. همچنین باید از نافرمانی و سرکشی دست بکشد و به خانه تکانی دل بپردازد. _امام صادق _علیه السلام می فرماید:

هنگامی که قصد حج کردی، با آب توبه خالص گناهانت را بشوی و لباس راستی و پاکی و خضوع و خشوع بر تن کن.(۲)

انسان باید روح و جانش را با آب توبه و آمرزش مصفا سازد و خطاهای گذشته اش را به یاد آورد تا برای پرواز به سوی خدا آماده شود. انسان همواره باید هواهای نفسانی و خواسته های شیطانی اش را سرکوب کند و اگر به وظیفه اش عمل نکرده است، هر چه زودتر آن را انجام دهد و از خداوند مهربان و بخشاینده، آمرزش بخواهد.

انسان باید خواسته های نفسانی رها شده را به بند بکشد و چشم و گوش و دست و زبان و دیگر اعضای خود را با آب توبه بشوید و دگرگون شود و علیه شیطان قیام کند. ازاین رو، باید از گناه دوری کند و شیرینی توبه را

۱- [۱] . ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ۱۳۶۹، محمدعلی علمی، چ ۲۲، ص ۳۸، ح ۱۹۸.
۲- [۲] . عبدالرزاق گیلانی، مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۳، باب ۲۲،ص ۱۴۵.

بچشد.

ب) اصلاح نیت و انقطاع از غیر

ای دل، اگر عزم دیار یار داری

قصد حج از و کعبه دیدار داری

شوق شهود حضرت دلدار داری

اول ز دل، نقش سوی الله، پاک گردان(۱)

یکی از شرط های اصلی و اساسی در پذیرش عبادت، اخلاص است. انسان باید تنها برای رضای حق و به دور از ریا و خودنمایی و شنیدن ستایش و سرزنش کردن مردم، عبادت کند. در غیر این صورت، خدا هیچ کدام از عبادت های وی را نمی پذیرد.

حج، زمانی حقیقی است که انسان تنها برای رضایت و خشنودی صاحب خانه و انجام درست وظیفه شرعی بکوشد و با وسوسه های شیطانی و غیرالهی مبارزه کند. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

دو گونه حج وجود دارد: حجی برای خدا و حجی برای مردم. آن کس که برای خدا حج گزارد، خداوند به وی بهشت پاداش دهد و آن که برای مردم حج گزارد، پاداش آن را در روز قیامت از مردم می گیرد.(۲)

اگر فرمان پذیری و انجام واجبات خالصانه باشد، همچون مرکبی است که ما را به سوی مقصد می رساند.

ص:۴۵

۱- [۱] . مهدی الهی قمشه ای، دیوان اشعار.

۲- [۲] . وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۷۶.

هاتف غیبم رسید مژده به گوش

چون قرب درطلبی، در صفای نیت کوش

بنـابراین، در همه عبادت ها به ویژه حـج بایـد از هر گونه دل مشـغولی که ما را از معبود دور می سازد یا ما را به فکر گناه می اندازد، بپرهیزیم.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

اِذا اَرَدْتَ الْحَجَّ فَجَرِّد قَلْبَكِ لِلّهِ تَعالی مِنْ كُلِّ شاغِلٍ.(۱)

چون اراده حج کردی، دل را از هر چه از خدایت باز دارد، خالی دار.

ج) تقوا

بهترین توشه ای که هر انسـانی برای رفتن به حـج نیـاز دارد، پرهیزکـاری است. پرهیزکاری به معنای دوری از گناه و سرکشـی اسـت؛ پرهیزکـاری، افزون بر آن که آدمی را از خطـا و گنـاه دور نگه می دارد و جلـو هـوا و هـوس هـا را می گیرد، از دین و ایمـان آدمی نیز نگه داری می کنـد. «تقوا، شـعار تمـام انبیا و هـدف همه پیامبران و رسالت همگی آنان است.»(۲) همه انبیا و اولیای الهی، برای رساندن انسان به تقوای الهی قیام کردند و هدف مشترک همه آنان، رسیـدن به کمال بود. پس در این سـفر مقـدس، باید پرهیزکار بود و از دل و جان مراقبت کرد تا از آثار معنوی آن بهره مند شویم. در مسـیر این سـفر ملکوتی باید از تقوا چون سپر در برابر معاصـی و عصـیان سود جست تـا از انـدیشه هـا و وسوسه های شـیطانی به دور بمانیم و فلسـفه اعمال و مناسک حج

۱- [۱] . مصباح الشریعه، باب ۲۲، ص ۱۴۲.

۲- [۲] . محمد علوی مقدم، مقاله: «حج در کتاب خدا ۳» میقات، ش ۱۸، ص ۱۴.

را درک کنیم.

د) یادگیری مناسک حج

شناخت احکام و انجام فرایض، بر هر مسلمان مکلّفی واجب است. یادگیری احکام و مسائل مربوط به مناسک حج نیز از وظایف مهم هر زائری است؛ زیرا برای انجام اعمال حج باید آنها را به طور کامل و درست انجام دهد. شرط درستی حج، انجام درست اعمال حج است. در غیر این صورت، تلاش زائر بیهوده خواهد بود.

بنابراین، هر زائر پیش از سفر باید در مراسم آموزش احکام شرکت کند و مسائل مربوط به حج را یاد بگیرد. در روایت آمده است: «تَعَلَّمُوا مناسِکَکُم فَاِنَّها مِنْ دینِکُم؛ اعمال مخصوص حج و عمره را یاد بگیرید؛ زیرا از امور دین است».(۱)

مسائل و احکام مناسک حج گسترده است، به گونه ای که همه را به طور کامل نمی توان فراگرفت، ولی باید در حد ضرورت آموخت.

زراره از امام صادق علیه السلام پرسید: چهل سال است مسائل حج را از شما می پرسم و هنوز هم تمام نشده است. حضرت فرمود: «خانه ای که پیامبران فراوانی دور آن طواف کرده اند و در قرن های متمادی، معبد و قبله و مطاف بوده است، احکامش به زودی تمام نمی شود(۲).

همچنین امام خمینی رحمه الله بر این باور است:

یکی دیگر از وظایف مهم، قضیه آشنا کردن مردم است به مسائل حج. آدم

ص:۴۷

۱- [۱] . جلال محبی، مناسک حج، تنظیم روش ابتکاری، ۱۳۸۱، چ ۲، ص ۲۳، به نقل از: کنزالعمال، ج۵، ص ۲۳، ح ۱۱۸۸۲.
۲- [۲] . من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۰۶.

بسیار می بیند که حج می روند زحمت می کشند، ولیکن مسئله حج را نمی دانند.(۱)

بنابراین، هر حاجی که می خواهد از معنویات حج بهره گیرد، باید احکام و مسائل آن را بداند و بکوشد آداب آن را به خوبی فراگیرد. نباید از یاد برد معنویتی که در حج نهفته است، بدون انجام دقیق و اعمال مناسک به دست نمی آید.

ه) خدامحوری و ولایت مداری (تمام الحج ملاقاه الامام)

اشاره

ولایت از اصول اساسی و زیربنایی اسلام است و وسیله ای برای تقویت دنیای اسلام و سدّی در برابر دشمنان دین است. برای تقویت روح معنوی در این سفر ملکوتی و معنابخشی به مناسک و اعمال، باید ایمان به امامت و ولایت در وجود ما شکل گیرد. حج و ولایت، پیوندی ناگسستنی با یکدیگر دارند و اعمال و مناسک حج با وجود ایمان به ولایت معنا می یابد: «بدون رهبر، نه برای حرم، حرمتی است، نه در عرفات، معرفتی و نه در مشعر، شعوری؛ نه در منا، فداکاری؛ نه در صفا، رمز صفایی؛ نه در رمی جمرات، نابودی شیطانی و بالاخره نه در حج، ظهور بینایی و نه در اعمال، شعائری».(۲)

یک _ شناخت ولی الله

تفاوتی که میان حج دوران جاهلیت و حج پس از ظهور اسلام وجود دارد، به دلیل مسئله ولایت و امامت است. رسیدن به حقیقت و معرفت

۱- [۱] . رضا کریمی واقف، مقاله: «حج در نهج البلاغه»، میقات حج، ش ۳۷، ص ۲۸.
۲- [۲] . محمد تقی رهبری، مقاله «حج و ولایت»، میقات حج، ش ۲۰، ص ۲۹.

واقعی، تنها با شناخت اولیای الهی و امامان به حق میسر می شود و تنها آنان هستند که می توانند سالکان و رهروان خود را از ظلمات جهل و گمراهی و هوای نفسانی نجات دهند تا به سر منزل مقصود برسانند.

وظیفه هر مسلمانی این است که ولیّ امر زمان خود را بشناسد؛ زیرا رسول گرامی اسلام فرموده است:

مَن ماتَ وَلَم یَعرِفْ اِمامَ زَمانِهِ ماتَ مِیتَهَ الْجاهِلیّه.(۱)

هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، مرگ او مرگ جاهلیت است.

ازاین رو، کسی که امام زمان خود را نشناسد یا به ولایت او ایمان نیاورد، مرگ و زندگی او با زندگی و مرگ در جاهلیت فرقی ندارد.

ازاین رو، راز قبولی عبادتی چون حج، رهبری و ولایت پذیری است؛ زیرا حیات و دوام جامعه اسلامی در پذیرش امامت و ولایت است. امام، بهترین و مطمئن ترین پایگاه و تکیه گاهی است که مسلمانان می توانند مسائل و امور جامعه خود را با او در میان بگذارند. او افزون بر اینکه از جنبه های معنوی و مذهبی جامعه آگاه است، می تواند جامعه را راهنمایی کند.

درباره اهمیت و ارزش پذیرش ولایت و امامت، پیامبر اسلام به مولای متقیان علی علیه السلاممی فرماید:

یا علی! قسم به کسی که مرا به نبوت برانگیخته و از میان خلایق برگزیده است، اگر بنده ای هزار سال خدا را عبادت کند، عبادت او مقبول درگاه حق نمی شود، مگر به ولایت تو و ولایت فرزندان تو و حقیقت آنکه، ولایت تو پذیرفته نمی شود، مگر به برائت از دشمنان تو و دشمنان امامان از نسل تو. این

۱- [۱] . وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۶.

مطلبی است که جبریل به من خبر داده است. پس هر که می خواهـد، بپـذیرد و مؤمن شود و هر که می خواهـد، انکار کنـد و کافر شود.(۱)

امام حسین علیه السلام نیز فرموده است:

اگر کسـی به انـدازه نوح علیه السـلام عمر کنـد و به عبادت خـدا بپردازد و روزها روزه دار و شب ها شب زنده دار باشد، ولی خدا را بدون ولایت ما دیدار کند، هیچ بهره ای از آن همه عبادت نخواهد داشت.(۲)

پس نه تنها «تمام الحج لقاء الامام است، بلکه تمام اسـلام لقاء الامام است.»(۳) «حرمت کعبه به احترام امامت است. جان کعبه، ولایت و روح کعبه، امامت است.»(۴) «نتیجه آنکه عبادت بدون معرفت امام، قالبی است بی روح و با عرفان فرسنگ ها فاصله دارد و عارف کسی است که فانی در ولایت الهیه باشد».(۵)

یک طواف سر کوی ولیّ حق کردن

به ز صد حج قبول است، به دیوان بردن

ایستادن نفسی نزد مسیحا نفسی

۱- [۱] . بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۱۹۹.

۲- [۲] . محمـد بن علی بن بابویه قمی صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران، نشـر صدوق، بی تا، ص ۲۴۳.

۳- [۳] . من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۳۴.

۴- [۴] . عبداللّه جوادی آملی، عرفان حج، ویراستار: علی ورسه ای، نشر مشعر، ۱۳۸۳، ص ۱۰۸.

۵- [۵] . محمدتقی رهبر، مقاله «امام خمینی و عرفان حج و عرفان گریز و عرفان ستیز»، میقات حج، ش ۳۰، ص ۱۸.

به ز صد سال نماز است به پایان بردن(۱)

وجود پربرکت امام در همه لحظات زندگی انسان ها جاری است و لطف و کرمشان شامل هر ذی نفعی می شود و از سایه مهربانی آنان هیچ کسی بی نصیب نمی ماند. حضور امام و ولی و زحمت آنان، لازمه بقای زندگی اجتماعی و فردی است و همه می توانند از فیض وجودشان بهره مند شوند. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

خدا ما را آفرید و خُلق ما را نیکو ساخت و... ما را چشم خویش در بندگان نهاد و زبان گویای خویش در آفریدگان و دست باز خویش در بندگان. به وسیله ما درخت میوه داد و رودها جریان یافت. باران نازل شد و گیاه زمین رویید و با عبادت ها خدا پرستیده شد. اگر ما نبودیم، او پرستیده نمی شد.(۲)

پیامبر اسلام در این باره به علی علیه السلام چنین می فرماید:

امامان از فرزندان تو هستند. به وسیله آنان باران رحمت و مهر به امتم برسند و به وسیله آنان دعایشان مستجاب می شود و به وسیله آنان بلا از آنان دور و به وسیله آنان رحمت و مهر از آسمان نازل می شود.(۳)

امام مانند خورشید پشت ابر است که دیده نمی شود، ولی فیض و برکت خود را نثار همه می کند و همه از وجود این نعمت الهی کم و بیش بهره مند می شوند. امام و ولیّ حق در هر زمان و هر مکانی که باشد، سبب تداوم و حیات جامعه اسلامی می شود و آموزه های اسلامی و آسمانی را زنده نگه می دارد. با وجود آنان، جامعه اسلامی رشد می کند و به شکوفایی می رسد و

ص:۵۱

۱- [۱] . فیض کاشانی.

۲- [۲] . محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، بیروت، لبنان، دارالاضواء، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۴.

۳- [۳] . بحارالانوار، ج ۳۶، ح ۱۴، ص ۲۳۲.

کشتی انسانیت به ساحل نجات می رسد.

دو ـ استشمام بوی امام مهدی(عج) از سرزمین وحی

هر ساله میلیون ها مسلمان از سراسر دنیا، در مراسم باشکوه حج گرد هم می آیند. حضرت ولی عصر(عج) نیز در این اجتماع بزرگ حضور دارد و ناظر رفتار و عملکرد مسلمانان است. البته حجاج با چشم سر نمی توانند آن حضرت را ببینند.

ـعبید بن زوارهـ می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «یَفْقُدُ الناسُ اِمامَهُم فَیَشهِدُ المَوْسِمَ فَیرَاهُمْ وَ لَا یَرونَهُ؛ مردم امام خود را نمی بینند. آن حضرت در هنگام حج حاضر می شود و مردم او را نمی بینند و او مردم را می بیند».(۱)

ازـ محمدبن عثمان عمری ـنقل شده است:

به خدا سوگند، صاحب امر هر سال و در این سال در موسم شرکت کرده است و مردم را می بیند و آنان را می شناسد، ولی مردم آن حضرت را می بینند و نمی شناسند.(۲)

ـعبداللّه بن جعفر حمیری ـمی گوید:

از محمدبن عثمان عمری پرسیدم: آیا صاحب الامر را دیده ای؟ او گفت: بله آخرین بار در کنار خانه خدا آن حضرت را زیارت کردم و او فرمود: اَللّهُمَّ اَنْجِزْلِی مَا وَعَدْتَنِی.(۳)

باید بکوشیم چشم دل را بگشاییم و غبار گناه و آلودگی را بزداییم تا

۱- [۱] . وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۹۶.

۲- [۲] . من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۰.

۳- [۳] . همان.

بتوانیم حضورش را درک کنیم و به محضرش راه یابیم و ظهورش را از خودش بخواهیم؛ زیرا دعا و زمزمه خود او نیز در طواف خانه عشق همین است. ازاین رو، در طواف، منا، سعی و صفا و همه اعمال و مناسک دعا می کند زمان ظهورش هر چه زودتر فرا برسد.

فصل چهارم:انسان و اعمال حج

اشاره

درک فلسفه و اسرار مناسک حج، در پاک سازی درونی و روحی و تقویت ایمان راهیان قبله عشق نقش مهمی دارد و سبب رشد و بالندگی و صفای درونی و نورانیت دل عاشقان کویش خواهد شد. هدف از انجام مناسک و اعمال حج، تنها انجام اعمال بی روح و خشک نیست که به ظاهر، سروکار

انسان با سنگ و صحرا و صخره و ریگی است که نه سودی دارد و نه زیان.(۱)

در ورای این اعمال و مناسک ظاهری، هدفی بزرگ و مهم نهفته است که دگرگونی روحی و آزمایش بزرگ بندگان خداست. در هر کدام از این اعمال، رمزی عمیق برای تعالی و تکامل بشری نهفته است. «حج تنها مناسک نیست، بلکه سیر و سلوک باطنی و قلبی منازل روحانی است تا منزل قرب و هر یک از منازل و مشاهد رازهای عرفانی معنوی اخلاقی تربیتی و ارشادی دارد و همین هاست که به حج معنا و مفهوم می بخشد و دگرگونی اخلاقی و معنوی را در زائر پدید می آورد».(۲)

در حج، پرده ها و زنگارهای دل کنار می رود و دل، نورانی و آماده می شود تا با خدا دیدار کند و به محبوب ازلی و ابدی دست یابد. هدف اصلی در این سفر مقدس، سیر الی الله، تهذیب نفس، طهارت روحی و پاک شدن از گناه و آلودگی های گذشته و حال است و مهم ترین فلسفه و اسرار و حکمت حج، در یک کلام، حَوِّل حالَنا اِلی اَحسَنِ الحال است.

در واقع، حج، فرصتی برای زندگی دوباره و شنا کردن در دریای معنویت و روحانیت است تا همراه با جزر و مدش، روح و جان را جلا دهیم و برای رسیدن به کویش همچون پروانه شیدا گردیم و در آتش اشتیاقش خاکستر شویم.

اعمال و مناسک حج، تحول ایجاد می کند و انسان را از پلیدی ها می رهاند

ص:۵۴

۱- [۱] . نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۲- [۲] . همان.

و با طهارت و قداست آشنا می سازد. انسان باید به غنای روحی برسد و از مادیات دوری جوید و به تصفیه روح و روان بپردازد و برای آراستن نفس بکوشد تا به مقام قرب الهی و کمال انسانیت دست یابد. می توان گفت «خدا هر چه را که خواسته به آدمی بگوید، در حج ریخته است. حج تمام اسلام است».(۱)

اگر فلسفه و اسرار اعمال این مناسک را به خوبی درک کنیم، حج برای همه یک دوره کامل پالایش روح و سازندگی معنوی به شمار می آید. در این سفر مقدس، هر کس که معرفتش بیشتر باشد، سود او بیشتر خواهد بود. پس بر منادیان حرم الهی است که با مطالعه و تأمل درباره فلسفه اعمال و مناسک حج، با جنبه های گوناگون این عبادت آشنا شوند و در خود تحول روحی و اخلاقی ایجاد کنند. شاید نتوان با همه اسرار و فلسفه حج آشنا شد، ولی به اندازه توان خود باید کوشید.

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید(۲)

۱. میقات، مقدمه ورود به حرم کبریایی

واژه میقات به معنای وقت است،(۳) وقت دوری از خودپسندی و بندگی.

۱- [۱] . علی شریعتی، تحلیلی از مناسک حج مجموعه آثار شماره ۶، تهران، انتشارات الهام، ۱۳۷۶، چ ۶، ص ۱۹.

۲- [۲] . مولوی.

۳- [۳] . لغت نامه دهخدا، ج ۱۳، ص ۱۹۴۳۳.

وقت حرکت، حرکت به سوی انسانیت و کرامت، حرکت از ابتدا تا انتهای بندگی. پس وقت سکون و توقف نیست؛ زیرا یک لحظه سکون و توقف سبب محرومیت از نعمت های الهی می شود. ازاین رو، باید وقت را غنیمت شمرد و شتاب کرد.

وقت دل دادن و دل کندن است. دل کندن از رنگ ها و خواسته های دنیوی و مادی است. وقت دل دادن به اوست. باید دل را به او سپرد و با او یکی شد. تا به او دل ندهی، تا با او یکی نشوی، نمی توانی با او باشی. وقت بیرون آمدن از مرداب گناه و بندگی نفس است. میقات، توقف گاه است؛ توقف گاه حرص و آز، کینه و کدورت، توقف گاه شیاطین نفس، ابلیس های کوچک و بزرگ. میقات، مکانی است که زنجیرهای وابستگی ها پاره می شود و مظاهر دنیوی رنگ می بازند و انسان در اقیانوس بی کران بندگی سیر می کند. میقات، محل دفن منیت ها و زشتی ها و ناپاکی ها و ایستگاه گناه و آلودگی است. میقات، مرز میان دیروز و فرداست، مرز بودن و شدن، آنچه بودی و آنچه می خواهی شوی. پس باید حرکت کرد و وقت را مغتنم شمرد. پس باید بندهای اهریمن را از هم گسست و به آرزوها و تمناهای شیطان پشت کرد. باید به فردای واقعی خود رسید. باید پوست انداخت و از نو متولد شد.

میقات، فصل تولد و رویش دوباره بر اساس پیمانی جدید است. باید همانند نوزادی پاک، با جامه ای نو و پاکیزه، بدون هیچ پلیدی، چشم به روی

ص:۵۶

دنیایی نو گشود. میقات، راه میان بُری برای رسیدن به خدا و نقطه پایان سرگردانی است. میقات، سرزمین عهد و پیمان با معبود است. باید اولین مرحله را آغاز کرد. میقات، محل هجرت است؛ هجرت از گناه و زشتی. باید هاجر شد؛ یعنی از سرزمین دل بستگی ها و وابستگی ها هجرت کرد.

«میقات، ورود به محشر خلق و شروع قیامت صغراست. آغاز زیارت خانه خداست. محل استجابت دعاست. محل پذیرش توبه و بازگشت به خداست. محل هجرت از گناه و آنچه در دنیاست. محل قیام بهاری و زندگی نو برای خداست. محل آموزش و تعلیم مکتب ابراهیمی است. محل قرنطینه الهی و تزریق واکس ضد طاغوتی است. محل دگرگونی بزرگ و تغییر و تحول انقلابی است. محل ورود از خود به خدا [و] از اسارت به آزادی است. محل ورود از پلیدی به پاکی و جهالت به آگاهی است».(۱)

میقات، جای پای صالحان و سالکان و پاکان و میعادگاه پیامبران است. جای پای بهترین و برگزیده ترین بندگان خداست. در میقات می توان گام های ـآدم ـعلیه السلام، ـابراهیم ـعلیه السلام، ـاسماعیل ـعلیه السلام، ـهاجر ـعلیهاالسلامو ـمحمد ـصلی الله علیه و آلهرا دید. میقات، یادآور خشوع و خضوع و تسلیم و بندگی است. سرزمین پیروی و پرهیزکاری و آزمون است. باید برای ورود به این سرزمین پاک، همه چیز را رها کرد و دل به خدا بست. خداوند می فرماید:

فَاخْلَعْ نَعْلَیْکَ إِنَّکَ بِالْوادِ الْمُقَدَّسِ طُویً. (طه: ۱۲)

۱- [۱] . یوسف رضایی، حج، صص ۱۰۱ و ۱۰۲.

پای پوش خویش بیرون آور که تو در سرزمین مقدس «طوی» هستی.

در پایان باید خسی در میقات گردی. «میقات، جای خوبی برای آشتی با خدا و روی آوردن به درگاه لطیف و رحمت حضرت اوست. مُحرم شدن در میقات؛ یعنی ورود به میهمانی خدا و نشستن کنار سفره رحمت حضرت حق.»(۱) در میقات، حاجی برای یک ضیافت الهی آماده می شود. پس باید پیش از ورود به آستانش آماده شد و جامه پرهیزکاری بر تن کرد. لباس گناه و نافرمانی را از تن درآورد و پیراهن پیروی و بندگی را پوشید و روح را صیقل و جان را صفا داد. در این ضیافت بزرگ الهی، نخست باید به همه تعلقات و دل بستگی ها پشت و از مظاهر دنیوی دوری کرد و هر چه را آسمانی نیست، حرام شمرد.

بهوش ای دل که میقات است اینجا

محل نفی و اثبات است اینجا

از اینجا ساز وحدت می شود ساز

از اینجا می شود پرواز آغاز

از اینجا باید آهنگ سفر کرد

یقین خویشتن را بارور کرد

محل نیت پاک است اینجا

ص:۵۸

۱- [۱] . سید کاظم ارفع، سوغات حج، نشر تربت، طلوع آزادی، ۱۳۷۵، چ ۱، صص ۲۸ _ ۳۰.

مکان رشد ادراک است اینجا(۱) (۲)

۲. احرام، آموزشگاه درس مقاومت

«احرام یعنی پشت کردن به دنیا و آنچه در دنیاست و رو کردن به خدا و اجابت امر خدا.»(۳) در واقع، «احرام، اعلام خاک ساری و تواضع و فروتنی و ناچیزی انسان در برابر پروردگار خویش است.»(۴) به ظاهر، احرام، درآوردن لباس معمولی و پوشیدن لباس سفید و مخصوص است که برای انجام بعضی اعمال آن را می پوشیم، ولی این درآوردن لباس و بر تن کردن لباس دیگر، راز و رمز بسیار دارد. احرام، تجلی قیامت است. با درآوردن لباس دنیوی، انسان یاد قیامت و روز محشر می افتد که لباس آخرت را بر تن می کند. همان صحنه ای که همه انسان ها با لباسی یک شکل سر از قبرها درمی آورند. احرام نیز همین گونه است. همه با لباسی یک رنگ و یک شکل در روزهای خاص، در مکانی مشخص گرد می آیند. احرام، یادآور روز رستاخیز است. فلسفه دیگر احرام این است که با درآوردن لباس دنیوی، از گناهان خارج و از تمام دل بستگی های دنیا رها می شویم تا وارد حریمش شویم. برای مَحرم شدن باید مُحرم شویم. باید از آلودگی ها و گناهان دوری کنیم و از هر چیزی که ما را به غیر او مشغول می سازد، رها شویم و دل را همانند لباس مان، یک دست

۱- [۱] . در بارگاه نور، ص ۲۱.

۲- [۲] . احد ده بزرگی.

۳- [۳] . حسین مظاهری، مقاله «منازل سلوک عرفانی در آیینه حج»، میقات حج، ش ۱۱، ص ۴۱.

۴- [۴] . غلام علی حداد عادل، حج؛ نماز بزرگ، نشر مشعر، ۱۳۸۲، چ ۴، ص ۲۸.

و سفید کنیم و حرمت آن را نگاه داریم و از هر آنچه حرمت و شخصیت و کرامت انسانی را ضایع می کند و می شکند، دوری کنیم. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است:

آن گاه با آب توبه، خالصانه از گناهان غسل کن. جامه صدق و صفا بپوش و از آنچه مانع ذکر خداوند است و تو را از اطاعت او محجوب می گرداند، احرام بند.(۱)

«غسل، پیرایش درون و تصفیه قلب و روان از گناهانی است که نفس را تیره می سازد و حجاب چهره جان می شود و این توبه خالص و انابه خدا و پشیمانی از معاصی و تصمیم بر ترک گناه در آینده محقق می شود و ریاضت و مجاهده می خواهد».(۲)

با پوشیدن لباس احرام با خداوند پیمان می بندیم؛ پیمان عبودیت و بندگی و پیمان های اهریمنی را می شکنیم.

هر که پیمان با هوالموجود بست

گردنش را بند هر موجود رست(۳)

در واقع، با درآوردن لباس دنیوی، لباس اسارت و دل بستگی ها، لباس گناه ها و غرورها، لباس امتیازهای اجتماعی و قومی و پُست ها و مقام ها و برتری جویی ها را از تن درمی آوریم و لباس واقعی انسانیت، شرافت، بندگی،

۱- [۱] . مصباح الشریعه، باب ۲۲، ص ۴۵.
۲- [۲] . محمدتقی رهبر، مقاله «نگرشی بر اسرار معنوی حج»، میقات حج، ش ۱۳، ص ۴۱.
۳- [۳] . اقبال لاهوری.

طاعت، دلدادگی و آزادگی را بر تن می کنیم.

تن آدمی، شریف است به جان آدمیت

نه همین لباس زیباست نشان آدمیت(۱)

آن گاه هواها و هوس ها را به بنـد می کشـیم و نفس را لگام می زنیم و خود را در اقیانوس توحید غرق می کنیم و یک رنگ و یـک سو، برای فتـح کعبه دل ها ره سـپار می شویم؛ زیرا هـدف از پوشـیدن و در آوردن لباس، فتـح کعبه دل است، نه کعبه گِل.

احرام نشـانه تسـلیم و صـلح است؛ تسـلیم در برابر فرمان های الهی و صـلح و آشتی با حضـرت حق و تنها بنـده او بودن و سـر تعظیـم در برابر او فرود آوردن. لبـاس احرام، لبـاس پرهیزکـاری و خـاک سـاری اسـت. احرام، آغـاز هجرت اسـت. هجرت به خویشـتن گم شده ای که باید آن را جست. لباسی که انسان هنگام احرام می پوشد، رنگ لباس تولد و مرگ است. روزی که به دنیا می آییم و روزی که از دنیا می رویم، در هر دو حالت لباس مان را خودمان برنمی گزینیم، ولی این دو با هم فرق دارد. در مراسم حـج، جـامه سپیـد را بر تن می کنیم و می خواهیمماننـد لحظه تولـد که پـاک و معصوم و همچون کبوتر سـبک بال هستیم، پرواز کنیم تا به بالاترین نقطه کمال برسیم.

بپوش احرام و ترک ما و من کن

ص:۶۱

۱- [۱] . سعدی.

به دست خود منیت را کفن کن

کفن کن خویش را بی خویش آن گاه

برآر از پرده پر شور دل آه

بگو یا رب دگر کارم تمام است

به من جز شوق وصل حق حرام است

پس آن لب فرجام شوق تو کن

فروشان نغمه لبیک سر کن

بگو لبیک لبیک یا معبود لبیک

مرا تنها تویی مقصود لبیک(۱)

۳. تلبیه یا اجابت دعوت حق

تلبیه، اجابت ندای الهی و سروش آسمانی و زیباترین سرود وحدت و هم بستگی مسلمانان است. آن گاه که همه مسلمانان دل خود را به سوی آستانه اش روانه می کنند و جان و روح خود را آماده می سازند و همه یک دل و یک صدا، بلند و رسا، همراه با فرشتگان آسمان و زمین، گهواره تن را به لای لای لبیک می سپارند و دعوت خدا را اجابت می کنند.

تلبیه، آهنگ فتح دل هاست. تشکر از همه انبیا و اولیای الهی است که دل های آنان با نور الهی آشنا بوده و راه رستگاری و سعادت را خدا به آنها نشان داده است. هنگامی که اولین زمزمه آسمانی در فضا می پیچد، دل ها را از زمین جدا می کند و روح را در عالم ملکوت به پرواز درمی آورد. «این نغمه

۱- [۱] . احد ده بزرگی.

عاشقانه هر چه بیشتر تکرار شود، ... بر شادابی و لطافت روح می افزاید».(۱)

لبیک یا همان تلبیه گفتن، به معنای پاسخ دادن مثبت به تمام دستورهای اسلام و اجابت کردن دعوت حضرت حق است. در واقع، ما با گفتن لبیک متعهد می شویم که در برابر شیاطین درون و برون بایستیم. «آن که به ندای خدای احد و واحد پاسخ مثبت داده و با او پیمان می بندد، از هر بندی خود را رها می سازد و دیگر به هیچ ندایی لبیک نمی گوید».(۲)

تلبیه، کلید ورود به اعمال و محرمات حج است، کوتاه ترین سخن با هزاران مفهوم. با گفتن «لبیک اللهم لبیک» وارد حج می شویم و دریچه دل را به روی شیطان می بندیم و همه ناپاکی ها و آلودگی ها را از خود دور می کنیم و به بیعت نفس «نه» می گوییم و با اعماق وجود صاف و صیقل داده شده و پاک و بی آلایش به ندای حق پاسخ می دهیم و هم گام و هم صدا، چون قطره ای در دریای رحمتش غرق می شویم. امام صادق علیه السلامدرباره تلبیه چنین می فرماید:

تلبیه صاف و پاک، آن هم خالص و بی شایبه برای خدا، در حالی که با تمام وجودت به عروه الوثقی حق در قرآن مجید و اهل بیت علیهم السلاممتمسک و متصل باشی.(۳)

«لبیک اللهم لبیک»، ملکوتی ترین شعار آسمانی است که از اعماق وجود

ص:۶۳

۱- [۱] . حج مقبول، ص ۸۲ .
۲- [۲] . قادر فاضلی، مقاله «عرفان حج۲»، میقات حج، ش ۲۲، ص ۲۳.
۳- [۳] . بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۱۲۶.

انسان عاشقانه برمی خیزد. در واقع، زیباترین سرود و شعر بندگی و دوستی و تنها شعار ایمان است. وجودمان را در سایه این شعار الهی از گزند شیطان و شیطنت طاغوت و طاغوت زدگان نجات می دهیم. تلبیه، اجابت کردن دعوت میزبان است که ما را به میهمانی فرا خوانده است. میزبان کسی است که دوستت دارد و دعوتت می کند. میهمان نیز جواب کسی را داده است که دوستش دارد و اجابت می کند. ما به ندای کسی لبیک می گوییم که فرمان بردار و مطیع محض او باشیم. در غیر این صورت، حضرت حق ندای ما را جواب نمی دهد و در جواب لبیک ما «لالبیک» می گوید. «از امام زین العابدین علیه السلام روایت است هنگامی که محرم شد و بر مرکب قرار گرفت، رنگش زرد شد و لرزه بر اندامش افتاد. توان لبیک گفتن را از دست داد و فرمود: می ترسم بگویند لالبیک و لاسعدیک».(۱)

«لبیک اللهم لبیک»؛ یعنی دور انداختن هر چه غیر اوست و «لا شریک لک لبیک»، یعنی شریکی برای او نیست و یکتا و بی همتاست. راز لبیک گفتن نیز همین است. امام سجاد علیه السلام راز لبیک گفتن را چنین بیان می کند:

خدایا با تو پیمان می بندم که از این پس جز به طاعت تو زبان نگشایم و زبانم را بر همه گناهان ببندم.(۲)

تلبیه، تغییر زبان از همه گناهان مربوط به آن است. زبان به حق و طاعت گشودن و از گفتار باطل و معصیت رستن است.(۳)
تلبیه؛ یعنی اعلام آمادگی

ص:۶۴

۱- [۱] . من لایحضره الفقیه، ج۲، ح ۲۲۰۴، ص ۲۱۰.
۲- [۲] . بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۳۴۷.
۳- [۳] . عبدالله جوادی آملی، صهبای حج، ویرایش: حسین واعظی محمدی، نشر اسراء، ۱۳۷۸، چ۲، ص ۳۷۸.

کردن بر هر نوع اطاعت و عبادتی و پاک کردن دل و زبان از هر نافرمانی و معصیتی، مانند دروغ، حسد و کینه که روح آدمی را تیره می سازد. این آهنگ روح افزای آسمانی در موسم حج از حلقوم صدها هزار عاشق دل باخته حق برمی آید و دره های کوهستانی مکه را پر می کند. روح را از تنگنای عالم ماده و خاک بالا می کشد و در فضای بلند و وسیع و منور الهی به پرواز درمی آید.

۴. پناهندگی به خدا در پرتو سعی

سعی به معنای تلاش و کوشش، صبر و مقاومت است. سعی بین صفا و مروه، یادآور خاطره شجاعت و مقاومت همسر ابراهیم علیه السلاماست.

سعی، گرامی داشت خاطره ایمان و اخلاص و تسلیم و رضا و اطاعت یک زن نمونه است. در ظاهر، سعی، پیمودن مسافت دو کوه صفا و مروه است، ولی در این رفت وآمد، اسرار و رموز خاصی نهفته است. خداوند در این عبادت به بندگان خود یادآور می شود که همیشه و در همه مراحل زندگی، از تولد تا مرگ، با سعی و تلاش خستگی ناپذیر و صبر و توکل وارد میدان زندگی شوید و هیچ گاه از رحمت و عنایت الهی ناامید نگردید.

هاجر، در بیابانی خشک و سوزان، برای یافتن آب و سیراب کردن فرزند خویش اسماعیل، هفت بار فاصله دو کوه را پیمود و هر بار امیدوارتر از پیش کوشید تا سرانجام به هدف خود رسید. پس باید در صحنه های مختلف زندگی از هیچ نیرویی نهراسیم و دل ما با او باشد.

آب، مایع حیات و نشانه رحمت و مظهر پاکی و طهارت و تطهیرکننده هر چیز نجس و برطرف کننده تشنگی است. پس برای برطرف شدن تشنگی

ص:۶۵

درونی و پـاک شـدن روح آدمی و زدودن آلودگی هـای بـاطنی، نبایـد از هیـچ تلاـش و کوششـی دریغ ورزیم و همیشه بـاید امیـدوار باشـیم. البته امید نباید آدمی را مغرور کند. بلکه باید همواره به خوف و رجا توجه داشت؛ امید به رحمت خدا و ترس از کیفر گناهان. این خوف و رجا سبب تعادل می شود و جایی برای افراط و تفریط نمی گذارد.

«مسـعی از یـک طرف محـل بروز و ظهور فضـیلت های عالی صبر و توکل و عبودیت انسان و از طرف دیگر، جلوه گاه کرم و رأفت و رحمت و عطوفت حضرت ایزد منان است».(۱)

در این رفت و برگشت هـای پیـاپی، بیمـاری هـا و گناهـانی چون حرص، کبر، غرور، بخـل، ریـا و خودنمایی رنگ می بازد و انسان برای رفتن به مرحله بعدی، پاک و مطهر می شود و غبار کینه و کدورت را می زداید و فلسفه تکرار آن این است که در هر مرتبه، رذیلتی را از خود دور کنیم. در واقع، سـعی، راه میـان بُری برای رسـیدن به عرفـان الهی و شـناخت خـداست و برای رسـیدن به این مقـام بایـد سـختی هـا و دشواری ها را تحمل کرد و بسـیار کوشـید. انسان هروله کنان این مسـیر را می پیمایـد. هروله، نشانه فرار از شیطان و دوری از هوا و هوس هاست.

به می پرستی از آن نقش خود بر آب زدم

که تا خواب کنم نقش خود پرستیدن(۲)

۱- [۱] . حج برنامه تکامل، ص ۱۲۳.

۲- [۲] . حافظ.

«هروله موجب فرو ریختن بادهای سنگین کبر و خودبینی و انانیت و خودپرستی است.»(۱) «هروله و سعی بین صفا و مروه، نشانه تواضع و افتادگی انسان در پیشگاه خداست و بقایای کبر و خودخواهی و آنچه را در ظاهر و باطنش بوده است، از بین می برد.»(۲) امام صادق علیه السلام می فرماید:

ما لِلّهِ عَزَّ وَ جَل مَنْسِکٌ اَحَبُّ اِلَی اللّه تَبارَکَ وَ تَعالَی مِنْ مَوْضِعِ السَّعْیِ و ذلک أنَّه یَذِلُّ فِیهِ کُلُّ جَبّارٍ عَنِیدٍ.(۳)

هیچ مکان عبادتی نزد خدا محبوب تر از مکان سعی نیست؛ زیرا در آنجا هر متکبر و گردن کشی خاضع می شود.

خداوند درباره صفا و مروه می فرماید:

اِنَّ الصَّفاءَ وَ الْمَرْوَهَ مِنْ شَعَائِرِ اللهِ. (بقره: ۱۹۸)

پس باید خاطره آن تا همیشه تاریخ زنده و باقی بماند و تجدید شود؛ زیرا هر کدام از دو کوه (صفا و مروه) یادآور شجاعت و ایثار است. «سعی زائر آن گاه که به جانب صفا دارد، این است که خود را تصفیه کند و از صفای الهی برخوردار شود و وقتی به سوی مروه می رود، سعی می کند تا مروت و مردانگی به دست آورد؛ زیرا مروه، رمز مروت و مردانگی و صفا نشان تصفیه و تهذیب روح است.»(۴) «چه بجاست که انسان در این مکان مقدس اندکی بیندیشد و هم زمان با سعی تن، به سعی جان و سیر فکری نیز بپردازد که

۱- [۱] . محمدجواد حجتی کرمانی، مقاله «نگرشی کوتاه به تبین حج»، میقات حج، ش ۱، ص ۱۰۸.
۲- [۲] . حج مقبول، ص ۱۱۸.
۳- [۳] . بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۳۴.
۴- [۴] . صهبای حج، ص ۴۰۲.

چگونه باب رحمت حق به روی بندگان صالح و مخلص باز است».(۱)

۵. عرفات، سرزمین معرفت

عرفات، سرزمین شناخت و معرفت، شناخت رب العالمین، شناخت خود و گناهان خویش، شناخت دیگران و نیازهای آنان است. عرفات، سرزمین یادها و نشانه ها، سرزمین خاطره ها و ناله ها و اشک ها و نیایش ها و ستایش ها و توبه هاست. عرفات، سرزمین ولایت و امامت، سرزمین امام عصر علیه السلام، محل تولد دوباره انسان و بازگشت به خویشتن، محل کسب کمالات و آموختن بندگی، سرزمین پذیرش توبه اولین گناه کاران جهان (آدم و حوا) است. عرفات، سرزمین مقدسی است که خداوند از میهمانان خود پذیرایی می کند و آنان را به سفره خویش می خواند. کوه «جبل الرحمه» در این سرزمین، نشانه رحمت خداوندی است که مشمول همه از گناه کار و بی گناه می شود و این نعمت و کرامت را خداوند به هر کسی، به اندازه لیاقتش عطا می کند. «عرفات، جایگاه امضای ورقه عبودیت به مشعر و منا و وصل و لقاست.»(۲) عرفات، مکان انتشار نور خداوند و محل نزول رحمت بی کران الهی است. اینجا سرزمین «شناخت آدم و حوا پس از رانده شدن از بهشت است. پس در این سرزمین باید خود را شناخت. شناخت هم کیشان خود، شناخت همه کسانی که به یک قبله رو می کنند. همه با هم در این سرزمین جمع می شوند تا قدرت سیاسی و اجتماعی شان را به دشمنان نشان دهند و با

۱- [۱] . حج برنامه تکامل، ص ۱۱۹.

۲- [۲] . قطره ای از زمزم معرفت، ص ۱۲۷.

یکدیگر دوست شوند تا هم بستگی شکل گیرد. وقوف در عرفات، به معنای تسلیم و اطاعت است. سر بر زمین می گذاریم و اعتراف می کنیم که چه گناهانی از ما سر زده است. ساعت حضور در عرفات، ساعت شناختن روح و بیداری افکار و دل هاست».(۱)

«تشنگان رویش و عارفان کویش، همه ساله در عرفات، منتظر دیدار با حضرت صاحب الامر هستند تا شاید بتوانند در این مکان مقدس، حضرت را زیارت کنند. وادی عرفات، محل راز و نیاز، جایگاه درمان دردهای باطن و مرکز دعا و عرصه مناجات و میدان طلب رحمت و مغفرت و موضع گذاشتن پیشانی ذلت به درگاه مالک الملوک است.»(۲) «عرفات، سرزمینی است که خداوند به خاطر اشک ها و دعاهای زائران خانه خود بر فرشتگان مباهات می کند».(۳)

عرفه، روز تلاش و کوشش برای کسب معرفت و رسیدن به درجات عرفانی حج اکبر است. روز دعا و تضرع، روز انابه و توبه، روز عفو و بخشش است. به گفته رسول خدا صلی الله علیه و آله، سخت ترین روز شیطان است. روز امید و امیدواری، روز اعتراف به گناهان است.

۱- [۱] . بنت الهدی، مقاله «شهر یاد ما و نشانه ها»، ترجمه: جواد محدثی، فصل نامه میقات حج، ش ۱۰، ص ۱۷۸.
۲- [۲] . حسین انصاریان، چهل حدیث حج، نشر مشعر، ۱۳۷۴، چ ۱، ص ۱۰۴.
۳- [۳] . حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسسه آل البیت علیهم السلاملاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ه_ . ق، چ ۲، ج ۱۰، ص ۲۶.

روز عرفه، روز پرواز به سوی آزادی و رهایی از اسارت و گسستن رنجیره های گناه و عصیان است. روز عرفه، روز تمرین بندگی، روز اوج پرواز به سوی انسانیت، روز اجابت ندای درون در کنار جبل الرحمه است. عرفه، روز جاری شدن در جویبار رحمت و فیض الهی است. روز عرفه، روز بارش رحمت و مغفرت است؛ روزی که هیچ نیازمندی ناامید از درگاهش برنمی گردد. زینت عابدان، امام زین العابدین علیه السلام به نیازمندی که در روز عرفه گدایی می کرد، فرمود:

امید می رود در این روز برای بچه های در شکم، فضل خدا شامل حال آنها شود.(۱)

روز عرفه، روزی است که ناامیدی، بزرگ ترین گناه به شمار می آید. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

اَعْظَمُ اَهْلِ عَرَفاتٍ جُرْما مَنْ اِنْصَرَفَ وَ هُوَ یَظُنُّ اَنَّهُ لَمْ یَغْفِر لَهُ.(۲)

در میان کسانی که به عرفات رفته اند، بزرگ ترین گناه را کسی مرتکب شده است که از عرفات برود و گمان کند که خداوند او را نبخشیده است.

عرفه، روز اصلاح نفس، جبران گذشته و درمان بیماری ها است. توقف و درنگ در صحرایی بدون هیچ رنگ و امتیازی، آدمی را به یاد صحرای محشر می اندازد و روز قیامت را به یاد می آورد؛ روزی که همه با لباس یک دست و یک رنگ، سر از قبر درمی آورند و گریان و نالان، منتظر رحمت و بخشش خداوند هستند. در آنجا، موقعیت و قوم و نژاد، امتیاز به شمار نمی آید. در

۱- [۱] . مفاتیح الجنان، اعمال روز عرفه.

۲- [۲] . مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۹، ح ۱۱۳۷۹.

واقع، صحرای عرفات، قیامت صغراست. عرفه، فرصتی برای اندیشیدن و تفکر است. بیندیشیم و ببینیم که چه کرده ایم و چه باید بکنیم؟ به درگاهش چنگ بزنیم و از حضرتش آمرزش بخواهیم. ششمین پیشوای شیعیان، امام صادق علیه السلام درباره اسرار و معرفت این سرزمین چنین فرموده است:

درنگ مردم در عرفات، برای دعا و مناجات، شوق و اشتیاق و گدایی از خدا و فضل بی کران اوست. آنان به اندازه توانایی خود به ستایش و نیایش خداوند می پردازند تا خورشید در کرانه مغرب فرو رود.(۱)

در صحرای عرفات، در روز عرفه و در کنار جبل الرحمه با معشوق خود به راز و نیاز می پردازیم و خود را به آغوش رحمتش می سپاریم تا بار دیگر لیاقت ورود به حریمش را پیدا کنیم. در این لحظه تنها سرمایه مان همان آب توبه است که از چشمان مان جاری می شود و با ناتوانی زمزمه می کنیم:

اِلهی اَنَا الْفَقیرُ فی غِنایَ، فکیف لا أکُونُ فَقیرا فِی فَقْرِی، اِلهی ما اَلْطَفَکَ بی مَعَ عَظیم جَهْلٍ وَ ما اَرْحَمَکَ بی مَعَ قَبیح فِعْلی.(۲)

خدایا! در بی نیازی، فقیر و نیازمندم. چگونه در فقر و ناداری نیازمند نباشم. الهی! چه مقدار مرا مورد رحمت و لطف خویش قرار می دهی با این همه نادانی و کار زشت و ناپسند من.

هم نوا با آدم علیه السلام و ابراهیم علیه السلام و همه پیشوایان دین، سلاح و سپر بنده مؤمن را که دعاست، برمی داریم و به درگاهش می رویم تا به معرفت و یقین کامل برسیم. چه باشکوه است گفت وگوی مولا و بنده. چشم

ص:۷۱

۱- [۱] . نعمان بن محمد بن حیون، دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضایا و الاحکام، تحقیق: آصف بن علی اصغر فیضی، قاهره، دارالمعارف، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۲۰.

۲- [۲] . مفاتیح الجنان، دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه.

خود می گردانیم تا مولای خودمان را که در همین حوالی است، بیابیم و با دلی شکسته و چشمانی اشک بار، چشم خود را به روی غیر می بندیم، به این امید که با چشم دل، او را ببینیم.

۶. وقوف در مشعر الحرام

واژه «مشعر» به معنای محل درک و شعور(۱) و محل آگاهی و بصیرت است. «شب مشعر، شب اندیشه است. اندیشه درباره آنچه انجام دادی و انجام خواهی داد. شب مشعر، شب آرامش و سکوت است. شب تفکر درباره اسرار آفرینش است. انسان به دور از هیاهوی مظاهر دنیوی و به دور از دغدغه های روزانه، در این شب می اندیشد. در اشعار، علامت و نشان و مشعر؛ یعنی محلی که شعار خدا و نشان خداجویی و خداخواهی در آن کاملاً پیداست».(۲)

انسان در آرامش شب به تفکر و تأمل برمی خیزد؛ زیرا یک ساعت تفکر، بهتر از هفتاد سال عبادت است. تفکری که دنیا را در برابر چشم آدمی، تغییر و شکل دیگر زندگی را نشان می دهد. حاجی پس از به دست آوردن معرفت و خودسازی در عرفات، با قدری تأمل در حکمت الهی، نهایت ناتوانی و بندگی را نشان می دهد و اظهار عبودیت می کند. آن گاه سبک بال و پرنشاط، خود را برای ورود به آغوش رحمت الهی آماده می کند و با سر پرشور و دلی

۱- [۱] . عباس علی زارعی سبزواری، پرتویی از اسرار حج، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۶، ص ۱۴۱.

۲- [۲] . حج، برنامه تکامل، ص ۱۵۷.

آکنـده از شوق و امیـد و بـا زمزمه هـای عاشـقانه و عارفانه به راز و نیاز با معشوق می پردازد. وی با قلبی پاک و کوله باری از انـدوخته های معنوی، از خـدا می خواهد بار دیگر توفیق حق رفیق راهش شود و از صـراط مسـتقیم منحرف نگردد و اسـیر بند شیـاطین نشـود. آن گـاه اسـت کـه آدمی نسـیم رحمت و لطفش را در روح و روان خـود احسـاس می کنـد. «سـرزمین مشـعر، سرزمین پایان هجر و نقطه شروع وصال و لقاست.»(۱) «امشب وقت آن است که حصار دل را بشـکنی و پرده از روی زشتی ها برگیری».(۲)

چشم دل باز کن که جان بینی

آنچه نادیدنی است، آن بینی(۳)

«امشب عقـده هـای زنـدگی را بگشـا و علقه هـای دنیوی را رهـا کن و ناخالصـی هایی را که دنیا برایت به ارمغان آورده، دور ساز.»(۴) شـبی ملکـوتی و روح افزاسـت و بایـد به دور از هیـاهو، گـوشه ای آرام بگیری، به گـونه ای که هیـچ صـدایی به جز صـدای مناجـات به گوشت نرسـد. در بیابـان پر از سـنگ ریزه و خاک، در شبی مهتابی که سـتارگان چشـمک زنان در انتظار گفت وگوی تو با معبود هستند، دست نیاز به سویش دراز کن.

ص:۷۳

۱- [۱] . در بارگاه نور، ص ۱۰۳.

۲- [۲] . ارمغان کعبه، ص ۲۱۲.

۳- [۳] . هاتف اصفهانی.

۴- [۴] . ارمغان کعبه، ص ۲۱۵.

چه روزها به شب آورده ام در این امید

که با وجود عزیزت، شبی به روز آرم(۱)

همه زیبایی های دنیا را کنار بزن و صورت خود را بر خاک این سرزمین مقدس بگذار و راز دل را بازگو کن تا روح و جانت تازه شود و نسیم کوی دوست را استشمام کنی. امام صادق علیه السلام در این باره چنین می فرماید:

به گاه وقوف در مشعر به خداوند تقرب جوی، در حالی که به او اطمینان داری و با صعود بر کوه مشعر با روحت به سوی ملأ اعلی بالا رو.(۲)

امشب تو مهمان خداوند هستی و میزبان، خداوند است. همین بس که به تو توفیق داده است که در بهترین سرزمین ها به تصفیه روح و روان بپردازی و آماده نبرد با شیطان شوی و سلامت را در خاک جست وجو کنی. شب مشعر، شب آگاهی یافتن است، شب شناخت خدا و خودت و دشمنت. شب فعال شدن شیاطین است و اهریمن، آخرین حربه را به کار می گیرد تا این شب عزیز و این فرصت استثنایی را از تو بگیرد. «شب مشعر، شب یقین و تجلی باور و تمرین تعبد است. خاکی بودن را تمرین می کنی تا در روزهای دیگر هم از بند تن و دام نفس رها شوی.»(۳) مشعر، بهترین سرزمین و بهترین زمان برای گردآوری سلاح برای نبرد با شیاطین است. باید از تاریکی و سیاهی شب بهره مند شوی تا فردا، شیطان، این دشمن خطرناک را سه بار سنگ باران کنی؛ دشمنی که سدّ راه توست . با جست وجو در خاک،

ص:۷۴

۱- [۱] . سعدی.

۲- [۲] . مصباح الشریعه، ج ۲۲، ص ۱۴۷.

۳- [۳] . جواد محدثی، در حریم حرم، نشر مشعر، ۱۳۷۵، چ۱، ص ۱۴۷.

خاک ساری و خاک نشینی را تجربه کن؛ زیرا نشانه مردان حق و افتخارشان و نشانه بندگی شان، بر خاک نشستن با خاکیان است.

شب مشعر، شبی پر از بیم و هراس است؛ چون باید انسان، خود را برای فردایی مهم آماده سازد. هم باید با شیطان درون خود، نفس اماره به نبرد بپردازد و او را قربانی کند و هم باید با سنگ ریزه هایی که جمع کرده است، به جنگ با شیطان رجیم برود.

چه مبارزه سختی است. انسان عمری را با شیطان خو کرده و همیشه و همه جا همراه او بوده و بر اساس فرمان او زندگی کرده است و اکنون می خواهد او را از خود براند. شیطان هم حاضر به این جدایی نیست، ولی انسان باید با امید به فضل و رحمت پروردگارش، آماده پیکار شود؛ زیرا غیر او پناه گاهی ندارد.

هم دانه های سنگ و هم قطره های اشک، هر دو وسیله ای است؛ یکی برای محو شیطان و دیگری برای محو آتش. برای روز قیامت هم باید از لابه لای ظلمات دنیا، وسایل نجات خود را آماده کنیم. قطره اشک مؤمنان در شب ها، وسیله نجات آنان در روز قیامت است.

برای به دست آوردن حالت های معنوی و آمادگی برای نبرد با شیاطین و لیاقت یافتن در محضر الهی باید تهذیب نفس داشت. بدون تهذیب نفس نمی توان هیچ کدام از مراحل را در عرفات و مشعر پیمود و تهذیب نفس هم با یاد خدا امکان پذیر است. به ویژه در مشعر که خداوند فرموده است:

فَاذْکُرُوا اللّه ‌عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرام. (بقره: ۱۹۸)

خدا را در مشعر الحرام یاد کنید.

ص:۷۵

۷. منا، صحنه امتحان الهی

منا، به معنای آرزو، خواهش و تمنا است. امام صادق علیه السلام علت نام گذاری این سرزمین را چنین بیان می کند:

چون جبرئیل در این سرزمین به حضرت ابراهیم علیه السلام گفت: «تَمَنّی؛ آرزوی خود را بیان کن»، نامش منا شد.(۱)

در این سرزمین بی حاصل، تمنای چه چیزی را داری؟ ورود به سرزمین منا، ورود به سرزمین آرزوهاست. وقتی وارد منا می شوی، در واقع، به سرزمین آرزوهایت رسیده ای. چه آرزویی از این بالاتر که به مقام قرب الهی برسی؟ چه آرزویی از این برتر که به مقام انسانیت برسی؟ چه خواسته ای از این برتر که رذایل اخلاقی، چون کبر و غرور و حسد را از خود دور و هوا و هوس را قربانی کنی؟ در لحظه ورود به این سرزمین مقدس، به یکی از بزرگ ترین آرزوهایت می رسی. شیطان درونی و بیرونی را سنگ باران می کنی و عامل همه گمراهی هایت را از بین می بری و این عمل را سه بار تکرار می کنی تا مطمئن بشوی که دیگر برنمی گردد. منا، بزرگ ترین نمایشگاه تسلیم و بندگی و امتحان و آزمایش است. پس باید همچون ابراهیم علیه السلام بنده نمونه ای باشیم و همچون او فرمان بردار و مطیع.

سعی کن از این امتحان بزرگ سربلند بیرون آیی و آرزوهای باطل نداشته باشی. از سر احساس و هوس چیزی را نخواهی و تنها او را طلب کنی و به آنچه به تو می دهد، راضی باش و بدان که هر چه از دوست رسد،

۱- [۱] . بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۲۷۱.

نیکوست.

«منا، نمایشگاهی است که سرمایه های روحی بسیار ارزنده انسان های تکامل یافته را که نماینده آثار تربیتی پیغمبران و رجال آسمانی هستند، در معرض نمایش گذارده و تمام جهانیان را به تماشای آن می خواند. منا وادی قرب و تجلی گاه عنایات خاص حضرت معبود است».(۱)

۸. طرد شیطان با رمی جمرات

اولین کاری که در سرزمین آرزوهایت انجام می دهی، باید طرد شیطان و شیطان صفتان و نشان دادن تنفر از آنان باشد. واژه شیطان در قرآن بارها با عنوان های گوناگون آمده است که عبارتند از: برادران شیطان، حزب شیطان، شیطان نفس و... . این شیاطین، خواه داخلی یا خارجی باشند، خواه مرئی یا نامرئی، خواه درونی و بیرونی، در همین سرزمین مقدس باید از بین بروند و برای اطمینان خاطر در سه مرحله باید آنها را نابود کرد. رمی جمرات، یادآور خاطره قهرمان بزرگ توحید، حضرت ابراهیم علیه السلام است که در راه قربانی کردن فرزندش، _اسماعیل _علیه السلام، شیطان، او را در سه مرحله وسوسه کرد تا از این کار باز دارد، ولی او از این آزمون دشوار سربلند و پیروز بیرون آمد.

«رمی جمرات، یک تمرین عملی و هدف دار است. رمی جمرات برای زنده نگه داشتن روح مبارزه و مجاهدت با صفات زشت شیطانی و زدودن اوهام و وسوسه های ابلیسی و رذایل و مفاسد اخلاقی و شرک و آلودگی از

۱- [۱] . حج؛ برنامه تکامل، صص ۱۷۴ و ۱۷۵.

درون وجود آدمی و محیط زندگی است.»(۱) مبارزه با هر گونه بدی و پلیدی که در مسیر راه تقرب خداوندی است و هر چیزی که مانع از بندگی و پیشانی سایی در محضر دوست شود.

در واقع، در هر مرتبه از سنگ زدن به شیطان باید یکی از صفات شیطانی همچون حسد، غرور، کبر و ریا را از خود دور کنیم. امام صادق علیه السلام می فرماید:

هنگامی که جمرات را رمی می کنی، افعال زشت و ناپسند و پستی و شهوت پرستی را از خود دور کن.(۲)

برای پیکار با دشمنان، چه درونی و چه بیرونی، باید در دل خوف و ترسی نباشد. پروردگار در این باره می فرماید: «فَلا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ.» (بقره: ۳۸) همچنین دعا و استغفار «اللهم ادمر عنی شیطان»(۳) بر زبان جاری باشد و در دست، سلاح «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ» (انفال: ۶۰) باشد.

سلاح ما هفت سنگ ریزه به ظاهر بی ارزش است که شب قبل در سرزمین مشعر جمع کرده ایم، نه یک عدد کمتر و نه یک عدد بیشتر. این یک دستور و قانون است. زن و مرد، کوچک و بزرگ، از هر نژاد و قومی که باشند، باید به این فرمان تن دهند. امت اسلام همیشه و همه جا باید آماده حمله به دشمن

۱- [۱] . آثار معنوی و تربیتی حج، ص ۱۷.

۲- [۲] . مصباح الشریعه، باب حج، ص ۱۴۷.

۳- [۳] . ذکری که در حال جمرات مستحب است.

باشد. هر یک از ستون هایی که باید سنگ زده شوند، نمادی از دشمن و شیاطین است.

«اینک با پرتاب سنگ ریزه ها به سوی ستونی که آن را شیطان فرض می کند، عزم و نیت و تصمیم خود را برای دست شستن از گناه و زشت کاری و تسلیم نشدن به جاذبه ها و وسوسه های شیطانی به صورت محسوس و ملموس اعلام می کند و با این عمل ظاهری، نیت باطنی خویش را نشان می دهد و آن را تقویت و تثبیت می کند».(۱)

۹. اسرار قربانی

در کتاب _مجمع البحرین _آمده است:

قربان عبارت از هر عملی است که انسان به وسیله آن بخواهد خود را به رحمت الهی نزدیک کند.(۲)

پس قربانی، وسیله رحمت الهی است. قربانی کردن، فرصت تقرب به خداوند و پاکی نفس از آلودگی ها و وابستگی ها و رهایی از همه مظاهر غیر الهی و بهای آزادی از آتش قیامت است. امام صادق علیه السلام از امام سجاد علیه السلام نقل می کند:

چون حاجی در وادی منا قربانی کند، قربانی او بهای آزادی اش از آتش قیامت است.(۳)

پس از سنگسار کردن شیاطین، نوبت خنجر کشیدن بر روی هوس ها و

۱- [۱] . حج؛ نماز بزرگ، صص ۶۳ و ۶۴.
۲- [۲] . علی عطایی، مشعل زائر، قم، انتشارات دارالعلم، ۱۳۸۱، چ ۱، ص ۲۰۸.
۳- [۳] . حسین انصاریان، چهل حدیث حج، ص ۱۲۲.

تمناهای دل است. گردن طمع را ببر و گردن خواسته ها و آرزوهای نامشروع را بزن. این آخرین کار، فرصت حیات و فعالیت را از شیطان می گیرد. «وقتی حج حاجی تمام است که توانسته باشد نفسانیات را در «مذبح ایمان» ذبح کند و خود را در قربان گاه منا زیر پا نهد و تیغ بر حلق نفس اماره بگذارد».(۱)

امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید:

وَ اذْبِحْ حَنْجرَهَ الْهوَی وَ الْطَّمعِ عِنْدَ الذَّبیحهِ.(۲)

موقع ذبح قربانی، گلوی هوای نفس و طمع را قطع کن.

کشتن هوا و هوس ها و خواهش های نفسانی، بدون پرهیزکاری امکان پذیر نیست. «در حقیقت، ذبح قربانی، رمزی از تهذیب نفس، تطهیر قلب و بریدن رگ های حرص و طمع و هوس بازی ها و هواپرستی ها است»(۳) «تا میدان تجلی تقوای الهی در پهنه حیات و زندگی باز شود و زائر به حریم قدس دوست تا مرحله لقا و وصال سفر کند».(۴)

شاید قربانی کردن در ظاهر، ذبح حیوان باشد، ولی در واقع، از بین بردن صفات حیوانی است و مبارزه با هر چه مانع رسیدن به کمال واقعی می شود. قربانی، هدیه ای برای رهایی از گناهان است. امام صادق علیه السلامدرباره فلسفه قربانی می فرماید:

اِنّهُ یُغْفَرُ لِصاحِبها عِندَ اَوّلِ قَطْرَهٍ تَقْطُرُ مِنْ دَمِها اِلَی الأرضِ.(۵)

۱- [۱] . در حریم حرم، ص ۹۰.

۲- [۲] . مصباح الشریعه، باب ۲۲، ص ۱۴۷.

۳- [۳] . حج مقبول، ص ۱۵۷.

۴- [۴] . چهل حدیث حج، ص ۱۲۲.

۵- [۵] . علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۳۸.

کسی که قربانی می کند، هنگامی که اولین قطره از خون قربانی به زمین برسد، گناهانش بخشیده می شود.

قربانی کردن؛ یعنی فدا کردن بهترین های خود در راه محبوب و گذشتن از بهترین ها برای رسیدن به معشوق، به این امید که همه رذایل شیطانی و خواسته ها و میل های درونی و بیرونی از انسان دور شود. اگر انسان سر خواهش های نفسانی را نَبُرد و پایه های ایمان را در دل خود محکم نکند، به راحتی نمی تواند در برابر اهریمن بایستد.

قربانی کردن، اثبات عشق و تسلیم، تعبد و بندگی محض، فداکاری و ازخودگذشتگی و ایثار و زنده کردن خاطره بت شکن توحید، ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام است که از آزمون بندگی، پیروزمندانه بیرون آمدند و روحیه تسلیم و رضا و اطاعت را به نمایش گذاشتند.

ذبح اسماعیلت کار چندان آسانی نیست. باید نخست به معرفت برسی و شعور و آگاهی یابی و آرزوهایت را تعدیل کنی و دشمن درون و برون را سرکوب سازی. آن گاه می توانی اسماعیلت را (مال، ثروت، مقام، موقعیت) و هر آنچه تو را به خود وابسته می کند، در راه رسیدن به معشوق قربانی کنی. البته باید چشمانت را ببندی تا وسوسه نشوی.

«در قربانی کردن، هدف اصلی، گذشت از مال و اظهار علاقه و عشق نسبت به خداست.»(۱) «قربانی ات هرچه بهتر و بزرگ تر باشد، علاقه و عشقت را بهتر و بیشتر به معبودت نشان داده ای. قربانی، کشتن نفس اماره در راه خدا

۱- [۱] . حج، ص ۱۳۵.

و بریدن حلقوم طمع است».(۱)

۱۰. آثار حلق و تقصیر

یکی دیگر از اعمال پر راز و رمز مناسک حج، تقصیر یا حلق است؛ یعنی زائر در ظاهر باید مو یا ناخن خود را کوتاه کند. این کار، زدودن ناپاکی ها و پاک شدن بدن از آلودگی هاست، ولی افزون بر ظاهر آراسته، باید باطن خود را نیز آراست و آلودگی های باطنی چون غرور و نخوت و تکبر و را از خود زدود. امام صادق علیه السلام در این باره چنین می فرماید: «با تراشیدن سر، تمام عیوب ظاهری و باطنی را بتراش».(۲)

با تراشیدن و کوتاه کردن مو، غرور و تکبر را از سر بیرون می کنیم و به تطهیر روح و روان می پردازیم. به همین دلیل، هر موی آن، نوری در قیامت برای زائر به شمار می آید. _ابوبصیر_ در روایتی نقل می کند:

مویی از سر حلق نمی شود، مگر اینکه خداوند مهربان به خاطر آن نوری در قیامت برای زائر قرار می دهد.(۳)

با حلق و تقصیر کردن، آخرین نشانه های هواپرستی و خودخواهی را از وجود و روح و روان خود دور و فضایل انسانی را جای گزین رذایل حیوانی می کنیم.

ص:۸۲

۱- [۱] . مصباح الشریعه، باب ۲۲، ص ۱۴۷.

۲- [۲] . همان.

۳- [۳] . بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۱۵.

فلسفه دیگر این عمل، پیروی محض و بندگی مطلق است. با این کار نشان می دهیم که تنها خدا را می پرستیم و بدون درنگ، به فرمان های الهی عمل می کنیم. در واقع، تراشیدن مو، نشان دهنده نهایت خضوع و تسلیم در برابر فرمان های الهی است که انسان، خود را در برابر خداوند، بی نهایت خوار و حقیر ببیند.(۱) امام صادق علیه السلامی فرماید:«فَاحْلَقْ رأسَکَ تواضُعاً للّه ؛ موی سرت را به نشان تواضع و خشوع در برابر اوامر الهی بتراش».(۲)

ممکن است هدف از حلق کردن، افزون بر زدودن آلودگی های درونی خود، زدودن آلودگی های اجتماعی باشد تا بدین وسیله محیط اطراف را نیز از مفاسد و رذایل اجتماعی بزداییم و اولین قدم برای این کار را باید فرد بردارد.

از بین رفتن زیبایی ظاهری؛ یعنی پایان دل بستگی های دنیوی و اینکه به خاطر محبوب حاضر می شوی زیبایی هایت را از دست بدهی. به همین دلیل است که پس از آن آزاد می شود و مجوز استفاده از نعمت ها را به دست می آورد. «انسان با انجام حلق اعلام می کند که این زیبایی و جمال را در پای آن جمیل نثار می کند و در واقع، زینت های ظاهری را از خود دور می کند که این اوج تواضع و خضوع است و با تقصیر، خود را از آلودگی ها می رهاند که این نیز اوج پالایش و زدودن زشتی هاست».(۳)

۱- [۱] . حج مقبول، ص ۱۵۹.

۲- [۲] . وسائل الشیعه، ج ۸ ، ص ۱۶۲، ح۲۱.

۳- [۳] . احمد صفری، چگونه به حج برویم راهنمای حج ایرانیان، اصفهان، انتشارات فرهنگ مردم، ۱۳۸۴، چ ۱، ص ۱۵۹.

۱۱. بیتوته، فرصتی مناسب برای راز و نیاز

بیتوته کردن و توقف کوتاه در منا، فرصتی بسیار مناسب برای تفکر و اندیشیدن درباره آنچه بوده و آنچه می خواهد باشد و بهترین فرصت برای توشه برداشتن برای قیامت است تا ره توشه ای معنوی برای تمام عمر و حیات جاودانه خود باشد. باید دل را از هرچه غیر دوست است، تطهیر کند و بیتوته، بهترین زمان برای دوری از دغدغه ها و سرگرمی های دنیاست؛ زیرا دیگر چیزی از دنیا وجود ندارد که چشم دل را اسیر کند و قلب را تسخیر سازد.

بیتوته، ناب ترین لحظه برای پاک سازی و خانه تکانی دل از هوا و هوس ها و وسوسه های شیاطین و سرگرمی های دنیاست. در آنجا نه تفریحی است، نه بازاری و نه چیزی که دل را مشغول سازد، این روزها و شب ها، برای رسیدن به سعادت اخروی و ذخیره بهره های بی پایان معنوی، فرصتی عالی است که به دست آوردن آن آسان نیست.

قرآن کریم دستور می دهد شب ها را که در منا بیتوته می کنید، به یاد خدا باشید و اوقات خود را به تحصیل علوم و معارف و مناجات بگذرانید. آن سرزمین، سرزمین دست یابی به خواسته های الهی است.(۱)

در سکوت و آرامش شب که هیچ صدایی جز دعا و انابه به گوش نمی رسد و همه، آرامش زندگی را از خداوند طلب می کنند، فرصت مناسبی

۱- [۱] . عرفان حج، ص ۹۶.

است تا با دلی امیدوار و قلبی محزون، به پاک سازی روح بپردازیم و برای دریافت لطف حق تعالی بکوشیم.

زمانی این آلودگی ها از بین می رود که جام دل شکسته شود. آن گاه حق تعالی متجلی می شود؛ زیرا خداوند فرموده است:«أَناعِنْد الْمُنکَسِرُ قُلُوبُهْمْ؛ من نزد شکسته دلانم».(۱)

در کوی ما شکسته دلی می خرند و بس

بازار خودفروشی از آن سوی دیگر است

انسان در جست وجوی بهشت گم شده خود، به تزکیه نفس می پردازد و دردها و نیازها و آرزوهایش را با او بازگو می کند. بیتوته کردن، فصل رویش دوباره جوانه های امید و زندگی و فرصت مناسبی برای شناسایی دشمن و آمادگی برای مبارزه با اوست. به فردایی باید اندیشید که با وجود مبارزه های سختی که در پیش داری، باید دشمن را سنگسار کنی و با رفتن به قتل گاه، کینه، حسد، آز و همه صفت های ناپسند را نابود کنی.

بیتوته کردن، تولدی دوباره است. باید با دلی امیدوار و چشمانی اشک بار و دستی پر نیاز، به درگاه خداوند پناه ببریم و خود را نزدش بیمه کنیم تا از وسوسه های اهریمن قسم خورده در امان بمانیم و از او بخواهیم تا ما را از غفلت و دنیازدگی و خودمحوری برهاند.

در ظاهر، توقف و ایستادن و سکون است، ولی در باطن آن، دنیایی از

۱- [۱] . بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۴۴، ح ۵۱.

تفکر و پویایی درباره حال و گذشته نهفته است؛ اینکه چه اندوخته ایم و چه باید بیندوزیم و کالای گران بهای عمر را چگونه مصرف کرده ایم. تـا کنـون چه محصـولی را از کشـتزار دنیـا، برای آخرت برداشت کرده ایم و اکنـون در کجـا هسـتیم و چه انـدوخته ایم و برای آینـده چه تصـمیمی گرفته ایم و چه برنامه ای برای خودسازی داریم و عمر تلف شـده خود را چگونه می خـواهیم جـبران کنیـم؟ «چنیـن وقـوفی سـرشار از پویـایی در تفکر و انـدیشه است که اگر درست انجـام گیرد، به تحرکی بس شگرف در زندگانی تبدیل می شود و به خودسازی و شخصیت انسانی می انجامد».(۱)

بیتوته، مرور کارنـامه زنـدگی و خوبی هـا و بـدی هـاست. «فرصـتی است تـا دفـتر دل را بگشـایی و کتـاب عمـل را بـازخوانی کنی.»(۲) همچنین فرصت بسـیار منـاسبی برای اندیشـیدن دربـاره معـاد و کوله بـاری است که بایـد بـا خود بـبریم. پس از آن، صحرای عرفات و مشـعر است. همه با لباسـی متحدالشـکل، هماننـد لباس قیامت حاضـر شده اند و هرکس با هر زبانی با معبود خود راز و نیاز و عقده گشایی می کند و هر کس به زبانی، او را می ستاید. گذشته خود را به یاد می آورد و بر عمر از دست رفته، حسـرت می خورد و بـا توبه از گناهـان خود، آمرزش طلب می کنـد تـا دیگر باگنـاه و آلودگی، قلب خود را تیره و تـار نکند.

۱۲. زیارت بیت و استلام حجر

پس از گفت وگوی عاشقانه با معبود و خلوت کردن با حضرت دوست،

۱- [۱] . محمدباقر حجتی کرمانی، در حریم کعبه، ویراستار: علی ورسه ای، نشر مشعر، ۱۳۷۷، چ ۱، ص۹۹.

۲- [۲] . جواد محدثی، روح حج، نشر مشعر، ۱۳۸۳، چ ۱، ص ۷۷.

اینک تا چند قدمی خانه اش چیزی نمانده است. باید به اقیانوس بپیوندی و با دیگر کبوتران سپیدپوش، با دلی پر امید و رویاندن شکوفه لبیک بر لب خود، به جویبار رحمت الهی برسی و گردش حلقه بزنی، همچون زنبور که به دور کندوی عسل می چرخد.

خورشید که در دل طلوع کند، برف تمناهای دنیا را آب می کند. حرم، قطعه جدا شده ای از بهشت موعود در این عالم خاکی است. شرط ورود به حریمش، دوری از آلودگی و تیرگی هاست.

طواف، نماد توحید است و خشوع در پیشگاه عظمت توحیدی. طواف، پروانه شدن و پرواز دادن روح تا قله بندگی در مدار توحیدی است. طواف، پرواز در مسیر عشق و پیوند با رب العالمین است.

طواف، ملاقات با خداوند است. طواف، از روحانی ترین و ملکوتی ترین حالات در مناسک حج است. در این مرحله تو قطره ای می شوی و همراه با پروانه های سفیدپوش، با بالی از عشق و ایمان و دلی سرشار از امید و رحمت، هم گام با فرشتگان الهی در عرش، هم دل و هم رنگ، زمزمه کنان خود را به اقیانوس بندگی می اندازی.

«طواف، شاه بیت پر طراوت و دل نواز غزل شیوا و شکوهمند حج است و تبلور مقام قرب و وصل عبد و معبود است. طواف و نماز، نشان دهنده مطهرترین و مقدس ترین و پرشکوه ترین و پرجذبه ترین و روحانی ترین و ملکوتی ترین حالات یک انسان است و آدمی در هیچ حالتی تا بدین حد از قرب و وصال و نزدیکی تام و تمام به راز آفرینش و کُنه هستی و معشوق

همه جهان و معبود کل هستی بهره مند نمی گردد».(۱)

در واقع، طواف مسلمانان در یک روز معیّن و مشخص بر گرد خانه حضرت دوست برای خودسازی و تهذیب نفس و غنای روح به دور از امتیازهای قومی و قبیله ای و نژاد و رنگ، قدرت آنان را در جهان نشان می دهد. دیدنی ترین صحنه، حرکت آرام زائران است که با وجود اختلاف در رنگ و زبان و ملیت،(۲) در کمال صمیمیت و مهربانی، بر گرد خانه یار می چرخند. آغاز و پایان طواف، برای یک هدف است که آن، طاعت و بندگی و آزاد شدن از بند شهوت و غضب و گذشتن از خود و خواسته های درونی و پیوستن به جمع و رفتن از خاک به افلاک است. در طواف حرم خدا که نشانه عشق به حق است، دل را از دیگران تهی کنید و جان از خوف غیر حق پاک سازید و به موازات عشق، از بت های کوچک و بزرگ و طاغوت ها و وابستگانش برائت جویید.

رو به سویش می ایستی. درست در چند قدمی اش هستی. مروارید اشک مجالت نمی دهد و گونه هایت تر می شود و تو می شوی سبک بال و بی وزن و تا کهکشان دوست، بال و پر می زنی و قطره می شوی و خجل می شوی چون دریا می بینی.(۳)

ص:۸۸

۱- [۱] . میقات حج، ش ۱، صص ۱۰۴ _ ۱۰۶.

۲- [۲] . همان، ش ۳۱، ص ۳۰.

۳- [۳] . صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۸.

یکی قطره باران ز ابری چکید

خجل شد چو پهنای دریا بدید

هنگامی نسیم رحمت را احساس می کنی که یاد و نام او ورد زبانت می شود؛ چون اصل فلسفه نام این است که تو را به یاد خدا بیندازد. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

به درستی که خداوند طواف خانه خود را به یاد داشتن نام خود قرار داد. گوش دل را که باز کنی، صدای بال فرشتگان را می شنوی که بهشت را پاداش عملت قرار داده اند.(۱)

حضرت علی علیه السلام در این باره فرموده است:

خداوند طواف را قرار داد تا بدان وسیله بر بندگانش رحمت و مغفرت فرو فرستد و بهشت را به ایشان پاداش دهد.(۲)

کعبه را همچون نگینی در برمی گیری.کعبه، عرش زمین و فرش آسمان و سند اعتبار مکتب است. کعبه، بوسه گاه هزاران مجنون است که در پی لیلای دیدار، رنج بادیه بر دوش کشیده و سختی هجران را تحمل کرده اند تا به مطاف و مسعی برسند.(۳)

در واقع، نگاه به کعبه همه دل بستگی ها و منافع دنیوی را از دیده و دل می زداید و دل های شیفتگان را غرق معرفت و معنویت و خودشیفتگی

ص:۸۹

۱- [۱] . سلیمان بن اشعث ابی داوود سجستانی، سنن ابن داوود، بیروت، دارالفکر ،۱۴۱۴ه_ . ق، ج ۲، ص ۱۷۹، ح ۱۸۸ .

۲- [۲] . نهج البلاغه، خطبه قاصعه ۱۹۲، ص ۲۱۶.

۳- [۳] . در حریم حرم، ص ۱۰۱.

می گرداند و تو را به یاد بزرگ مردانی می اندازد که در جوارش آرمیده اند؛ هاجر و اسماعیل که الگوی صبر و مقاومت و اسوه پرهیزکاری و مظهر فداکاری بودند.

با طواف اول، هستی خود را از حجاب کفر نجات بخشیده ای که سایه ای خطرناک بر چهره ظاهر و باطن و مانعی سنگین در مقابل تابش نور توحید بر عمق قلب است. با طواف دوم، وجود خود را از شرک خفی و جلی که ظلمی عظیم بر پیکره انسان و انسانیت است، رها ساز. با طواف سوم، دست و پای جان را از هر نفاق و دورویی آزاد شو. با طواف چهارم، خود را از آلودگی هوا و هوس و اسارت و زرق و برق و زنجیر مادیت و گرفتاری به طبیعت نجات ده. با طواف پنجم، از زنجیر طمع و حرص و بخل و آز بیرون آی. با طواف ششم، از چاه خطرناک عجب و خودبینی و ربا و سمعه به درآی و با طواف هفتم، از کبر و استعلا و استغبا دور شو.(۱)

خلاصه همه دین ها، دین اسلام و خلاصه همه عبادت ها حج است و طواف، زینت کعبه است.(۲) طواف، نهایت عشق به دلدار است و گریز از هر نوع دلدادگی و عشق به غیر اوست و پاسخ مثبت دلدار به خواسته ها و استجابت خواهش هاست و زنده دلان عاشق و عاشقان زنده دل، آرام و خاشع و خاضع و هم دل و همراه یکدیگر، محو جمال ربوبی اش شده اند و در جست وجوی گم شده خود هستند.

ص:۹۰

۱- [۱] . در بارگاه نور،صص ۵۱ و۵۲.

۲- [۲] . مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۷۵، ح ۱۱۱۱۱.

«طواف، اوج حج و زیباترین و باشکوه ترین منظره آن است. طواف، نقطه جوش و بالاترین حد پرستش است».(۱) در میان کعبه، دست خدا؛ یعنی حجرالاسود قرار دارد. حجرالاسود به منزله دست خدا در زمین است که دلدادگانش با او مصافحه می کنند و پیمان می بندند.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است:

اَلْحَجَرُالاْسودُ یَمینُ اللّه ِفِی الْأَرْضِ یُصافِحُ بها مَنْ یَشاءُ مِنْ خَلْقِهِ.(۲) حجرالاسود، دست خدا در زمین است که خداوند در آنجا با هر یک از بندگانش که بخواهد مصافحه می کند.

همچنین در جای دیگر می فرماید:

اِسْتَلِموا الرُّکنَ فَإِنَّه یَمینُ اللّه ِفی خَلْقِه یُصافِحُ بهَا خَلقهُ.(۳)

رکن را لمس کنید؛ زیرا آن دست خدا در میان خلق است که با آن زائران بیت مصافحه می کنند.

با او دست می دهی، با او آشتی می کنی، با او عهد و پیمان می بندی که دیگر با لجاجت ها و آلودگی ها و کج روی ها وداع کنی و قدم به جهانی دیگر بگذاری و تعهدهای فردی و اجتماعی را تجدید کنی و دست به طرف گناه دراز نکنی و از هرچه تو را از مدار بندگی دور می کند، فاصله بگیری.

حجرالاسود، گواه عهد و پیمان ماست. نشانه قرارداد خالق و مخلوق و پیمان بستن با بزرگ ترین قدرتی است که پشتوانه ای بزرگ و محکم در برابر

ص:۹۱

۱- [۱] . حج؛ نماز بزرگ،ص ۷۴.

۲- [۲] . عوالی اللآلی، ج ۱، ص ۵۱.

۳- [۳] . فروع کافی، ج ۱۴، ص ۴۰۶، ح ۹.

دیگر قـدرت های شـیطانی است. با لمس حجرالاسود، با خدا بیعت کنید تا با دشـمنان رسولان و صالحان و آزادگان، دشـمن باشید و به اطاعت و بندگی آنان هرکه باشد و هرچه باشد، سر ننهید و خوف و زبونی را از دل بزدایید.(۱)

بر این عهد و پیمان و قرارداد، حجرالاسود را برای روز قیامت گواه بگیرید. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است:

دست بر حجرالاسود بگذاریـد و چنین بگوییـد: «امانتی که بر ذمه من در زیارت خانه خـدا، ادا کردم و پیمان خود را بر عهـده گرفتم تا روز جزا گواه بر وفاداری من باش».(۲)

حجرالاسود، بوسه گاه پیامبران و صالحان و اولیای خداوند است. پس وقتی که حجر را استلام می کنیم و پیمان می بندیم، در واقع بـا صالحـان و اولیای الهی پیمان بسـته ایم و پیمان با خداونـد، پیمان با رسولش و اولیایش است. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

حجرالاسود، تکیه گاه حضرت مهدی(عج) به هنگام بیعت با آن امام و آغاز قیام جهانی و عدالت گستر آن حضرت است.(۳)

پس وقتی با خدا عهد می بندیم، در واقع با حضـرت ولی عصر علیه السلامپیمان بسته ایم. «حجرالاسود در تصویری دیگر، قلب بیت است که گویی هرچه قدس و جلال و معنویت و جذبه و شکوه است، از همین عضو

ص:۹۲

۱- [۱] . صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۳، پیام حج ۷/۶/۱۳۶۲.

۲- [۲] . وسائل الشیعه، ج ۱، باب ۱۲، ص ۴۰، ح ۱.

۳- [۳] . صهبای حج،ص ۲۲۶.

به سراسر بیت تزریق می گردد.»(۱) همان طور که قلب، خون را به سراسر بدن می رساند، حجرالاسود نیز شیفتگی و جبروت و معنویت را به سراسر کعبه می رساند.

در توصیفی، خال محبوب است. _الهی قمشه ای_ در توصیف حجرالاسود چنین می سراید:

بوسی حجر خال لب لعل نگاران، حجرالاسود خال لب لعل است و این خال را ببوس تا به محبوبت برسی.(۲)

امام صادق علیه السلام، رکن یمانی را شبیه در بهشت دانسته است که استلام آن سبب می شود وارد بهشت شویم و نیز آن را به نهر تشبیه کرده است که گناهان را می شوید. پس حجرالاسود، دری از درهای بهشت است که خداوند آن را گشود و هیچ گاه نبست.

۱۳. تحلیلی فشرده از اسرار حج

در کوچ به سرزمین وحی و قرار گرفتن در جوار خانه اش، تنها انگیزه های معنوی و رسیدن به درجه بندگی مهم است. مراسم و مناسک حج، مجموعه ای از احکام و اعمال ظاهری و صوری نیست که تنها برای انجام وظیفه باشد و بس، بلکه هدف از این اعمال، هجرت از خانه خودپسندی و تکبر به سوی خداوندگار است.

اعمال حج، برای تهذیب نفس و پیروز شدن بر شیطان و تلاش برای

۱- [۱] . میقات حج، ش ۱، ص ۱۰۷.
۲- [۲] . عرفان حج، ص ۳۳.

رسیدن به کمال مطلق و بالاـ رفتن از نردبان معرفت است. حج؛ یعنی تفکر در حال، آینده و گذشته. حج؛ یعنی حرکت به سوی آینده، برای ساختن دنیایی نو و آخرتی آباد. با انجام مناسک حج، وارد حریم الهی می شویم و فرصتی مناسب، برای پالایش و دگرگون شدن پیدا می کنیم.

هر یک از مراحل حج، سنگ محکمی برای زائر است تا جوهر ایمانش را بیازماید و سره را از ناسره بشناسد. تحول روحی و اخلاقی فرد پس از حج، نشانه پذیرش اعمال اوست. حج، سیر و سلوک است و مرز عبور از خود به خدا و فنا شدن در محبوب و رنگ الهی گرفتن و با خدا در میان خلق بودن و از میان خلق به حق سفر کردن است.

حج، نفس کُشی و ریاضت و مبارزه با هوس ها و خواهش های نفسانی است. حج، تضعیف و مهار خصلت های حیوانی و مسلط شدن بر شهوت ها و گرایش های جنسی است. در واقع، حج، تمرین اراده و مقاومت و پرهیز از خودبینی و خودآرایی، با ننگریستن به آینه است. ممنوع بودن آزار خود و حیوانات، تمرینی برای جلوگیری از ستم به دیگران و پرخاشگری و تجاوز به حریم دیگران است و اگر تک تک افراد ساخته شوند، جامعه نیز ساخته خواهد شد.

حاجی با این ممنوعیت ها و محدودیت ها، وجودش را تقدیم خدا می کند و اجازه نمی دهد اهریمن به محدوده وجودی او گام نهد و حرم امن الهی را در درون پدید می آورد. خداوند در این باره می فرماید: «وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِنًا». (آل عمران :۹۷)

آن گـاه که لبـاس احرام را می پوشـیم و لباس دنیوی را از تن درمی آوریم، جامه گناه و ریا و تکبر را از تن بیرون می کنیم و لبـاس دل بسـتگی هـا را بیرون می ریزیم و لباسـی ساده و سـفید می پوشـیم. جامه ادب و تواضع و جامه سـفر مرگ بر تن می کنیم.

بهره منـدی از عطر ممنوع می شود؛ زیرا بوی خوش بنـدگی کـافی است. در آینه نگاه کردن ممنوع است؛ زیرا بایـد تنها او را بنگریم و دل خود را به او بسپاریم. طواف و گشـتن به دور معبود، به معنای گشـتن تنها بر گرداگرد حریم او و ممنوع بودن از خودمحـوری و سـرزمین محـوری و ملت محـوری است. هرچه به او نزدیـک تر شـویم، از خـود دور می شویم. دشواری برخی اعمـال و محروم شـدن از برخی حلاـل ها، سـبب می شود جسم و جان خود را در برابر سـختی های دنیوی آماده سازیم. ازاین رو، در برابر دستورهایش باید فرمان بردار باشیم و همه اعمال را بی کم و کاست، در کمال بندگی محض انجام دهیم.

به طور کلی، فلسفه همه اعمال و مناسک، تمرین خودسازی و گناه نکردن است. در روایت چنین آمده است:

حـج، بـدن را به سـختی انداختن، از زن و فرزند دور شدن و جان را از هواهای نفسانی و شـهوت ها و لذت های نامشـروع منع کردن و تمرین خودسازی و گناه نکردن است.(۱)

۱۴. اسرار حج از زبان امام خمینی رحمه الله

ص:۹۵

۱- [۱] . وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۳.

«در طواف حرم خداکه نشانه عشق حق است، دل را از دیگران تهی کنید و جان را از خوف غیر خدا پاک سازید و به موازات عشق به حق از بت های بزرگ و کوچک و طاغوت ها و وابستگانش برائت جویید که خدای تعالی و دوستان او از آن برائت جستند و همه آزادگان جهان از آنان بری هستند و در لمس «حجرالاسود» بیعت با خدا بندید که با دشمنان او و رسولانش و صالحان و آزادگان، دشمن باشید و به اطاعت و بندگی آنان، هرکه باشد و هر جا باشد، سر ننهید و خوف و زبونی را از دل بزدایید. در سعی بین صفا و مروه، با صدق و صفا، سعی در یافتن محبوب کنید که با یافتن او همه بافت های دنیایی گسسته می شود و همه شکست ها و تردیدها فرو می ریزد. با حالت شعور و عرفان به مشعرالحرام و عرفات روید و در هر موقف به اطمینان قلب بر وعده های حق و حکومت مستضعفان بیفزایید. پس به منا روید و آرزوهای حقانی را در آنجا دریابید که آن قربانی نمودن محبوب ترین چیز خویش در راه محبوب مطلق است و بدانید تا از این محبوب ها که بالاترین حب نفس است و حب دنیا تابع آن است، نگذرید، به محبوب مطلق نرسید و در این حال است که شیطان را رجم کنید و شیطان از شما بگریزد و رجم شیطان را در مورد مختلف با دستورهای الهی تکرار کنید که شیطان و شیطان زادگان همه گریزان شوند».(۱)

۱۵. یافته های معنوی در مدینه

پس از شست وشوی روح از آلودگی ها و پلیدی ها و پیمان دوباره با مبدأ

۱- [۱] . صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۹۷.

آفرینش، اینک با روحی آزاد و پاک و به دور از هیاهوهای مادی، به حرم پاک نبی، مدینه منوره قدم می گذاریم؛ زیرا زیارت مدینه مکمّل حج است. امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید: «زیارت حضرت رسول، زیارت خداست».(۱)

به محضرش می رویم و با او خلوت می کنیم و از شیطان رجیم به او پناه می بریم. او که طبیب نفوس است و حبیب قلوب و داروی درد نفس آدمی را به او دادند و شفای قلب و روح بیمار بشر در کلام او نهفته است. او نسخه همه دردهای بی درمان و وجود مبارکش، خورشید هدایت گم گشتگان جهان است.

مناجات های علی علیه السلام، ناله های فاطمه علیهاالسلام و صدای اذان بلال را با تمام وجودت احساس می کنی. در واقع، مدینه، مصدر ولایت و امامت است و عزت و شکوه مسلمانان را تا ابدیت پایه ریزی کرده است. هر مسلمان عاشقی، مشتاق دیدار و زیارت پیامبر و این شهر است.

حج و زیارت مدینه، یعنی درک پیوند توحید و نبوت و امامت. امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

از مکه آغاز کن و به مدینه ختم کن که این فضیلت بیشتری دارد.(۲)

همچنین رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

مَنْ أتَی مَکَّهَ حاجّاً و لمْ یَزُرْنِی اِلَی الْمدینَهِ جَفانی.(۳)

ص:۹۷

۱- [۱] . همان، ج ۱، ص ۲۵۰.
۲- [۲] . وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۵۳.
۳- [۳] . علل الشرایع، ص ۴۶۰.

کسی که برای حج به مکه آید و در مدینه به زیارت من نپردازد، در حق من جفا کرده است.

حضرت زهرا علیهاالسلام فرمود:

هر کس سه روز حضرت رسول را زیارت کند، بهشت بر او واجب می شود.(۱)

پیامبر در کلامی دیگر درباره زیارت خود چنین می فرماید: «مَن أَتانی زائرا کُنْتُ شَفیعَهُ یَوْمَ القِیامَهِ؛ آن کس که به زیارت من آید، او را شفاعت می کنم».(۲)

پیامبر شفاعت خویش را برای کسی می خواهد که با دل او را زیارت کند. همچنین آن حضرت فرمود: «مَنْ زارَ قَبْری وَجب لَهُ شَفاعتی؛ کسی که قبر مرا زیارت کند، شفاعت من بر او واجب است».(۳)

از آن جهت به مدینه، منوره گویند که از مدینه، نور هدایت، انسانیت، ایمان، عدالت، علم، معرفت و مکارم الاخلاق می تابد. در همه جای این شهر، جای پای مبارک رسول رحمه للعالمین را می توان یافت. مدینه، مقدس ترین شهر اسلامی پس از مکه معظمه است و قداست آن هم پای مکه است. این شهر مورد رحمت پیامبر قرار گرفته است. هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شهر مدینه شد، برای ساکنان آن دعا کرد و از خدا خواست، خدا مدینه را همچون مکه و بلکه بیشتر از آن محبوب پیامبر و

۱- [۱] . اصول کافی، ج ۴، ص ۵۴۸.

۲- [۲] . همان.

۳- [۳] . وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۶۲ .

یارانش سازد و به برکات و خیراتش بیفزاید و تب و وبا را از آن دور سازد.(۱)

در جایی دیگر نیز چنین فرمود:

بار خدایا! برکت را بر مدینه نازل گردان...، سوگند به کسی که جان من در دست اوست، هر راه و کوره راهی که به مدینه منتهی می شود، ملکی از آن حفاظت و پاسبانی می کند.(۲)

مدینه مانند دیگر شهرها نیست. مدینه نخستین مرکز حکومت اسلامی، محل نشر و گسترش دین اسلام، محل تردد فرشتگان، محل نشر وحی و نزول آیه های الهی است. اولین مسجد در این شهر، بنا و نخستین نماز جمعه در این شهر برپا شد. همچنین مدینه محل زندگی بزرگ ترین انسان هاست. در مدینه مقاومت ها و ایثارها و رادمردی ها و عظمت ها و فداکاری و جان فشانی های بسیاری رخ داده است. اگر چشم دل باز کنیم و گوش جان بسپاریم، تمام کوچه پس کوچه های مدینه با آدم سخن می گوید.

بناهای تاریخی مدینه همچون مسجد قبا، مسجد قبلتین، مسجد فضیح، مسجد سلمان، مشربه ام ابراهیم، آرام گاه شهیدان، کوچه های بنی هاشم، نخلستان های مدینه و چاه های علی علیه السلام، یادآور خاطره های صدر اسلام است. در مورد مکان های مقدس در مدینه النبی روایات زیادی وجود دارد. رسول خدا درباره مسجد قبا فرموده است: «الصلاهُ فی مَسْجِد قُباءَ کَعُمرهٍ؛ نماز در مسجد قبا مانند یک عمره است.» همچنین فرمود: «هر کس بیرون آید تا به این

۱- [۱] . من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۳۷.
۲- [۲] . وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۶۲ .

مسجد ــ مسجد قبا ــ بیاید و در آن نماز بخواند، برای او پاداشی برابر عمره است».(۱)

۱۶. درک فضایل مسجدالنبی و زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

نماز خواندن در مسجدالنبی ثواب حج را دارد. پیامبر خدا فرمودند:

هر کس با طهارت بیرون شود و قصدی جز آمدن به این مسجد نداشته باشد، تا در آن نماز بخواند، مانند انجام حج است.

امام باقر علیه السلام به ابوحمزه ثمالی فرمود:

ثواب نماز واجب در مسجدالحرام و مسجدالنبی برابر است با ثواب یک حج و ثواب نماز نافله در آن برابر است با ثواب عمره.

با توجه به قدر و منزلتی که این مسجد عزیز دارد، باید قدر فرصت های ناب و کم یاب را بدانیم. پیامبر اسلام در این باره می فرماید:

الصَّلوهُ فِی مَسْجِدی کَأَلْفِ صَلوهٍ فی غیره اِلاَّ المْسْجِدَ الحَرامِ.(۲)

یک نماز در مسجد من بهتر از هزار نماز در دیگر مساجد است مگر مسجدالحرام.

همچنین امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «الصَّلاهُ فی مَسْجِدِ النَّبی صلی اللّه علیه و آله تَعْدِلُ بِعَشَرَهِ آلافِ صَلوهٍ؛ یک رکعت نماز در مسجد پیامبر برابر است با ده هزار رکعت نماز.»(۳) در این مسجد که پر از خاطرات گوناگون است، تو فقط باید چشم دل بگشایی. هنوز صدای نازنین پیامبر از این منبر به گوش می رسد. هنوز محراب، دل به پژواک صدای رسول خدا صلی الله علیه و آله بسته

۱- [۱] . حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۴۸۳، ح ۸۴۴ .

۲- [۲] . من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۸۸.

۳- [۳] . کافی، ج ۴، ص ۵۵۶، ح ۱۱ و ۱۲.

است. کجاست کسی که گوش جان به پیامبر بسپارد؟ کجاست قلبی که با بلال هم نوا گردد؟ تو باید خودت را گم کنی تا شاید معشوق خودت را بیابی.

«زیارت قبر رسول اللّه صلی الله علیه و آله، افزون بر ثواب اخروی، منافع دنیوی نیز دارد. گفته اند که خدا برای زائر قبر رسول، ده کرامت قرار داده است: رتبه والاء؛ دست یافتن به خواسته ها و برآوردن حاجت؛ موهبت یافتن، ایمنی و پاکیزگی از عیوب؛ آسان شدن مصیبت ها؛ برطرف شدن گرفتاری ها؛ فرجام نیک؛ رحمت پروردگار. همچنین زیارت قبر حضرت رسول، از برترین طاعات و موجب قرب به خداست».(۱)

امام صادق علیه السلام پاداش زیارت قبر پیامبر را زیارت خدا می داند. همچنین امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش زید شحام که پرسید: پاداش زیارت قبر پیامبر چیست؟ فرمود: «پاداش زیارت پیامبر چنان بالاست، مثل اینکه خدا را در عرش زیارت کنید».(۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره مردم آخرالزمان، یا بهتر امت بگوییم مردمانی که پس از درگذشت آن حضرت سر قبرشان می روند، فرموده است:

مَن زارَ قَبری بَعْدَ مَوتی کَمَنْ هاجَرَ لِی فی حَیاتی.(۳)

هر کس قبر مرا بعد از مرگم زیارت کند، همانند کسی است که در زمان حیاتم به سوی

۱- [۱] . زیارت، تدوین و ترجمه: جواد محدثی، مرکز پژوهش های فارسی الغدیر وابسته به دایره المعارف فقه اسلامی بر مذاهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۷۶، ص ۳۹؛ به نقل از: مصباح الکلام.
۲- [۲] . وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۶۲، ح ۶ .
۳- [۳] . بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۱۴۴.

من هجرت کرده است.

در جای دیگر ایشان چنین فرمود:

مَن زارَنی فی حَیاتی وَ بَعدَ مَماتی کانَ فی جَواری یَومَ القِیامَه.(۱)

کسی که مرا زیارت کند، در زمان حیاتم و بعد از درگذشتم، روز قیامت در کنار من خواهد بود.

همچنین ایشان فرموده است: «من در قیامت همسایه زائران خود خواهم بود».(۲) زیرا هر دیدی را بازدیدی است و اگر دیدار در دنیا باشد، بازدید در آخرت است. برای رفتن به بارگاه ملکوتی آخرین فرستاده خدا باید همانند رفتن به حریم کبریایی خداوند محرم شویم؛ یعنی قلب و روح خود را از نفسانیات پاک کنیم. باید نیتی خالص و قلبی خاضع و خاشع و لباس و بدنی پاکیزه داشته باشیم و با اجازه او به آستان شریفش گام گذاریم: «رَبِّ أَدْخِلْنی مُدْخَلَ صِدْقٍ.» در کنار قبر مطهرش باید رفتار شایسته یک مسلمان را داشته باشیم و ادب را رعایت کنیم. خدا در سوره حجرات فرموده است:

یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَرْفَعُوا أَصْواتَکُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِیِّ وَ لا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ کَجَهْرِ بَعْضِکُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمالُکُمْ وَ أَنْتُمْ لا تَشْعُرُونَ. (حجرات:۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید، صدای خود را از صدای پیامبر بلندتر نکنید و همچنان که با یکدیگر بلند صحبت می کنید، با او به آواز بلند سخن نگویید که اعمالتان ناچیز شود، در حالی که شما نمی دانید.

پس ما به عنوان مهمان حضرت باید آداب میهمانی را رعایت کنیم و از

ص:۱۰۲

۱- [۱] . همان، ج ۹۷، ص ۱۴۴.
۲- [۲] . وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۶۳.

گفتن سخن های بیهوده و حتی سخنان روزانه نیز دوری کنیم و قدر لحظات را بدانیم؛ زیرا کارهای بیهوده، پیامبر را آزار می دهد.

۱۷. بقیع؛ بوسه گاه فرشتگان

یکی از مقدس ترین و پرخاطره ترین مکان های مدینه، بقیع است که ستارگان درخشان و گوهرهای تابناکی را در آغوش گرفته است. بقیع، بارگاه چهار امام غریب و یاران پیامبر است که سرشار از یاد و خاطره دلاوری ها و شهامت ها و رادمردی هاست. بقیع، یک گورستان معمولی نیست، بلکه یک تاریخ کهن است؛ تاریخ یک دین و مذهب است. محل تنزیل هزاران فرشته و یادآور جنگ خندق، خیبر و تبوک است. درباره فضیلت این خاک مقدس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

از بقیع هفتاد هزار نفر محشور خواهند شد که صورت آنان مانند ماه شب چهارده خواهد بود.(۱)

پیامبر در جایی دیگر می فرماید: «سرزمین بقیع نخستین مکانی است که در روز قیامت شناخته می شود و به خاک سپرده شدگان آن، سر از خاک بیرون می آورند.» پیامبر به اهل بقیع فرمود:

اِنّی بُعِثتُ اِلی اَهْلِ الْبَقیعِ لِاُصَلِّی عَلَیْهِم.(۲)

من مأموریت دارم تا به اهل بقیع درود فرستم.

بقیع، تاریخ مظلومیت و سند غربت چهارده قرنه آل طه است. آرام و

ص:۱۰۳

۱- [۱] . محمدصادق نجمی، تاریخ حرم ائمه بقیع علیهم السلام و آثار دیگر در مدینه منوره، ویراستار: علی ورسه ای، نشر مشعر، ۱۳۸۳، چ ۲، ص ۵۹.

۲- [۲] . مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۴۸۸.

ساکت است، ولی فریاد در سکوت پنهان است و سکوت، رمز گفت وگو با آنهاست و فریادی در سکوت پرپر می زند. قلب تشیع و نبض حیات اسلام در بقیع می تپد. بقیع، شهر اهل بیت و نشانه استمرار نبوت و ولایت است و زیارت این قبرستان، نوعی اظهار ارادت و محبت و تجدید عهد با آنان است که همان تجدید عهد با رسول اللّه صلی الله علیه و آله است. زیارت بقیع، همانند زیارت رسول اللّه صلی الله علیه و آله است. حضرت صادق علیه السلام درباره زیارت امامان مطهر چنین فرموده است: «مَنْ زارَنا بَعْدَ مَمَاتِنا کَانَّها زارنا فی حَیاتِنا؛ هر کس ما و امامان را پس از فوتمان زیارت کند، گویی ما را در حال زنده بودنمان دیدار کرده است».(۱)

زید شحام می گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: پاداش کسی که شما را زیارت کند، چیست؟ فرمود: «مانند کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کند».(۲)

همچنین از امام رضا علیه السلام نقل شده است که فرمود:

برای هر امام و رهبری عهدی است در گردن دوست و شیعیانش از کمال و وفای به عهد و زیارت قبر ائمه. کسی که با میل و رغبت آنها را زیارت کند و آنچه را در آن رغبت فرموده اند، تصدیق کند، ائمه در روز قیامت شفاعت کننده آنها هستند.(۳)

ما با زیارت قبورشان تولّا و تبرای خود را اعلام می کنیم. این تنها چیزی

۱- [۱] . وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۰.
۲- [۲] . من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۷۸، ح ۳۱۶۳.
۳- [۳] . همان، ص ۵۵۷، ح ۳۱۶۰.

است که پیامبر از ما می خواهد. قرآن از زبان پیامبر چنین می فرماید: «لا أَسْئَلُکَمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی؛ من پاداشی از شما نمی خواهم مگر محبت بر اهل بیتم». زیارت، پلی از گذشته به آینده است. به یاری این سنت ارزشمند می توان فرهنگ و ارزش های معنوی و ناب محمدی و دست آوردهای فرهنگی امامان اطهار و اسلام عزیز را به نسل های بعد و آیندگان منتقل کرد. زیارت در ارزش های فرهنگی ما ریشه دارد و افزون بر جنبه عبادی آن، دارای جنبه فرهنگی وسیعی است.

حج بدون زیارت و تجدید عهد با اولی الامر، ناتمام است. تمام حج در دیدار با امام نهفته است. در واقع، حاجی پس از زیارت خانه خدا و عهد و پیمان بستن با او باید با رسول او و امام خود پیمان ببندد؛ زیرا «أَطیعُوا اللّهَ وَ أَطیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی اْلأَمْرِ مِنْکُمْ.» روح عبادت در سایه ولایت معنا می یابد. حج بی ولایت، حجی بی روح است. نه تنها حج، بلکه دیگر عبادت ها نیز در سایه ولایت معنا و مفهوم پیدا می کند.

در حجه الوداع، پیامبر مسئله ولایت را بیان کرد. بدون اعلام عمومی ولایت، همه کوشش های پیامبر از بین می رفت. حضور همیشه امام عصر(عج) در عرفات و موسم حج نیز دلیل دیگری بر اهمیت این موضوع است.

«بقیع، این کانون اسرار پنهان، این مجموعه کرامت های مدفون در خاک، این سند مظلومیت حق، این تجسم اشک ها و دردها و داغ های شیعه در طول تاریخ، این خانه غم و ماتم، این آشیان دل های سوخته و پرستوهای پر

شکسته، این بقعه مقدس ولی بی سایبان برای ما معنای دیگری دارد.»(۱) «در بقیع، روضه لازم نیست، خود، مرثیه مجسم است. در بقیع، اشک است که سخن می گوید.

۱۸. وداع با مدینه

همیشه هنگام ورود، حرف بسیار است و هنگام خداحافظی، حرف ها به پایان می رسد و اشک و آه و حسرت و تلخی سکوت، در جان لانه می کند. شب، شب آخر است. فرصت ها را باید غنیمت شمرد. باید به پای ثانیه ها بیفتی. ای عقربه ها! عقب بکشید و بایستید. عمر سفر خود را کوتاه نکنید. باید دل کند. جدایی یک قانون است.

پایان سفر، برگشتن به دنیای خاکی و روزمرگی همیشگی و تنزل از افلاک به خاک است. می رویم با حسرتی بر دل و غمی سنگین بر سینه و آرزویی بر دل مانده؛ آرزوی نیافتن قبر گم شده!

گریه امان نمی دهد، برای آخرین بار جام وجودت را متوجه قلب نگین مدینه، قبه الخضرا می کنی و روحت را در باران ترنم اشک هایت شست وشو می دهی: «اَخْرِجنی مُخْرَجَ صِدْقٍ» و با حسرت زمزمه می کنی: «السلام علیك یا رسولَ اللهِ.» با خود آرزو می کنی: «وَ لا جَعَلَهُ اللّه آخِرَ الْعَهدِ مِنّی لِزیارَتِکم».

ما جملگی ای مدینه بیمار توییم

رفتیم، ولی عاشق دیدار توییم

هر چند تو را گران فروشند به ما

ص:۱۰۶

۱- [۱] . روح حج، ص ۳۹.

باکی نبود، باز خریدار توییم(۱)

..

فصل پنجم:انسان پس از حج

اشاره

زائر خـانه خـدا و حرم نبـوی، افزون بر اینکه پیش از سـفر بایـد آمـادگی پیـدا کنـد و وظـایفی را انجـام دهـد، پس از سـفر نیز مسئولیت او بیشتر خواهد شد که برای آشنایی بیشتر مؤمنان، این وظیفه ها را برمی شماریم:

۱. پرهیز از ظاهرکاری در اعمال پس از حج

بر اسـاس آداب و سـنن، حـاجی پس از بـازگشت از سـفر الهی و معنوی حـج، برخی کارها را انجام می دهـد که اگر با تعادل همراه باشـد، بسـیار نیکو و بجاست. اگر این آداب و رسوم با اسـراف و تظاهر و ول خرجی همراه باشد، نه تنها نیکو و شایسـته نیست، بلکه بسیار ناپسند است. متأسفانه این فرهنگ و

۱- [۱] . جواد محدثی.

رسم نادرست، در جامعه ما نهادینه شده است. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

هَدِیَّهُ الْحَجِّ مِنَ الْحَجِّ یا اَلْهَدِیَّهُ مِن نَفَقهِ الْحَجِّ.(۱)

سوغات حج جزو حج است یا سوغات از هزینه حج است.

این سوغات یا هدیه هر قدر هم که اندک باشد، باز هم پسندیده و ارزشمند است. امام صادق علیه السلامدر این باره چنین فرمود: «به هر مقدار که توان مالی دارید، هر چند یک سنگ، برای زن و فرزندانتان هدیه بیاورید».(۲)

همچنین در جایی دیگر فرمود:

اِذا سافَرَ اَحَدُکُم فَقَدِمَ مِنْ سَفَرِهِ فَلْیَاْتِ اَهْلَهُ بِما تَیَسَّرَ وَ لَوْ بِحَجَرٍ.(۳)

هرگاه یکی از شما به سفر برود، چون به جانب اهل خود برگردد، چیزی بر آنان هدیه بیاورد، هر چند حقیر و کم ارزش باشد.

این تأکید برای هدیه و سوغات، به دلیل آثار مطلوبی است که در روابط خانوادگی به جا می گذارد. هدیه دادن، محبت و مهر را زیاد می کند، کینه ها و کدورت ها را از بین می برد، اختلاف های خانوادگی را کاهش می دهد و مشکلات بسیاری را حل می کند. از نظر اسلام، اهمیت هدیه به دلیل آثار معنوی آن است.

باید برای خرید سوغات به این نکته توجه کرد که نباید وقت حاجی را بگیرد. ازاین رو، حاجیان باید از اسراف و ول خرجی بپرهیزند. امام صادق

۱- [۱] . کافی، ج ۴، ص ۲۸۰.

۲- [۲] . وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۵۹، ح ۱۵۲۹۵.

۳- [۳] . وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۴۳، ابواب الحج.

علیه السلام می فرماید:

اَقْلِلِ النَّفَقَهَ فِی الْحَجِّ تَنْشَطْ وَ لا تُکْثِرِ النَّفَقَهَ فِی الْحَجِّ فَتَمَلَّ الْحَجَّ.(۱)

از صرف بودجه های غیرضروری در حج، صرف نظر کن تا نشاط حج در تو همچنان زنده بماند.

اسلام به مسئله اطعام و ولیمه دادن، نظر ویژه ای دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهولیمه دادن در پنج مورد را سفارش کرده که از جمله ولیمه دادن پس از بازگشت از سفر حج است، ولی باید دقت کرد تا دچار خودنمایی و ول خرجی نشویم. دادن غذاهای رنگارنگ و گرفتن مراسم در تالارها، به روح حج آسیب می رساند.

همچنین از دیگر مواردی که در سفر حج صورت می گیرد، استقبال از زائر خانه خداست که اگر به درستی صورت گیرد، نه تنها ناپسند نیست که پسندیده و ارزشمند است. امام سجاد علیه السلام در این باره می فرماید:

یا مَشْعَر مَنْ لَمْ یَحُجَّ اِسْتَبْشِرُوا بِالْحاجِّ اِذا قَدِمُوا فصافِحُوهُمْ وَ عَظِّمُوهُمْ فَاِنَّ ذلِکَ یَجِبُ عَلَیْکُم تُشارِکُوهُمْ فِی الْاَجْرِ.(۲)

ای کسانی که به حج نرفته اید، زائران خانه خدا وقتی که از حج برمی گردند، خوش حالی کنید و مژده دهید. با آنان دست دهید و بزرگشان بدارید. این کار بر شما لازم است تا در پاداش حج با آنان شریک بشوید.

این شیوه شریف و نیکو سبب حفظ حرمت حاجی و سفر الهی می شود و نوعی شور و شوق در دل دیگران برای رفتن به این سفر مقدس معنوی شکل

۱- [۱] . حج، قرائتی، ص ۲۹۴، به نقل از: الحیاه، ج ۱، ص ۲۴۶.

۲- [۲] . من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۲۸.

می گیرد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

کسی که حاجی را در آغوش بگیرد و با او معانقه کند و گردی از راه حج که در لباس حاجی است، بر لباس او بنشیند، مانند آن است که حجرالاسود را لمس کرده است.(۱)

در این باره به این نکته مهم باید توجه کرد که ول خرجی و زیاده روی در برگزاری مراسم استقبال از حاجیان، کاری ناپسند است و نباید این شیوه در جامعه اسلامی نهادینه شود؛ زیرا به قداست جامعه اسلامی آسیب می رساند.

۲. حفظ حالت های به دست آمده در موسم حج

حاجی پیش از رفتن به این سفر مقدس خود را آماده می کند و نیت خود را خالص می گرداند و صفت های ناپسند را از خود دور می کند و در این سفر با خدا پیمان می بندد که انسانی والا و شایسته باشد. پس از بازگشت از حج، تازه راهی نو آغاز شده است و مسئولیت او سنگین تر می شود. بنابراین، حفظ حالت های روحانی به دست آمده، سخت تر از انجام اعمال و مناسک حج است. حاجی باید تلاش کند نورانیتی را که در این سفر پدید آمده است، حفظ کند و با گناه و معصیت، این نورانیت را از بین نبرد. «حج، نورانیتی به ارمغان می آورد و تا زمانی که آلودگی به گناه پیدا نکرده، آن نور در چهره او باقی می ماند.»(۲) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید: «نشانه

۱- [۱] . بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۲۸۲.
۲- [۲] . وسایل الشیعه، ج ۱۱، ح ۱۵۲۲۴، ص ۴۴۷.

قبول شدن حج آن است که انسان بعد از بازگشت از مکه، دست از گناهان خود بردارد».(۱)

حج، درمان همه دردها و رذایل اخلاقی و فردی همچون غرور تکبر و حسد است و اگر غیر از این باشد، حاجی کار بیهوده ای انجام داده و تنها خودش را آزار داده است.

۳. زینت حج بودن

در جامعه اسلامی ما، لقب حاجی بسیار مقدس و محترم است و مردم محترمانه به حاجی نگاه می کنند و از او می خواهند فراتر از مردم عادی باشد. ازاین رو، حاجی باید ارج و قرب خود را نگه دارد. بنابراین، باید با اعمال و رفتار خود دیگران را به این کار تشویق کند. حاجی می تواند با بیان احساسات و حالت های معنوی خود و خاطرات سفر، دل ها را مشتاق و روانه مکه کند. «در واقع، این آموزشی بزرگ است که هر سال اقلیتی که توانسته اند عملاً ـ و اکثریتی که نتوانسته اند، نظرا در حج شرکت می کنند».(۲)

حاجی می تواند با بیان واقعیت ها و آنچه در ذهن مردم شکل گرفته است، چهره واقعی و درست اعمال و مناسک الهی را به گوش مردم برساند و مسائلی را که برای دیگران شک و شبهه ایجاد می کند، حل کند و دیده دیگران را به روی واقعیت ها بگشاید.

۱- [۱] . مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۸۶.

۲- [۲] . علی شریعتی، حج، ص ۱۹.

بنابراین، حاجیان پس از اثرپـذیری از حج دگرگونی روحی و اخلاقی در وجود خویش باید بتوانند اعضای خانواده خود را نیز متحول کنند و این دگرگونی اثرپذیری را نهادینه سازند.

فصل ششم:همراه با برنامه سازان

نقش رسانه ملی در گسترش فرهنگ حج و زیارت

رسـانه، وسـیله ای فراگیر و عمومی است که بـا افکار انسان ها سـر و کار دارد و روی آنان اثر می گـذارد. این اثرگـذاری می توانـد سـبب گسترش دین اسـلام شود. ارزش هـایی که هر کـدام می توانـد هزاران نکته مثبت و ارزنـده داشـته باشـد. یکی از موردهای مهم و ارزشـمند مراسم مقدس حج این است که هر سال در زمان خاصی برگزار می شود. ازاین رو، رسانه می تواند بیننده یا شنونده را وارد آن فضای معنوی کند تا دیگر مسلمانان بتوانند آن فضا را حس و با

ص:۱۱۲

بینشی عمیق در این مراسم شرکت کنند. این وظیفه و رسالت رسانه، تنها نباید در موسم و زمان خاصی صورت گیرد، بلکه باید در طول سال، رسانه به رسالت خود پای بند باشد. در میان وسایل ارتباط جمعی، رادیو و تلویزیون از پایگاه ویژه ای برخوردارند و به عنوان رسانه ملی ـ دینی نقش محوری اثرگذاری دارند.

صدا و سیما، به دلیل تنوع مخاطب، وسیله ارتباطی اثرگذاری در آموزش و رشد و تحول افراد جامعه در زمینه های گوناگون است. صدا و سیما در زمینه گسترش فرهنگ زیارت، پل ارتباطی مهمی به شمار می آید و می تواند با تعامل و همکاری با سازمان های دیگر، مانند حج و زیارت و بعثه مقام معظم رهبری، زائران را برای این سفر روحانی آماده کند.

رسانه در جهت آموزش و انتقال ارزش های حج می تواند با تهیه برنامه های متنوع درباره موضوع های گوناگون، افزون بر اطلاع رسانی دقیق و درست، بستر مناسبی را برای رشد روحیه خدامحوری و احیای شعایر الهی و تقویت پرهیزکاری عمومی فراهم کند.

رسانه ملی با ساخت برنامه های معنوی، می تواند افراد کم سواد یا بی سواد را پیش از سفر آموزش دهد. یادآوری جنبه معنوی این سفر به حاجیان، برای بهره مندی بهینه از فرصت کم نظیر و استثنایی که نصیب آنان شده است، بسیار راه گشا خواهد بود.

رسانه باید به حاجیان یادآوری کند که حج، عبادتی فردی نیست، بلکه عبادتی گروهی است و برگزاری باشکوه این مراسم می تواند سبب عزت و سربلندی جامعه مسلمانان شود. رسانه افزون بر اینکه زائر را آماده سفر

می کند و او را مشتاق می سازد، کسانی را که مسافر سرزمین وحی نیستند، برای رفتن به مکه علاقه مند می کند.

خوش بختانه صدا و سیما، در سال های اخیر تا حدودی توانسته است گام هایی در این زمینه بردارد و کارهای ارزشمندی انجام دهد. راه اندازی پایگاه اینترنتی ـلبیک ـو برنامه های گوناگون چون ـروضه رضوان ـجزو کارهای رسانه است. باید یادآوری کنیم که رسانه در این زمینه از تهیه برنامه های عاطفی بپرهیزد.

از دیگر برنامه هایی که صدا و سیما در این زمینه انجام داده است و می توان به آنها اشاره کرد، گزارش های زنده و گفت وگو با حاجیان و پخش زنده مراسم دعای کمیل مدینه و تبلیغ حج دانشجویی و دانش آموزی و پوشش خبری برائت از مشرکان است. امید است که رسانه در سال های آینده، گام های بلند و اثرگذاری در این جهت بردارد.

بایدها و نبایدها در رسانه ملی

امروزه صدا و سیما در عرصه فرهنگ سازی، جایگاه مهم و ویژه ای دارد که سبب تحول و تکامل و رشد و شکوفایی جامعه است. امید است پیشنهادهای زیر راه گشا باشد:

۱. برگزاری مسابقه های خاطره نویسی، شعر و متن ادبی؛

۲. برگزاری نشست هایی با کارشناسان گوناگون و بهره گیری از نظر کارشناسان؛

۳. بیان خاطره از زبان بزرگان یا کسانی که به این سفر الهی رفته اند؛

۴. ساخت برنامه های مستند، مانند روضه رضوان؛

ص:۱۱۴

۵. تهیه گزارش از مکان ها و آثار تاریخی (مدینه و مکه) و اطلاع رسانی دقیق درباره این مکان های دینی؛

۶. آموزش مناسک و اعمال حج؛

۷. آموزش آداب معاشرت و هم زیستی حجاج با یکدیگر و با حاجیان دیگر کشورهای مسلمان؛

۸. رسانه باید به حجاج یادآوری کند که آنها نمایندگان جمهوری اسلامی ایران هستند. ازاین رو، هنگام نماز، هشیار باشند و بانوان نیز حجاب اسلامی را رعایت کنند؛

۹. همکاری با سازمان حج و زیارت برای انجام مراسم حج؛

۱۰. آشنا کردن زائران با اخلاق و سیره نبوی و امامان اطهار علیهم السلام؛

۱۱. تشویق زائران به ثبت خاطره ها و رویدادهای سفر حج؛

۱۲. آموزش بهره مندی بهینه از زمان؛

۱۳. ساخت مجموعه های تلویزیونی، برای شناخت شخصیت های تاریخی، مانند بلال و ابوذر؛

۱۴. آموزش باورهای اسلامی به حجاج در برخورد با مسلمانان اهل سنت، برای حفظ آبروی تشیع؛

۱۵. آموزش و ساخت برنامه های مناسب در زمینه چگونگی بازگشت حجّاج؛

۱۶. گسترش فرهنگ معنوی حج و زیارت در میان گروه های تحصیل کرده؛

۱۷. آشنا کردن حجّاج با فضایل و برکت های زیارت؛

ص:۱۱۵

۱۸. بیان کاستی ها و کمبودها برای حجّاج در سفر؛

۱۹. رسانه می توانـد با روحیه بخشیدن و ایجاد آرامش و پرهیز از دشوار نشان دادن اعمال حج، اضـطراب و دلهره را بزداید و زمینه را برای انجام اعمال فراهم آورد؛

۲۰. باید حجّاج را در برابر وقوع وضعیت بحرانی آگاه کرد و به آنان یاد داد که چه کار کنند؛

۲۱. اطاعت حاجیان از مدیر کاروان، روحانی کاروان و پرهیز از تک روی؛

۲۲. پیش بینی مسابقه غیر حضوری در تلویزیون و طرح پرسـش های مربوط به مناسک و اعمال حـج و پاسـخ گویی حجّاجی که به مکه رفته اند؛

۲۳. تهیه گزارش از حاجیان و پخش آن در ایام حج؛

۲۴. گفت وگو تلویزیونی با روحانیان موفق، درباره خاطره ها و آموزه های حج؛

۲۵. معرفی روزهـای ویژه،ماننـد عرفه، قربـان، مبـاهله که در ایام حـج مورد توجه است، به ویژه معرفی اعمال و نیایش ها برای کسانی که به حج نرفته اند تا در ثواب حج شریک شوند.

پرسش های مسابقه

۱. بهترین خاطره تان را در طول سفر بنویسید.

۲. این سخن از کیست: «میان منبر من و خانه من، باغی از باغ های بهشت است».

۳. مسجدهای سبعه در کجا قرار دارند. آنها را نام ببرید؟

۴. در قبرستان بقیع، غیر از امامان اطهار علیهم السلام چه شخصیت هایی

ص:۱۱۶

آرمیده اند؟

۵. ایوان صفه در کجاست و چرا به این نام مشهور شده است؟

۶. چرا مسجد ذو قبلتین، به این نام مشهور شده است؟

۷. حج را در یک بیت شعر یا یک جمله توصیف کنید.

۸. مراحل مناسک حج را به ترتیب نام ببرید.

۹. در زمان احرام، چه چیزهایی بر محرم حرام است؟

۱۰. قربانی چه ویژگی های باید داشته باشد (مستحبات)؟

۱۱. بیتوته در منا، چند روز طول می کشد و زائران چه کارهایی انجام می دهند؟

۱۲. روز نهم ذی حجه، چه روزی است و حاجیان چه وظیفه ای در این روز دارند؟

۱۳. برای بهتر برگزار شدن مراسم حج چه پیشنهادهایی دارید؟

پرسش های مردمی

۱. بهترین خاطره خود را در طول سفر حج بیان کنید.

۲. از این سفر معنوی چه درس ها و بهره هایی می توان گرفت؟

۳. بهترین سوغاتی که برای خانواده و اطرافیان می توان آورد، چیست؟

۴. برداشت شما از مراسم سعی و صفا چیست؟

۵. نظرتان درباره طواف خانه خدا چیست؟

۶. وظایف اخلاقی و عبادی و سیاسی زائران در طول سفر حج را برشمارید؟

۷. زیارت مقبول، چگونه زیارتی است؟

ص:۱۱۷

۸. لحظه ورود به مسجدالنبی و بقیع چه احساسی داشتید؟

۹. زیارت بارگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان چه اثری داشت و چه اهمیتی دارد؟

۱۰. هنگام لبیک گفتن، چه هدفی داشتید؟

۱۱. صدا و سیما برای گسترش فرهنگ زیارت چه کارهایی می تواند انجام دهد؟

۱۲. یک زائر خوب باید چه ویژگی هایی داشته باشد؟

۱۳. زیارت بر فرد و اجتماع چه اثری می گذارد؟

پرسش های کارشناسی

۱. حج در اسلام از چه جایگاهی برخوردار است؟

۲. چه کارهایی برای دگرگونی روحی و اخلاقی زائران می توان انجام داد؟

۳. حج را از چه جنبه هایی می توان بررسی کرد؟

۴. کدام یک از جنبه های حج در زمان ما مهم تر است؟

۵. با برگزاری مراسم حج، از نظر فرهنگی ـ سیاسی چه بهره هایی می توان برد؟

۶. مراسم باشکوه حج در نزدیکی مذهب ها و حل اختلاف ها چه نقشی دارد؟

۷. به نظر شما چگونه می توان با ملت های مسلمان پیوند برقرار کرد؟

۸. رسانه در گسترش فرهنگ حج چه نقشی دارد؟

۹. اوج عظمت حج را در کدام یک از اعمال آن می توان یافت؟

۱۰. میان برگزاری حج در پیش از انقلاب و پس از انقلاب چه فرقی وجود دارد؟

۱۱. فلسفه دینی و سیاسی برائت از مشرکان چیست؟

۱۲. میان مراسم حج در اسلام و مراسم عبادی در دیگر دین های الهی چه تفاوت و شباهتی وجود دارد؟

۱۴. چرا باید در حفظ آثار اسلامی مکه و مدینه کوشید؟

۱۵. برای برگزاری مراسم باشکوه حج چه کارهایی می توان انجام داد؟

۱۶. حج بر فرد و اجتماع چه اثری می گذارد؟

موضوع های برنامه سازی

هم سفر حج

«مردی از سفر حج برگشته بود و ماجرای سفرش را برای امام صادق علیه السلام تعریف کرد. او از یکی از هم سفران خویش بسیار به نیکی یاد می کرد. او می گفت: مرد بزرگواری بود و ما به هم نشینی همچون مرد شریفی مفتخر بودیم. او یک سره مشغول عبادت و طاعت بود. همین که در منزلی فرود می آمدیم، او زود به گوشه ای می رفت و سجاده خویش را پهن می کرد و به طاعت و عبادت مشغول می شد.

امام صادق علیه السلام فرمود: پس چه کسی کارهای او را انجام می داد و حیوانش را تیمار می کرد. آن مرد گفت: البته افتخار این کار با ما بود. او فقط به کارهای مقدس خویش مشغول بود و کاری به این کارها نداشت. امام

فرمود: بنابراین، همه شما از او برتر بوده اید».(۱)

هفتاد سال حج

«شیخی همراه جوانی به حج رفت. همین که شیخ احرام بست و گفت: «اللهم لبیک»، از آسمان صدایی آمد: «لا لبیک.» جوان همراهش به شیخ گفت: «آیا این جواب را می شنوی؟» جواب داد: هفتاد سال است هر ساله به حج می آیم و این جواب را می شنوم، ولی صبر از کف نداده و ناامید نشده ام. جوان گفت: در این صورت نباید این همه سال رنج می کشیدی و به حج می آمدی. همان لحظه ندا آمد: به راستی، حج او را قبول کردیم».(۲)

خانه پروردگارم

زن عابدی حج کرد. زمانی که داخل مکه شد، ایستاد و پرسید: «خانه پروردگارم کجاست؟» به او گفتند: «این خانه خداست.» پس او شتاب برداشت و با سرعت خود را به کعبه رسانید و پیشانی اش را به دیوار خانه خدا چسبانید. او در همان حال درگذشت.(۳)

حق مادر

«بزرگی گفت: عزم حج کردم. چون به بغداد رسیدم، نزدیک _ابو جازم_ رفتم. او در خواب بود. صبر کردم تا بیدار شد و گفت: این ساعت، پیامبر را

۱- [۱] . نک: رحیم کارگر، داستان ها و حکایت های حج، نشر مشعر، ۱۳۸۲، چ ۸ .

۲- [۲] . همان، ص ۱۱۹، به نقل از: رنگارنگ، ج ۲، ص ۳۰۶.

۳- [۳] . همان، ص ۲۰۴، به نقل از: هدایه السالک، ج ۱، ص ۱۵۷.

به خواب دیـدم، مرا به تو پیغامی داد و فرمود حق مادر نگه دار که تو را بهتر از حـج کردن است. باز گرد و رضای او را طلب کن».(۱)

ناتمام گذاشتن طواف برای حاجت مؤمن

ـابـان بن تغلب ـ گفت: به همراه امـام صـادق علیه السـلام مشـغول طـواف کعبه بودم. هنگـام طواف، یکی از دوسـتانم از من خواست که کنارش بروم و به حرف و خواسته او گوش بدهم. من دلـم نمی خواست که از حضرت صادق علیه السلامجدا شوم و به سـوی او بروم. ازاین رو، تـوجهی نکردم. در دور بعـد نیز آن شـخص به من اشـاره کرد که به سـوی او بروم. این بـار امـام صادق علیه السـلام اشاره او را دید. به من فرمود: ای ابان، آیا با تو کار دارد؟ گفتم: آری. فرمود: او کیست؟ گفتم: از دوستان مـن اسـت. فرمـود: او هم مـؤمن و شـیعه است؟ گفتم: آری. فرمـود: پس به سـوی او برو و خواسـته اش را برآورده کن. عرض کردم: آیـا طـواف را قطـع کنم؟ فرمـود: آری. گفتم: آیـا اگر طواف واجب هم باشـد، می توان آن را به جهت برآورده شـدن حاجت مؤمنی قطع کرد و کار را رها کرد. فرمود: آری. من نیز طواف را قطع کردم و نزد آن شخص رفتم.(۲)

۱- [۱] . همان، ص ۱۱۸، به نقل از: تذکره الاولیاء، ص ۲۴۰.

۲- [۲] . همان، ص ۱۸۹، به نقل از: محجه البیضاء، ج ۳، صص ۶۹ و ۷۰.

کتاب نامه

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

۱. ابن بـابویه قمی (شیـخ صـدوق)، ابـو جعفر محمـد بن علی بن حسـین، ثـواب الاعمـال و عقـاب الاعمـال، ترجمه: علی اکـبر غفاری، تهران، نشر صدوق، ۱۳۷۳.

۲. ــــــــــــــــــــــــــ ، عیون الاخبار الرضا علیه السـلام، تصـحیح و تحقیق: حسین الاعلمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، بی تا.

۳. ــــــــــــــــــــــــــ ، مصــباح الشـریعه و مفتـاح الحقیقـه، ترجمـه: عبـدالرزاق عقیلانی، بیروت. مؤسسـه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

۴. ــــــــــــــــــــــــــ ، من لا یحضـره الفقیه، تصـحیح و تعلیقه: علی اکبر غفـاری، قم، صـدف، چـاپ اول، ۱۳۶۹.

۵. ابن حیون، نعمـان بن محمـد، دعـائم الاسـلام و ذکر الاحلال و الحرام و القضایـا و الاحکـام، تحقیق: آصف بن علی اصـغر فیضی، قاهره، دارالمعارف، ۱۳۸۳.

۶. ابی داوود سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابن داوود، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴

ه_ . ق.

۷. ادیانی، حسین حج مقبول، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، چاپ ششم، ۱۳۷۶.

۸. ارفع، سید کاظم، سوغات حج، نشر تربت، طلوع آزادی، چاپ اول، ۱۳۷۵.

الهی قمشه ای، مهدی، دیوان اشعار، تهران، روزنه، چاپ سوم، ۱۳۷۸.

۹. امام جعفر صادق علیه السلام، علل الشرایع، بی جا، مکتب حیدریه، ۱۳۸۶ ه_ . ق.

۱۰. امام خمینی رحمه الله، صحیفه نور، تهران، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۱۱. انصاریان، حسین، چهل حدیث، قم، نشر مشعر، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۱۲. ____________ ، در بارگاه نور، قم، نشر مشعر، چاپ دوم، ۱۳۸۲.

۱۳. بهشتی، محمد حسین، حج در قرآن، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴.

۱۴. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، محمد علی علمی، چاپ بیست و دوم، ۱۳۶۹.

۱۵. ترابی شهرفنایی، اکبر، قطره ای از زمزم معرفت، قم، مؤسسه انتشارات دارالعلم، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۱۶. جامع نایینی، بتول، راهی به سوی نور، قم، نسیم، چاپ اول، ۱۳۸۵.

۱۷. جمعی از صاحب نظران، کتاب حج (مجموعه مقالات)، شرکت سهامی چاپ خانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۱.

۱۸. جناتی، محمد ابراهیم، حج از دیدگاه مذاهب، ترجمه: حسین علی محمدی نژاد، نشر مشعر، چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

۱۹. جوادی آملی، عبدالله، جرعه ای از بی کران زمزم، ترجمه و تحقیق: علی حجتی کرمانی، قم، نشر مشعر، ۱۳۸۳.

۲۰. ____________ ، عرفان حج، به کوشش: علی ورسه ای، نشر مشعر، ۱۳۸۳.

۲۱. ____________ ، مهیای حج، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸.

۲۲. جویباری رستگاری،ولی الله،آثار معنوی و تربیتی حج،تهران، نفیس، چاپ اول، ۱۳۷۷.

ص:۱۲۳

۲۳. حبیب اللهی، علی، اعمال و آداب مکه مکرمه، قم، نشر مشعر، ۱۳۸۳.

۲۴. حجتی کرمانی، سید محمدباقر، اسلام و تعلیم و تربیت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۶۸.

۲۵. حجتی کرمانی، سید محمدباقر، در حریم کعبه، قم، نشر مشعر، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۲۶. حداد عادل، غلام علی، حج؛ نماز بزرگ، قم، نشر مشعر، چاپ چهارم، ۱۳۸۲.

۲۷. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، چاپ سوم، ۱۴۱۶ ه . ق.

۲۸. حسینی نسب، سید رضا، شیعه پاسخ می دهد، قم، نشر مشعر، چاپ هفتم، ۱۳۸۱.

۲۹. دوست محمدی، هادی، حج، با شکوه ترین تجلی وحدت، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.

۳۰. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

۳۱. رحیمیان، محمد حسن، محمد تقی رهبر، آیین تزکیه، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۳۲. رضایی، یوسف، حج.

۳۳. رفیعی، سید جعفر، تزکیه روح، مؤسسه یاران قائم، چاپ دوم، بی تا.

۳۴. رهبر، محمد تقی، ابعاد سیاسی ـ اجتماعی حج، قم، نشر مشعر، چاپ دوم، ۱۳۸۱.

۳۵. ________________________ ، اخلاق و آداب در حج و زیارت، قم، نشر مشعر، ۱۳۸۳.

۳۶. ________________________ ، همراه با زائران خانه خدا، قم، نشر مشعر، چاپ ششم، ۱۳۸۲.

۳۷. زارعی سبزواری، عباس علی، پرتویی از اسرار حج، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۳۸. سقلاطونی، مریم، مقاله «خاتم عشق»، ماه نامه اشارات، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۵.

ص:۱۲۴

۳۹. سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین (عربی به فارسی)، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۰.

۴۰. شریعتی، علی، تحلیلی از مناسک حج، تهران، الهام، چاپ پنجم، ۱۳۷۶.

۴۱. صادقی تهرانی، درس هایی از فقه سیاسی اسلام، بی جا، نشر صوت اسلام، ۱۳۶۲.

۴۲. صحراییان، محمد حسن، سفرنامه عشق، شیراز، نوید، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۴۳. صدر حاج سید جوادی، احمد، کامران فانی، بهاء الدین خرمشاهی و حسین یوسفی اشکوری، دایره المعارف شیعه، قم، ستاره، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۴۴. صفری، احمد، چگونه به حج برویم؟ (راهنمای حج ایرانیان)، اصفهان، انتشارات فرهنگ مردم، چاپ اول، ۱۳۸۴.

۴۵. ضیاء آبادی، سید محمد، حج؛ برنامه تکامل، قم، نشر مشعر، چاپ اول، ۱۳۸۴.

۴۶. عزیزی، عباس، سلامت روح و نماز و عبادت در تفسیر نمونه، انتشارات نبوغ، چاپ دوم، ۱۳۷۶.

۴۷. عطایی اصفهانی، علی، مشعل زائر، قم، انتشارات دار العلم، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۴۸. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، امیر کبیر، چاپ هفتم، ۱۳۶۹.

۴۹. عمید زنجانی، عباس علی، در راه برپایی حج ابراهیمی، قم، نشر مشعر، ۱۳۷۵.

۵۰. غفوری، علی، کنگره اسلامی حج، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۳.

۵۱. قرائتی، محسن، حج، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم، ۱۳۷۳.

۵۲. کارگر، رحیم، داستان ها و حکایت های حج، قم، نشر مشعر، چاپ هشتم، ۱۳۸۲.

۵۳. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ه . ق.

۵۴. ________________، فروع کافی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸، ه . ق.

۵۵. ________________، اصول کافی، بیروت، آل البیت، ۱۳۶۳.

۵۶. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ه . ق.

۵۷. محبی، جلال، چهل حدیث، قم، نشر مشعر، ۱۳۷۵.

۵۸. ____________________، در حریم حرم، قم، نشر مشعر، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۵۹. ____________________، مناسک حج با روش ابتکاری، چاپ پیمان، چاپ دوم، ۱۳۸۱.

۶۰. محدثی، جواد (تدوین و ترجمه)، زیارت، مرکز پژوهش های فارسی الغدیر وابسته به دایره المعارف فقه اسلامی بر مذاهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۷۶.

۶۱. ____________________، روح حج، قم، نشر مشعر، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۶۲. ____________________، زیارت، قم، نشر مشعر، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۶۳. محمد بن علی بن بابویه قمی (صدوق)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق.

۶۴. محمد ری شهری، محمد، حج و عمره در قرآن و حدیث، ترجمه: جواد محدثی، قم، نشر دارالحدیث، چاپ اول، بی تا.

۶۵. ____________________، میزان الحکمه، مکتب الاعلام الاسلام، چاپ دوم، ۱۳۶۷.

۶۶. مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴.

۶۷. موسوی، سید علی اصغر، مقاله «مظلوم ترین نگاه تاریخ»، ماه نامه اشارات شماره ۴۳، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، آذر ۱۳۸۱.

۶۸. مولانا حمید، مقاله «اتحادیه امت اسلام طرحی در پی آمد و ساختار جهان شمولی اسلام»، فصل نامه اندیشه تقریب، سال اول، زمستان ۱۳۸۲.

۶۹. میقات حج، فصل نامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، تاریخی، تهران، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت.

۷۰. نجفی روحانی، نجف، آشنایی با اسرار عمره، تهران، مشعر، چاپ دوم، ۱۳۸۱.

۷۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام من شرح شرایع الاسلام، بی جا، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۵.

۷۲. نجمی، محمدصادق، تاریخ حرم ائمه بقیع و آثار دیگر در مدینه منوره، تهران، نشر مشعر ۱۳۸۳.

۷۳. نوری طبرسی، حسن، مستدرک الوسائل و مستبط المسائل، بیروت، مؤسسه

آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، چاپ دوم، ۱۴۰۸، ه . ق.

ص:۱۲۷

آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، چاپ دوم، ۱۴۰۸، ه . ق.

ص:۱۲۸

آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، چاپ دوم، ۱۴۰۸، ه . ق.

ص:۱۲۹

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹